

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## عربی (۱)

رشته ادبیات و علوم انسانی

پایه دهم

دوره دوم متوسطه

۱۳۹۵



## وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

نام کتاب:

عربی (۱) پایه دهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۰۲۰۷

پدیدآورنده:

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف:

دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری

شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف:

حبیب تقوایی، علی‌جان‌بزرگی، حسن حیدری، سید محمد دلبری، سید مهدی سیف، عبدالله یزدانی

و فاطمه یوسف نژاد (اعضای شورای برنامه‌ریزی)

عادل اشکیوس، محی‌الدین بهرام‌محمدیان، علی چراغی و اباندر عجاجی (اعضای گروه تألیف) -

سید اکبر میرجعفری (ویراستار)

مدیریت آماده‌سازی هنری:

اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

شناسه افزوده آماده‌سازی:

لیدا نیک‌روش (مدیر امور فنی و چاپ) - مؤسسه فرهنگی هنری نقطه گرافیک (طراحی گرافیک،

طراحی جلد و صفحه‌آرایی) - حسین چراغی، علی مظاهری نظری فر، زینت بهشتی شیرازی،

فریبا سیر، مریم دهقان زاده (امور آماده‌سازی)

نشانی سازمان:

تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹

وبگاه: [www.irtextbook.ir](http://www.irtextbook.ir) و [www.chap.sch.ir](http://www.chap.sch.ir)

ناشر:

شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران: کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان

۶۱ (دارویش) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹

چاپخانه:

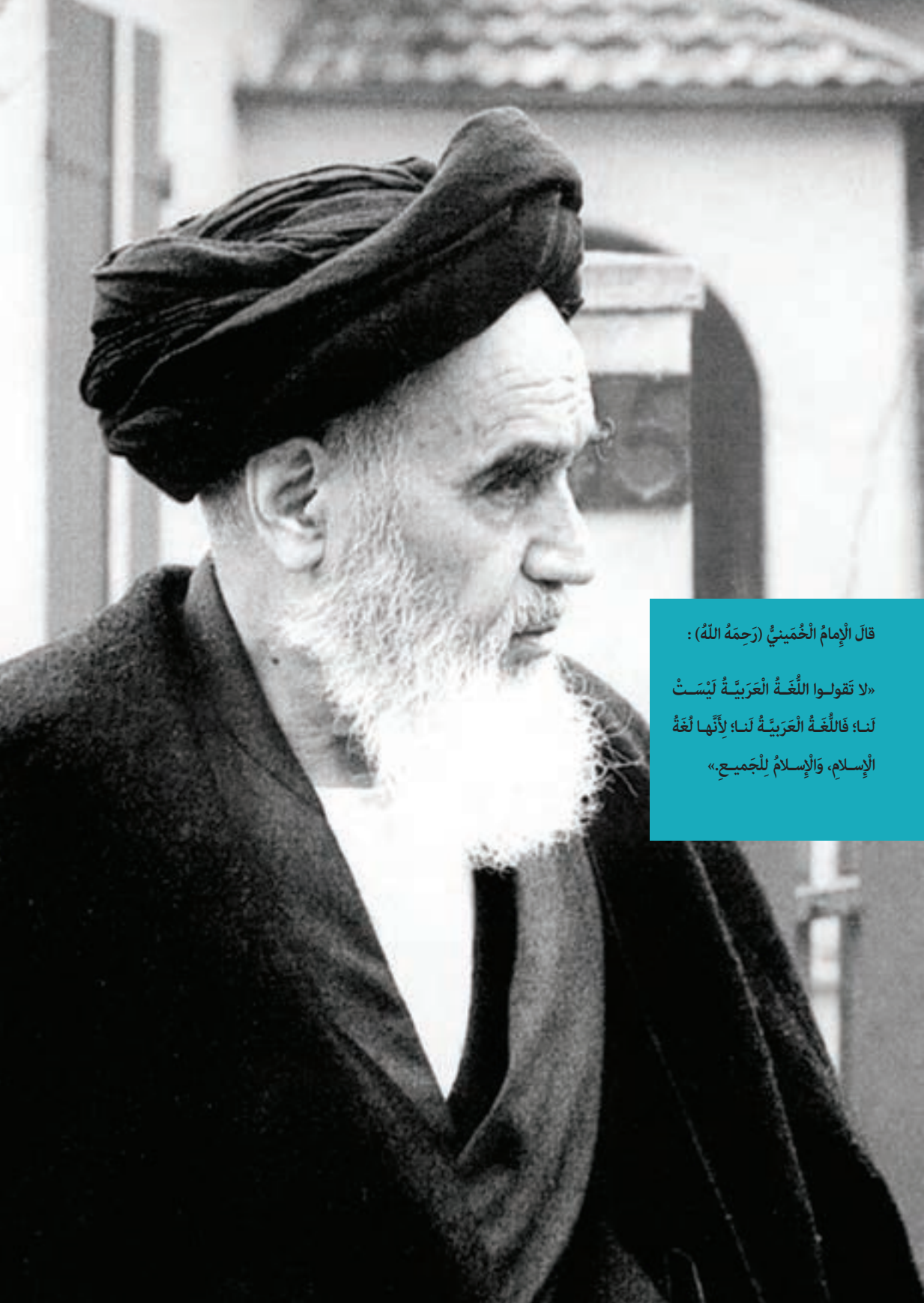
شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

سال انتشار و نوبت چاپ:

چاپ اول ۱۳۹۵

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۲۴۸۳-۱

ISBN: 978-964-05-2483-1



قَالَ الْإِمَامُ الْخُمَيْنِي (رَحِمَهُ اللَّهُ) :

«لَا تَقُولُوا اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ لَيْسَتْ

لَنَا؛ فَاللُّغَةُ الْعَرَبِيَّةُ لَنَا؛ لِأَنَّهَا لُغَةُ

الْإِسْلَامِ، وَالْإِسْلَامُ لِلْجَمِيعِ.»

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

# الفهرس

■ بيشگفتار ..... الف

■ الدرس الأول ..... ١

----- ذاك هو الله + صيغ الأفعال + التعارف

■ الدرس الثاني ..... ١١

----- إنكم مسؤولون + الأعداد من واحد إلى مئة + في مطار النجف

■ الدرس الثالث ..... ٢٣

----- مطر السمك + الفعل الثلاثي المجرد والمزيد (١) + في قسم الجوازات

■ الدرس الرابع ..... ٣٧

----- التعايش السلمي + الفعل الثلاثي المزيد (٢) + في صالة التفتيش

■ الدرس الخامس ..... ٤٩

----- ﴿هذا خلق الله﴾ + الجملة الفعلية والاسمية + مع سائق سيارة الأجرة

■ الدرس السادس ..... ٦٣

----- المعالم الخلابة + إعراب أجزاء الجملة الاسمية والفعلية + في الصيدلية

■ الدرس السابع ..... ٧٧

----- صناعة النفط + الفعل المجهول + مع مسؤول استقبال الفندق

■ الدرس الثامن ..... ٩٥

----- يا من في البحار عجائبه + أجاز والمجور و نون الوقاية + مع مشرف الخدمات

■ المعجم ..... ١١١

## پیشگفتار

سخنی با دبیران، گروه‌های آموزشی، مدیران مدارس و اولیای دانش‌آموزان

دبیر عربی برای تدریس این کتاب باید:

۱. کتاب‌های عربی پایه‌های هفتم تا نهم را تدریس یا به دقت مطالعه و بررسی کرده باشد.
۲. دوره آموزشی توجیهی ضمن خدمت این کتاب را گذرانده باشد.
۳. کتاب معلم (راهنمای تدریس و ارزشیابی) و نرم‌افزار «بر فراز آسمان» را با دقت کافی بررسی کرده باشد.

خدای را سپاسگزاریم که به ما توفیق داد تا با نگارش کتاب درسی آموزش زبان عربی ویژه رشته ادبیات و علوم انسانی به جوانان کشور عزیزمان خدمتی فرهنگی ارائه دهیم.

رویکرد برنامه درسی عربی بر اساس برنامه درسی ملی این است:

«پرورش مهارت‌های زبانی به منظور تقویت فهم قرآن و متون دینی و کمک به زبان و ادبیات

فارسی»

شیوه تألیف کتاب‌های عربی هفتم تا دهم متن‌محوری است. متن‌محوری به معنای نفی قواعد نیست؛ در این کتاب قواعد در خدمت فهم زبان است؛ لذا بخش مهمی از کتاب درسی و نیز بارم‌بندی را قواعد تشکیل می‌دهد.

شایستگی مورد نظر برای دانش‌آموز پایه دهم رشته ادبیات و علوم انسانی این است که بتواند در پایان سال تحصیلی، متون و عبارات ساده عربی را درست بخواند و معنای آنها را بفهمد و ترجمه کند. در این کتاب علاوه بر حدود ۳۵۰ کلمه جدید کتاب عربی پایه دهم، ۸۱۹ واژه عربی هفتم، هشتم و نهم نیز تکرار شده‌اند؛ پس در حقیقت هدف این کتاب در بخش واژگان، آموزش حدود ۱۲۰۰ واژه پربسامد زبان عربی است.

این کتاب با توجه به اسناد بالادستی «قانون اساسی»، «برنامه درسی ملی» و «راهنمای برنامه درسی» نوشته شده است. برنامه درسی ملی، مهم‌ترین سند برای تألیف کتاب‌های درسی است.

راهنمای برنامه درسی عربی نیز نقشه راه برای تألیف تمام کتاب‌های درسی عربی است.

کلمات به کاررفته در کتاب‌های عربی، پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن، احادیث، روایات و زبان و ادبیات فارسی بسیار به کار رفته‌اند.

تصاویر، عبارات و متون کتاب به ابعاد تربیتی و فرهنگی نیز توجه دارند.

از آنجا که یکی از چهار مهارت زبانی «سخن گفتن» است و به استناد برنامه درسی ملی و از آنجا که درس عربی در رشته ادبیات و علوم انسانی یک درس اختصاصی است؛ مکالمات کوتاهی در کتاب

گنجانده شده است. مکالمه بستری مناسب برای آموزش هر زبانی است و کلاس درس را جذاب، شاداب، پرتحرک و فعال می‌سازد.

### مهم‌ترین تأکیدات درباره شیوه تدریس و ارزشیابی کتاب:

۱. طراحی هر گونه آزمونی (کنکور، داخلی مدرسه، هماهنگ استانی یا کشوری، مسابقات علمی) تابع اهداف کتاب درسی و در چارچوب آن است. این تذکر به ویژه برای طرح سؤال کنکور است و در صورت تخلف، آن آزمون رسماً از نظر وزارت آموزش و پرورش فاقد اعتبار رسمی است. این تأکیدات در حکم یک بخشنامه اداری و لازم الاجراست.

۲. این کتاب شامل هشت درس است. هر درس در سه جلسه آموزشی تدریس می‌شود.

۳. دانش آموز پایه دهم در دوره اول متوسطه با این ساختارها آشنا شده است:

فعل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی، نفی، مستقبل، معادل ماضی استمراری، ترکیب اضافی و وصفی برای ترجمه ترکیب مخلوط مانند «أَخَوْتُ الصَّغِيرَ» هدف از آموزش ترکیب وصفی و اضافی در عربی پایه نهم این بوده که دانش آموز بتواند ترکیب‌هایی مانند «أخي العزيز» را داخل جمله (نه بیرون از جمله) ترجمه کند.

وزن و ریشه کلمات، اسم اشاره، کلمات پرسشی، و ساعت خوانی؛ در ساعت خوانی فقط ساعت کامل، ربع و نیم آموزش داده شده؛ مثلاً «چهار و بیست و پنج دقیقه» آموزش داده نشده است.

۴. هرچند درس اول دوره آموخته‌های پیشین است؛ اما در سایر درس‌ها نیز این دوره انجام شده است. ۵. در درس دوم، عددها آموزش داده می‌شوند. اهمیت آموزش اعداد بر کسی پوشیده نیست. در متوسطه اول عددهای اصلی و ترتیبی تا ۱۲ آموزش داده شده‌اند. در این کتاب عددهای اصلی از یک تا صد و عددهای ترتیبی از یکم تا بیستم آموزش داده خواهد شد. مباحث مطابقت عدد و معدود و ویژگی‌های معدود جزء اهداف آموزشی کتاب نیست و از طرح آنها خودداری شود. بدیهی است که در کتاب درسی این مطابقت‌ها در متون و عبارات وجود دارد و دانش آموز با دقت در آنها می‌تواند این ظرافت‌ها را کشف کند؛ اما آموزش و ارزشیابی آنها مد نظر نیست.

۶. دانش آموزان در متوسطه اول با هر دو فعل مجز و مزید در کتاب درسی آشنا شده‌اند؛ هرچند در تمرینات فقط با صرف فعل‌های ثلاثی مجز صحیح و سالم مواجه شده‌اند؛ اما فعل‌های مزید و حتی فعل‌های مهموز، مضاعف و معتل نیز در کتاب به کار رفته است؛ مانند اَمَنْ، اِبْتَسَمَ، اَتَى، اَجَابَ، اَحَبَّ، اِحْتَرَقَ، اِشْتَرَى، اَصَابَ، اَعْطَى، تَخَرَّجَ، حَاوَلَ، حَدَرَ، زَادَ و ... دانش آموز قبلاً با شناسه‌های فعل‌های ثلاثی مجز آشنا شده است. در حقیقت هدف آموزشی این دو درس این است که با استفاده از آموخته‌های سه سال اول با فعل‌هایی آشنا شود که فعل ماضی سوم شخص مفرد آنها «ثلاثی مزید» بیش از سه حرف است. تشخیص ثلاثی مزید از ثلاثی مجز، ذکر نوع باب، ساخت

یا صرف فعل و ترجمه از فارسی به عربی آن از اهداف آموزشی نیست. دانش‌آموز فقط باید بتواند فعل و مصدر ثلاثی مزید را درست ترجمه کند و ماضی، مضارع، امر و نهی و مصدر آنها را از هم درست تشخیص دهد.

در بخش واژه‌نامه، مضارع و مصدر فعل‌های ماضی ثلاثی مزید مدام تکرار شده است تا دانش‌آموز کم‌کم این فعل‌ها را بشناسد؛ اما مصدر فعل‌هایی مانند دَلَّ، سَارَ، رَجَا، رَضِيَ و ... چون قیاسی نیستند، نیامده‌اند.

۷. در درس پنجم، جمله اسمیه و فعلیه تدریس می‌شود. هدف، شناخت اجزای جمله یعنی فعل، فاعل، مفعول به، مبتدا و خبر است؛ اما قرار دادن اعراب کلمات هدف نیست.

۸. در درس ششم، اعراب جمله اسمیه و فعلیه و چهار حالت اعراب (رفع، نصب، جر و جزم) آموزش داده شده است. هدف، شناخت اجزای جملات است و توانایی نهادن اعراب (اعراب‌گذاری) هدف آموزشی نیست.

۹. در درس هفتم، فعل مجهول تدریس می‌شود. هدف این است که دانش‌آموز جمله‌های دارای فعل مجهول را درست معنا کند. تبدیل جمله دارای فعل معلوم به مجهول و برعکس هدف نیست.

۱۰. در درس هشتم، معانی حروف جر آموزش داده می‌شود. دانش‌آموز باید بتواند حروف جر و جار و مجرور را در جمله تشخیص دهد؛ نهادن اعراب جر در اسم مجرور هدف نیست. در این درس نون وقایه نیز تدریس شده است؛ اما ساخت مدّ نظر نیست.

۱۱. در طراحی سؤال درک مطلب به ویژه در کنکور باید از متون کتاب استفاده شود. در صورتی که متنی غیر از کتاب درسی طرح می‌شود، باید هیچ واژه‌ای خارج از واژگان انتهای کتاب نداشته باشد یا اینکه ترجمه فارسی آنها ذیل متن داده شود. همچنین نباید ساختاری متفاوت با قواعد کتاب درسی در آنها باشد.

۱۲. التحلیل الصرفی و الإعراب (تجزیه و ترکیب) از اهداف این کتاب نیست؛ اما دانش‌آموز به عنوان نمونه باید تشخیص دهد که «کاتب» و «مکتوب» اسم فاعل و مفعول‌اند؛ یا «استرجع» فعل امر است و معنای «کاتب»، «مکتوب» و «استرجع» را بداند.

۱۳. صورت سؤال به زبان عربی است؛ اما شایسته نیست واژگانی در آن باشد که دانش‌آموز نخوانده باشد. ۱۴. مضارع و مصدر برخی فعل‌های ثلاثی مجرد که مصدرشان در کتاب درسی یا در زبان فارسی به کار رفته است، در واژه‌نامه کتاب آمده است؛ اما طرح سؤال امتحانی یا کنکور از آنها هدف نیست. ۱۵. نیازی به ارائه جزوه مکمل قواعد به دانش‌آموز نیست. هرچه لازم بوده در کتاب آمده است یا در سال‌های بعد خواهد آمد.

۱۶. مکالمه، نمایش، سرود، ترجمه تصویری، پژوهش و داستان‌نویسی کار عملی در درس عربی محسوب می‌شود. انجام بخش پژوهش خارج از کلاس است و ارائه گزارش مربوط به آن بستگی به



وقت کلاس دارد.

۱۷. جمله‌سازی، تشکیل، تعریب، تبدیل از صیغه‌ای به صیغه دیگر و نهادن اعراب از اهداف کتاب درسی نیست.

۱۸. در سایه درست خواندن، درست فهمیدن و ترجمه درست، مهارت سخن گفتن نیز حاصل خواهد شد. باید توجه داشته باشیم که شمار اندکی از دانش‌آموزان قادرند هنگام سخن گفتن ظرافت‌های دستوری را به خاطر بیاورند و رعایت کنند و این کاملاً طبیعی است؛ زیرا به یاد آوردن قواعد، هنگام سخن گفتن برای هر زبان‌آموزی دشوار است. در سخن گفتن سرعت عمل لازم است و با آزمون کتبی قابل مقایسه نیست. اگر به این نکته بسیار مهم توجه نشود، بدترین ضربه در آموزش مهارت سخن گفتن به دانش‌آموز وارد می‌شود. نظر به دشواری مکالمه باید در امتحانات، مسابقات و کنکور صرفاً از همان عبارات موجود در کتاب سؤال طرح گردد.

۱۹. آموزش فعل و ضمیر در سه کتاب عربی متوسطه اول بومی‌سازی شده و بر اساس دستور زبان فارسی و به صورت (من، تو، او، ما، شما، ایشان) است. سبک پیشین به این صورت بود: (هو، هما، هم، هی، هُمَا، هُنَّ، اَنْتَ، اَنْتُمَا، اَنْتُمْ، اَنْتِ، اَنْتُمَا، اَنْتُنَّ، اَنَا، نَحْنُ) شیوه نوین در تدریس آزمایشی کاملاً موفق بود و دانش‌آموزان بسیار بهتر درس را آموختند. از آنجا که درس عربی در رشته علوم انسانی اختصاصی است، دانش‌آموزان باید با اصطلاحات خاص زبان عربی آشنا باشند. به همین منظور در درس اول نام صیغه‌ها به زبان عربی ذکر شده است.

#### ۲۰. معنای کلمات در امتحان باید در جمله خواسته شود.

۲۱. روخوانی‌های دانش‌آموز و فعالیت‌های او در بخش مکالمه در طول سال نمره شفاهی دانش‌آموز را تشکیل می‌دهد.

۲۲. در کتاب جای کافی برای نوشتن ترجمه و حل تمرین در نظر گرفته شده تا نیازی به دفتر تمرین نباشد؛ اما متن دروس جای کافی ندارد، می‌توان برای متون کتاب یک ورق در کتاب نهاد، یا یک دفتر کوچک برای بخش ترجمه اختصاص داد.

۲۳. از همکاران ارجمند درخواست داریم تا با رویکرد دفتر تألیف همگام شوند؛ زیرا دانش‌آموزان با این شیوه از متوسطه اول به متوسطه دوم آمده‌اند و کتاب‌های عربی عمومی پایه‌های یازدهم و دوازدهم نیز ادامه و مکمل روش این کتاب خواهند بود.

نشانی وبگاه گروه عربی: [www.arabic-dept.talif.sch.ir](http://www.arabic-dept.talif.sch.ir)

## سخنی با دانش‌آموز

عربی را می‌آموزیم؛ زیرا زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی است. زبان رسمی بسیاری از کشورهای مسلمان عربی است. زبان و ادبیات فارسی با آن درآمیخته و برای فهم بهتر زبان فارسی آشنایی با زبان عربی لازم است. عربی یکی از شش زبان رسمی سازمان ملل متحد است و زبانی کامل، پرمعنا و قوی است و ادبیات آن غنی است و ...

این کتاب ادامه سه کتاب پیشین است. هرآنچه در متوسطه اول آموخته‌اید، در این کتاب لایه‌لای متون، عبارات و تمرین‌ها تکرار شده است؛ ترجمه متون و عبارات کتاب بر عهده شماست و دبیر نقش راهنما دارد. شما به راحتی می‌توانید متون را ترجمه کنید؛ به همین منظور در انتهای کتاب همه واژگان سه کتاب عربی متوسطه اول در کنار واژگان عربی دهم قرار داده شده است. استفاده از کتاب‌کار توصیه نمی‌شود. تجربه کتاب‌های کار متوسطه اول نشان داد که تخلّف آشکار از اهداف آموزشی در آن وجود دارد. در کتاب‌هایی که به نام تیزهوشان یا آمادگی برای کنکور و مسابقات طراحی می‌شود، مواردی می‌آید که از اهداف آموزشی زبان‌آموزی نیست؛ هدف این کتاب فهم متن است. اگر شما بتوانید متون عربی را درست بخوانید و خوب بفهمید و ترجمه کنید، خود به خود می‌توانید از فارسی به عربی نیز ترجمه کنید؛ اما ترجمه به عربی هدف کتاب نیست. در بخش مکالمه مطالبی کاربردی آموزش داده شده است، شما می‌توانید آنها را حفظ کنید و با تغییراتی در آن در کلاس با دوستانتان دو به دو تمرین کنید. از آیات و احادیث کتاب‌های درسی عربی می‌توانید در انشا و مقاله‌نویسی استفاده کنید. کتاب گویا نیز تهیه شده است تا با تلفظ درست متون آشنا شوید.



## الدَّرْسُ الأوَّلُ



﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ﴾

الْأَنْعَامُ : ١

به کتاب گویا گوش کنید؛ سپس در یک کار گروهی شعر زیر را ترجمه کنید. در پایان اشکالات ترجمه را از دبیرتان بپرسید. می‌توانید یک گروه تشکیل دهید و شعر را برای جلسه آینده به صورت سرود اجرا کنید.

## مُرَاجَعَةُ دُرُوسِ الصَّفِّ السَّابِعِ وَ الثَّامِنِ وَ التَّاسِعِ

ذَاكَ هُوَ اللَّهُ

ذَاتِ الْغُصُونِ النَّضِرَةِ <sup>۱</sup>	أَنْظُرْ لَيْلَكَ الشَّجَرَةَ
وَ كَيْفَ صَارَتْ شَجَرَهُ	كَيْفَ نَمَتْ مِنْ حَبَّةٍ
يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَةَ	فَابْحَثْ وَقُلْ مَنْ ذَا الَّذِي
جَذَوْتُهَا مُسْتَعِرَهُ	وَ أَنْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي
حَرَارَةً مُنْتَشِرَهُ	فِيهَا ضِيَاءٌ وَ بِهَا
فِي الْجَوِّ مِثْلَ الشَّرَرِ	مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا
أَنْعَمُهُ مِنْهُمْ مَرَهُ	ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي
وَ قُدْرَةَ مُقْتَدِرِهِ	ذُو حِكْمَةٍ بِالْعَةِ
أَوْجَدَ فِيهِ قَمَرَهُ	أَنْظُرْ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ
كَالدُّرِّ الْمُنْتَشِرِ	وَ زَانَهُ بِأَنْجُمِ



۱- الشَّاعِرُ: مَعْرُوفُ الرِّصَايِّ، شَاعِرٌ عِرَاقِيٌّ مِنْ أَبِي كُرْدَيْي النَّسَبِ وَ أُمُّ تَرْكَمَانِيَّةٍ، لَهُ آثَارٌ كَثِيرَةٌ فِي النَّثْرِ وَ الشَّعْرِ.

وَانْظُرْ إِلَى الْعِیمِ فَمَنْ	أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ
فَصَيَّرَ الْأَرْضَ بِهِ	بَعْدَ اغْبَارِ خَضِرِهِ
وَانْظُرْ إِلَى الْمَرْءِ وَقُلْ	مَنْ شَقَّ فِيهِ بَصَرَهُ
مَنْ ذَا الَّذِي جَهَّزَهُ	بِقُوَّةٍ مُفْتَكِرِهِ
ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي	أَنْعَمَ مِنْهُمَرَهُ

■ آموختن معنای کلمات باید در خلال ترجمهٔ متون و عبارات محقق شود.

■ به کتاب گویا گوش کنید و کلمات جدید متن را در کلاس با هم تکرار کنید.

اغْبَار: تیره رنگی، غبار آلودگی  
 أَنْجَم: ستارگان  
 أَنْزَلَ: نازل کرد  
 أَنْعَم: نعمت‌ها  
 أَوْجَدَ: پدید آورد  
 بِالْغ: کامل  
 جَذْوَة: پارهٔ آتش  
 جَهَّزَ: مجهَّز کرد  
 خَضِرَة: سرسبز  
 دَرَر: مرواریدها (مفرد: دُرّ)

ذا: این ← هُذَا  
 ذات: دارای  
 ذَاكَ: آن  
 زَان: زینت داد  
 شَرَرَة: اخگر (پارهٔ آتش)  
 شَقَّ: شکافت  
 صَيَّرَ: گردانید  
 ضیاء: روشنائی  
 غُصُون: شاخه‌ها (مفرد: غُصْن)

عِیم: ابر  
 قُلْ: بگو  
 مُسْتَعِرَة: فروزان  
 مُفْتَكِرَة: اندیشمند  
 مُنْهَمِرَة: ریزان  
 نَصِرَة: تر و تازه  
 نَمَتْ: رشد کرد «مؤنث»  
 يُخْرِجُ: درمی‌آورد

■ در گروه‌های دو نفره، شبیه گفت‌وگوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

### حوارات (التعارُف) في مطارِ النَّجَفِ الْأَشْرَفِ

أَحَدُ الْمُوظَّفِينَ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ	زائرٌ مَرَقَدُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
وَعَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.	السَّلَامُ عَلَيْكُمْ.
صَبَاحَ النُّورِ وَ السُّرُورِ.	صَبَاحَ الْخَيْرِ يَا أَخِي.
أَنَا بِخَيْرٍ، وَ كَيْفَ أَنْتَ؟	كَيْفَ حَالُكَ؟
عَفْوًا، مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟	بِخَيْرٍ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ.
مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟	أَنَا مِنَ الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ.
إِسْمِي عَبْدُ الرَّحْمَنِ.	إِسْمِي حُسَيْنٌ وَ مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟
لَا؛ مَعَ الْأَسْفِ. لِكُنِّي أُحِبُّ أَنْ أُسَافِرَ.	هَلْ سَافَرْتَ إِلَى إِيرَانَ حَتَّى الْآنَ؟
إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛ إِلَى اللَّقَاءِ مَعَ السَّلَامَةِ.	إِنْ شَاءَ اللَّهُ تُسَافِرُ إِلَى إِيرَانَ!
فِي أَمَانِ اللَّهِ وَ حِفْظِهِ، يَا حَبِيبِي.	فِي أَمَانِ اللَّهِ.



## اعلموا

### صیغُ الأفعال

با نام‌گذاری صیغه‌های فعل‌ها در دستور زبان عربی آشنا شوید.

نام صیغه به فارسی و عربی	ضمیر	ماضی	مضارع	امر	نهی
اول شخص مفرد	من	أَنَا	فَعَلْتُ	أَفْعُلْ	
دوم شخص مفرد	تو	أَنْتَ	فَعَلْتَ	تَفْعُلْ	لا تَفْعَلْ
سوم شخص مفرد	او	هُوَ	فَعَلَ	يَفْعَلْ	
		هِيَ	فَعَلَتْ	تَفْعُلْ	لا تَفْعَلِي
اول شخص جمع	ما	نَحْنُ	فَعَلْنَا	نَفْعُلْ	
دوم شخص جمع	شما	أَنْتُمْ	فَعَلْتُمْ	تَفْعَلُونَ	لا تَفْعَلُوا
		أَنْتُنَّ	فَعَلْتُنَّ	تَفْعَلْنَ	لا تَفْعَلْنَ
		أَنْتُمَا	فَعَلْتُمَا	تَفْعَلَانِ	لا تَفْعَلَا
		أَنْتُمَا	فَعَلْتُمَا	تَفْعَلَانِ	لا تَفْعَلَا
سوم شخص جمع	ایشان	هُمْ	فَعَلُوا	يَفْعَلُونَ	
		هُنَّ	فَعَلْنَ	يَفْعَلْنَ	
		هُمَا	فَعَلَا	يَفْعَلَانِ	
		هُمَا	فَعَلَتَا	تَفْعَلَانِ	

تمرینات درس را به صورت گروهی در کلاس حل کنید و اشکالات خود را در پایان از دبیرتان بپرسید.

## التمرین

### الْتَمَرِينُ الْأَوَّلُ: كَمِّلْ تَرْجَمَةَ الْآيَاتِ وَ الْأَحَادِيثِ التَّالِيَةِ.

۱- ﴿وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾ الشُّعْرَاءُ : ٨٤

و برای من یاد نیکو در .....

۲- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ الصَّف : ۲

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، .....

۳- ﴿وَاعْمَلُوا صَالِحاً إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾ الْمُؤْمِنُونَ : ۵۱

و کار نیکو .....

۴- ﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ الْأَعْرَاف : ۴۷

پروردگارا، .....

۵- «لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ وَ كَثْرَةِ الْحَجِّ... وَلَكِنْ انْظُرُوا إِلَى

صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ.» رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

به بسیاری نمازشان و ..... و بسیاری حُجَّشان .....

۶- «إِرْحَمْ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمُكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ.» رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

به کسی که در زمین است .....



التَّامِرِينَ الثَّانِي: إِقْرَأِ الْأَحَادِيثَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنْ تَرْجَمَتَهَا الصَّحِيحَةَ.

۱- «إِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا.» رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

برای (دنیایت □ دنیا □) چنان کار کن گویی همیشه (زندگی می کنی □ لذت میبری □)  
و برای آخرت چنان کار کن گویی (فردا می میری □ نزدیک است بمیری □).

۲- «أُنْظِرْ إِلَى مَا قَالَ وَلَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ.» أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

به آنچه گفته است (بنگر □ می نگرم □) و به آن که گفته است (ننگر □ نمی نگرم □).

۳- «إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ.» أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

هرگاه فرومایگان (به فرمانروایی رسیدند □ مالک قدرت شدند □)؛ شایستگان هلاک شدند.

۴- «مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ.» أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

هرکس (دشمنی □ دوستی □) کاشت؛ (زیان □ سود □) درو کرد.

۵- «الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ؛ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَكَثِيرُهُ قَاتِلٌ.» أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

سخن مانند داروست. اندکش (سود می رساند □ شفا می دهد □) و بسیارش کشنده است.



الْتَمَرِينُ الثَّالِثُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَ الْأَحَادِيثَ الثَّالِيَّةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَاضِيَ وَالْمُضَارِعَ وَالْأَمَرَ وَالنَّهْيَ.

١- ... وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ... ﴿التَّحَل: ٣٣﴾

٢- ... وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ... ﴿النِّسَاء: ٢٩﴾

٣- ... لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ ... ﴿يُوسُف: ٦٧﴾

٤- أُطْلِبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٥- إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ؛ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٦- قَوْلُ «لَا أَعْلَمُ» نِصْفُ الْعِلْمِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ ؓ

الْتَمَرِينُ الرَّابِعُ: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الثَّالِيَّةَ وَ اذْكُرْ صِيَغَهَا.

.....	سَنَكْشِفُ	.....	قَبَّلَتْ	.....	مَا قَدَرُوا
.....	سَوْفَ يَفْرَحُ	.....	تَلَبَّسُونَ	.....	مَا فَقَدْنَا
.....	لَا تَصْعَدِينَ	.....	تَطْرُقْنَ	.....	عَيَّرْنَ
.....	كَانَ يَلْعَبُ	.....	لَا تَهْرُبُ	.....	أَرْقَدُوا

## التمرين الخامس: اكتب في الفراغ كلمة مناسبة حسب المعنى.

- ١- الأعداد الأصلية هي: واحد / ..... / ..... / أربعة / .....
- سِتَّة / ..... / ثمانية / ..... / عشرة / ..... / إثنا عشر
- ٢- الأعداد الترتيبية هي: الأول / ..... / الثالث / ..... / الخامس / ..... / السابع / ..... / العاشر / ..... / الثاني عشر
- ٣- أيام الأسبوع سبعة وهي: يوم السبت و ..... و الإثنين و ..... و ..... و الجمعة.
- ٤- فصول السنة أربعة وهي: فصل الربيع و ..... و الخريف و .....
- ٥- نأكل الفطور في الصباح و ..... في الظهر و ..... في الليل.
- ٦- لون الغراب ..... ، و لون السحاب ..... و لون البحر ..... ، و لون الموز ..... ، و لون الرمان ..... ، و لون الشجر .....

## التمرين السادس: ضع في الدائرة العدد المناسب. «كلمة واحدة زائدة».

- ١- الشرر ○ من الأحجار الجميلة الغالية ذات اللون الأبيض.
- ٢- الشمس ○ جذوتها مستعرة، فيها ضياء و بها حرارة منتشرة.
- ٣- القمر ○ كوكب يدور حول الأرض؛ ضياؤه من الشمس.
- ٤- الأنعم ○ بخار متراكم في السماء ينزل منه المطر.
- ٥- الغيم ○ من الملابس النسائية ذات الألوان المختلفة.
- ٦- الفستان ○ قطعة من النار.
- ٧- الدرر ○

الْتَمْرِينُ السَّابِعُ: ضَعْ هَذِهِ الْجُمْلَ وَ التَّرَاكِيْبَ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ، ثُمَّ تَرَجِّمْهَا.

هُؤْلَاءِ فَائِزَاتٌ / هُذَانِ الدَّلِيلَانِ / تِلْكَ بَطَّارِيَةُ / أَوْلَنِكَ الصَّالِحُونَ / هُؤْلَاءِ الْأَعْدَاءُ / هَاتَانِ الرُّجَا جَتَانِ

مفرد مؤنث	مثنى مذكر	مثنى مؤنث	جمع مذكر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مكسر

الْتَمْرِينُ الثَّامِنُ: اُكْتُبْ وَزْنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ وَ حُرُوفَهَا الْأَصْلِيَّةَ.

- ١- نَاصِر، مَنصُور، أَنصَار: .....
- ٢- صَبَّار، صَبُور، صَابِر: .....
- ٣- مِفْتَاح، إِفْتِتَاح، فَاتِحَة: .....

الْتَمْرِينُ الثَّاسِعُ: ضَعِ الْمُتَرَادِفَاتِ وَ الْمُتَضَادَّاتِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ. = ≠

ضِيَاءُ / نَامٌ / نَاجِحٌ / مَسْرُورٌ / قَرِيبٌ / جَمِيلٌ / نِهَايَةٌ / يَمِينٌ / غَالِيَةٌ / شِرَاءٌ / مَسْمُوحٌ / مُجِدِّ

رَخِيصَةٌ	رَاسِبٌ	يَسَارٌ	حَزِينٌ
بَيْعٌ	بِدَايَةٌ	بَعِيدٌ	مُجْتَهِدٌ
رَقَدَ	قَبِيحٌ	نُورٌ	مَمْنُوعٌ

الْتَمْرِينُ الْعَاشِرُ: ارْسُمْ عَقَارِبَ السَّاعَاتِ.



الْتَّاسِعَةُ إِلَّا رُبْعًا



الْتَّامِنَةُ وَ النِّصْفُ



الْخَامِسَةُ وَ الرُّبْعُ

## الدَّرْسُ الثَّانِي



قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ :

إِنِّي مَسْئُولٌ وَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ.

به کتاب گویا گوش کنید؛ سپس در یک کار گروهی متن زیر را ترجمه کنید. در پایان اشکالات ترجمه را از دبیرتان بپرسید.

«إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ» أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

كَانَتْ سُمَيَّةُ بِانْتِظَارِ وَالِدَتِهَا لِلرُّجُوعِ إِلَى الْبَيْتِ بَعْدَ انْتِهَاءِ الدَّوَامِ الْمَدْرَسِيِّ، وَ كَانَتْ حُجْرَاتُ الْمَدْرَسَةِ مُغْلَقَةً، وَ مَا بَقِيَ فِي الْمَدْرَسَةِ إِلَّا جَمْعٌ قَلِيلٌ مِنْ زَمِيلَاتِهَا؛ وَ كَانَتْ مُدِيرَةُ الْمَدْرَسَةِ وَ بَعْضُ الْمُدْرَسَاتِ يَنْتَظِرْنَ أَنْ تَفْرُغَ الْمَدْرَسَةُ مِنَ الطَّالِبَاتِ. عِنْدَئِذٍ سَمِعَتْ سُمَيَّةُ صَوْتَ مُكَيِّفِ الْهَوَاءِ مِنْ إِحْدَى الْحُجْرَاتِ، وَ شَاهَدَتْ الْمَصَابِيحَ مِنَ النُّوَاوِذِ، فَظَنَّتْ أَنَّ طَالِبَاتِ صَفٍّ آخَرَ فِي حِصَّةِ تَقْوِيَةٍ، أَوْ يُمَارِسْنَ نَشَاطًا حَرًّا؛ وَ عِنْدَمَا نَظَرَتْ بِدِقَّةٍ، وَجَدَتْ الْحُجْرَةَ فَارِغَةً. حَاوَلَتْ فَتَحَ الْبَابِ، فَوَجَدَتْهُ مُغْلَقًا، فَذَهَبَتْ إِلَى مُدِيرَةِ الْمَدْرَسَةِ، وَ أَخْبَرَتْهَا بِمَا شَاهَدَتْ، فَشَكَرَتْهَا الْمُدِيرَةُ، وَ طَلَبَتْ مِنْ سُمَيَّةِ إِطْفَاءَ الْمَصَابِيحِ وَ الْمُكَيِّفِ.

عِنْدَئِذٍ شَاهَدَتْ الْمُدِيرَةُ طَالِبَةً بِاسْمِ فَاطِمَةَ؛ كَانَتْ فَاطِمَةُ تَذْهَبُ لِإِغْلَاقِ حَنْفِيَّةِ الْمَاءِ الَّتِي كَانَتْ مَفْتُوحَةً قَلِيلًا. وَ فِي صَبَاحِ الْيَوْمِ الثَّالِي، شَكَرَتْ مُدِيرَةُ الْمَدْرَسَةِ فِي الْإِصْطِفَافِ الصُّبَاحِيِّ سُمَيَّةَ وَ فَاطِمَةَ لِاهْتِمَائِهِمَا بِالْمَرَافِقِ الْعَامَّةِ.

وَ فِي حِصَّةِ الْعُلُومِ الْاجْتِمَاعِيَّةِ، قَامَتْ رُقِيَّةُ وَ سَأَلَتْ الْمُدْرَسَةَ: «مَا الْمَقْصُودُ بِالْمَرَافِقِ الْعَامَّةِ الَّتِي تَكَلَّمْتَ الْمُدِيرَةُ عَنْهَا هَذَا الصُّبَاحَ؟» فَأَجَابَتْ: «الْمَرَافِقُ الْعَامَّةُ هِيَ الْأَمَاكِنُ الَّتِي تَمْتَلِكُهَا الدَّوْلَةُ، وَ يَنْتَفِعُ بِهَا النَّاسُ جَمِيعًا. إِذَا فَهِمْتَ مَعْنَاهَا، فَادْكُرِي لَنَا أَمْثَلَةً لِلْمَرَافِقِ الْعَامَّةِ.» أَجَابَتْ رُقِيَّةُ: «الْمَدَارِسُ وَ الْهَوَاتِفُ الْعَامَّةُ وَ الْمُسْتَشْفَيَاتُ وَ الْمُسْتَوْصَفَاتُ وَ الْمَتَاحِفُ وَ الْمَكْتَبَاتُ وَ دَوْرَاتُ الْمِيَاهِ وَ الْحَدَائِقُ الْعَامَّةُ وَ الْأَشْجَارُ عَلَى الرَّصِيفِ وَ أَعْمِدَةُ الْكَهْرَبَاءِ ...» أَجَابَتْ الْمُدْرَسَةُ: «أَحْسَنْتِ، وَ الْحِفَاطُ عَلَى هَذِهِ الْمَرَافِقِ وَاجِبٌ عَلَى كُلِّ مُوَاطِنٍ.»

سَأَلَتِ الطَّالِبَاتُ بِتَعَجُّبٍ: «لِمَ وَ كَيْفَ؟! ذَلِكَ وَاجِبُ الدَّوَلَةِ.»

قَالَتِ الْمُدْرَسَةُ: «بَلْ هِيَ مَسْؤُولِيَّةٌ مُشْتَرَكَةٌ، فَسُمِّيَتْ الَّتِي قَامَتْ بِإِطْفَاءِ الْمُكَيِّفِ وَ الْمَصَابِيحِ فِي حُجْرَةِ الْمُدْرَسَةِ وَ فَاطِمَةُ الَّتِي أَغْلَقَتْ حَنْفِيَّةَ الْمَاءِ وَ الطَّالِبَةُ الَّتِي تَدْخُلُ مَكْتَبَةَ الْمُدْرَسَةِ فَتُحَافِظُ عَلَى الْهُدُوءِ فِيهَا وَ عَلَى نَظَافَةِ الْكُتُبِ وَ تَرْتِيبِهَا، وَ تِلْكَ الَّتِي تَنْصَحُ مَنْ يَرْمِي النُّفَايَاتِ فِي غَيْرِ مَكَانِهَا بِكَلَامٍ طَيِّبٍ؛ هَؤُلَاءِ يَعْمَلْنَ بِوَاجِبَاتِهِنَّ كَمُوَاطِنَاتٍ يَشْعُرْنَ بِالْمَسْؤُولِيَّةِ.»

قَامَتْ سُمِّيَّةٌ وَ قَالَتْ: «أَلَيْسَ مِنَ الْمُنَاسِبِ كِتَابَةُ لَوْحَةٍ جِدَارِيَّةٍ مَكْتُوبٍ عَلَيْهَا هَذَا الْحَدِيثُ الشَّرِيفُ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبَهَائِمِ.

قَبِلَتْ الْمُدْرَسَةُ وَ قَالَتْ: «هَذَا الْإِفْتِرَاحُ حَسَنٌ، وَ سَنَتَعَاوَنُ جَمِيعًا عَلَى الْعَمَلِ بِهَذَا الْحَدِيثِ.»

■ به کتاب گویا گوش کنید و کلمات جدید متن را در کلاس با هم تکرار کنید.

قام: برخاست

قام ب: اقدام کرد

مارَس: انجام داد، تمرین کرد

مَرَافِقِ عَامَّةٍ: تأسیسات عمومی

مُغْلَقٍ: بسته شده

مُكَيِّفُ الْهَوَاءِ: کولر

مُوَاطِن: شهروند، هم‌میهن

نَشَاط: فعالیت

نَصَحَ: پند داد

نُفَايَات: زباله‌ها

هُدُوء: آرامش

هُوََاتِف: تلفن‌ها

تَعَاوَنَ: همکاری کرد

تَيَّار: جریان

حَافِظَ: نگهداری کرد

حُجَرَات: اتاق‌ها

حُرَّ: آزاد، آزاده

حِصَّة: زنگ درسی، قسمت

حِفاظَ عَلَيَّ: نگهداری از

حَنْفِيَّةُ الْمَاءِ: شیر آب

دَوَامَ مَدْرَسِيَّ: ساعت کار مدرسه

دَوْرَةُ الْمِيَاهِ: سرویس بهداشتی

رَمَى: پرت کرد

عِنْدَيْدُ: در آن هنگام

فَرَعَ: خالی شد

أَحْسَنْتِ: آفرین بر تو

أَخْبَرَ: خبر داد

إِصْطِفَافَ صَبَاحِيَّ: صف صبحگاه

إِطْفَاء: خاموش کردن

أَعْمِدَةٌ: ستون‌ها «مفرد: عمود»

أَغْلَقَ: بست

إِقْتِرَاح: پیشنهاد

إِمْتَلَكَ: مالک شد

إِنْتَفَعَ: سود بُرد

بَهَائِم: چارپایان (به جز درندگان)

«مفرد: بهیمة»

بِقَاع: قطعه‌های زمین

«مفرد: بُقعة»

- ۱- كَانَتْ سُمَيَّةُ بِانْتِظَارٍ وَالدِّهَانِ لِلذَّهَابِ إِلَى الْمَنْزِلِ.
- ۲- ذَهَبَتِ الْمُدِيرَةُ نَفْسَهَا لِإِطْفَاءِ الْمَصَابِيحِ وَ الْمَكْيِّفِ.
- ۳- أَخْبَرَتْ سُمَيَّةُ مُدِيرَةَ الْمَدْرَسَةِ بِمَا شَاهَدَتْ فِي الْحُجْرَةِ.
- ۴- الْمَرَاغِقُ الْعَامَّةُ هِيَ الْأَمَاكِنُ الَّتِي يَمْتَلِكُهَا بَعْضُ النَّاسِ.
- ۵- شَكَرَتِ الْمُدِيرَةُ فِي الْإِصْطِفَافِ الصَّبَاحِيِّ جَمِيعَ الطَّالِبَاتِ.

### إِعْلَمُوا

#### الْأَعْدَادُ مِنْ وَاحِدٍ إِلَى مِئَةٍ

الْأَعْدَادُ الْأَصْلِيَّةُ (وَاحِدٌ إِلَى عِشْرِينَ)	الْأَعْدَادُ التَّرْتِيبِيَّةُ (الْأَوَّلُ إِلَى الْعِشْرِينَ)	الْعُقُودُ
وَاحِدٍ ۱	أَحَدَ عَشَرَ ۱۱	الْأَوَّلُ ۱م
إِثْنَانِ ۲	إِثْنَاءَ عَشَرَ ۱۲	الثَّانِي ۲م
ثَلَاثَةٌ ۳	ثَلَاثَةَ عَشَرَ ۱۳	الثَّالِثُ ۳م
أَرْبَعَةٌ ۴	أَرْبَعَةَ عَشَرَ ۱۴	الرَّابِعُ ۴م
خَمْسَةٌ ۵	خَمْسَةَ عَشَرَ ۱۵	الْخَامِسُ ۵م
سِتَّةٌ ۶	سِتَّةَ عَشَرَ ۱۶	الْسادِسُ ۶م
سَبْعَةٌ ۷	سَبْعَةَ عَشَرَ ۱۷	السَّابِعُ ۷م
ثَمَانِيَةٌ ۸	ثَمَانِيَةَ عَشَرَ ۱۸	الثَّامِنُ ۸م
تِسْعَةٌ ۹	تِسْعَةَ عَشَرَ ۱۹	التَّاسِعُ ۹م
عَشْرَةٌ ۱۰	عِشْرُونَ ۲۰	الْعِشْرُونَ ۲۰م

- ۱- به کلمات «رجال» و «گوگباً» در «خَمْسَةُ رِجَالٍ» و «أَحَدَ عَشَرَ كُوكِباً» محدود گفته می شود.
- ۲- گاهی عددهای ثَلَاثَةٌ تا عَشْرَةٌ بدون «ة» می آیند؛ مثال: ثَلَاثٌ و ثَلَاثَةٌ؛ أَرْبَعٌ و أَرْبَعَةٌ.
- ۳- «مِئَةٌ» به معنای «صد» به صورت «مِائَةٌ» نیز نوشته می شود.
- ۴- عددهای «عِشْرُونَ، ثَلَاثُونَ، أَرْبَعُونَ، خَمْسُونَ، سِتُّونَ، سَبْعُونَ، ثَمَانُونَ، تِسْعُونَ» عقود نام دارند.
- ۵- عقود با «وَنَ» و «يَنَ» می آید؛ مثال: أَرْبَعُونَ و أَرْبَعَيْنَ. (فرق این دو را در درس های آینده خواهید خواند).



۶- «وَاحِدٌ، وَاحِدَةٌ» و «إِثْنَانٍ، إِثْنَتَيْنِ» بعد از معدود می آیند؛ مثال:

سَائِحٌ وَاحِدٌ، غُصْنَانِ اثْنَانِ، إِمْرَأَتَيْنِ اثْنَتَيْنِ.

۷- معدود سه تا ده مضافٌ الیه و به صورت جمع است. مثال: ثَلَاثَةٌ كُتُبٌ، خَمْسَةٌ مُوَاطِنِينَ

۸- به عدددهایی مانند وَاحِدٌ وَ عَشْرُونَ، إِثْنَانِ وَ عَشْرُونَ معطوف گفته می شود؛ در زبان عربی یکان

پیش از دهگان می آید؛ مثال: أَرْبَعَةٌ وَ خَمْسُونَ (۵۴)، تِسْعَةٌ وَ سَبْعُونَ (۷۹)

۹- معدود عدددهای «یازده» تا «نود و نه» مفرد هستند؛ مثال: أَحَدَ عَشَرَ كُوكَبًا، تِسْعَةٌ وَ تِسْعُونَ يَوْمًا.<sup>۱</sup>

### إِخْتَبَرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ.

.....	۱- ﴿ثَلَاثِينَ لَيْلَةً﴾ الأعراف: ۱۴۲
.....	۲- ﴿سَبْعِينَ رَجُلًا﴾ الأعراف: ۱۵۵
.....	۳- ﴿عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ﴾ المذثر: ۳۰
.....	۴- خَمْسَةَ عَشَرَ تِمثَالًا
.....	۵- وَاحِدَةٌ وَ عَشْرُونَ جَامِعَةً
.....	۶- سِتُّ عَشْرَةَ مَدِينَةً
.....	۷- تِسْعٌ وَ تِسْعُونَ بَقَرَةً
.....	۸- سَبْعٌ وَ ثَلَاثُونَ حَدِيقَةً
.....	۹- ثَلَاثَةٌ وَ سِتُّونَ طَائِرًا
.....	۱۰- وَاحِدَةٌ وَ سَبْعُونَ قَرْيَةً
.....	۱۱- إِثْنَانِ وَ ثَمَانُونَ عَامًا
.....	۱۲- تِسْعَةٌ وَ عَشْرُونَ كُرْسِيًا

۱- طرح سؤال از مبحث عدد، خارج از نه نکته فوق در هر آزمونی به ویژه در کنکور خلاف اهداف آموزشی است.

## فَنُ التَّرْجَمَةِ

گاهی حرف اضافه معنای فعل را تغییر می دهد؛ مثال:

«قام: ایستاد» و «قَامَ بِ: اقدام کرد، عمل کرد، پرداخت»

«جاءَ، أَتَى: آمد» و «جاءَ بِ، أَتَى بِ: آورد»

يَدْخُلُ الْأُسْتَاذُ فِي الصَّفِّ فَيَقُومُ الطُّلَابُ احْتِرَامًا لَهُ.

استاد وارد کلاس می شود و دانشجویان به احترامش بر می خیزند.

قَامَ جَدِّي بِتَوْزِيعِ الْهَدَايَا عَلَى الْبَنَاتِ وَ الْبَنِينَ فِي الْحَفْلَةِ.

پدربزرگم در جشن، به پخش هدیه ها میان دختران و پسران پرداخت.

جاءَ أَخِي الْمِضْيَافُ بِالطَّعَامِ لِضُيُوفِنَا الْأَعْرَاءِ.

برادر میهمان نوازم برای میهمانان گرامیمان خوراک آورد.

اخْتَبَرِ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ. ۞ نُورُ السَّمَاءِ ۞

۱- ﴿فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ﴾ غافر: ۲۵

۲- ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ﴾ آلرّوم: ۴۷

۳- ﴿مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِضِيَاءٍ أَمْ فَلَا تَعْقِلُونَ﴾

الأنعام: ۷۱

۴- ﴿وَجَاءَ إِخْوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ﴾

يوسف: ۵۸

۵- ﴿قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى﴾

الأنعام: ۹۱

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

### جوارات (في مطار النجف الأشرف)

سائِح مِنْ إِيْرَان	سائِح مِنْ الْكُوَيْتِ
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ.	وَعَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.
مَسَاءً الْخَيْرِ يَا حَبِيبِي.	مَسَاءً النَّوْرِ يَا عَزِيزِي.
هَلْ حَضَرْتُكَ مِنَ الْعِرَاقِ؟	لَا؛ أَنَا مِنَ الْكُوَيْتِ. أَأَنْتَ مِنَ بَاكِسْتَانِ؟
لَا؛ أَنَا إِيرَانِيٌّ. كَمْ مَرَّةً جِئْتَ لِلزِّيَارَةِ؟	جِئْتُ لِلْمَرَّةِ الْأُولَى؛ وَكَمْ مَرَّةً جِئْتَ أَنْتَ؟
أَنَا جِئْتُ لِلْمَرَّةِ الثَّانِيَةِ.	كَمْ عُمْرُكَ؟
عُمْرِي سِتَّةَ عَشَرَ عَامًا.	مِنْ أَيِّ مَدِينَةٍ أَنْتَ؟
أَنَا مِنْ مَدِينَةِ جَوِيْبَارِ فِي مُحَافَظَةِ مازَنْدَرَانِ.	مَا أَجْمَلَ غَابَاتِ مازَنْدَرَانِ وَطَبِيعَتِهَا!
هَلْ ذَهَبْتَ إِلَى إِيْرَانٍ مِنْ قَبْلُ؟!	نَعَمْ؛ ذَهَبْتُ لِزِيَارَةِ الْإِمَامِ الرُّضَا، ثَامِنِ أَنْيَمْتِنَا عَلَيْهِ السَّلَامُ.
كَيْفَ وَجَدْتَ إِيْرَانَ؟	إِنَّ إِيْرَانَ بِلَادٌ جَمِيلَةٌ جِدًّا، وَالشَّعْبُ الْإِيْرَانِيَّ شَعْبٌ مُضِيْفٌ.



## التَّمارین

التَّمْرينُ الْأَوَّلُ: اقْرَأِ الْآيَاتِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ تَرَجِّمْهَا.

۱- ﴿... سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةً رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةً سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ ... وَيَقُولُونَ سَبْعَةً وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ بِعَدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ ...﴾ الْكَهْفُ: ٢٢

۲- ﴿إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ ...﴾ يُونُسُ: ٤

۳- ﴿إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعَجَةً وَلِي نَعَجَةٌ وَاحِدَةً ...﴾ ص: ٢٣

۴- ﴿قَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا إِلَهِينَ اثْنَيْنِ إِنَّما هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ﴾ النَّحْلُ: ٥١

۵- ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا ...﴾ الْأَنْعَامُ: ١٦٠

التَّمْرينُ الثَّانِي: أَجِبْ عَنِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةِ التَّالِيَةِ كَالْمِثَالِ.

(+ زائد) (- ناقص) (: تقسيمٌ عَلَى) (× ضربٌ فِي)

۱- عَشْرَةٌ فِي ثَلَاثَةٍ يُساوي ثَلَاثِينَ!  $10 \times 3 = 30$

۲- تِسْعُونَ ناقصٌ عَشْرَةٍ يُساوي ثَمَانِينَ.

۳- مِئَةٌ تقسيمٌ عَلَى خَمْسَةٍ يُساوي عَشْرِينَ.

۴- سِتَّةٌ فِي أَحَدٍ عَشَرَ يُساوي سِتَّةً وَ سِتِّينَ.

۵- خَمْسَةٌ وَ سَبْعُونَ زائدٌ خَمْسَةٍ وَ عَشْرِينَ يُساوي مِئَةً.

۶- اِثْنَانِ وَ ثَمَانُونَ تقسيمٌ عَلَى اِثْنَيْنِ يُساوي وَاحِدًا وَ أَرْبَعِينَ.

### التمرين الثالث: اكتب في الفراغ عدداً ترتيبياً مناسباً.

- ١- اليوم ال ..... من أيام الأسبوع يوم الأحد.
- ٢- اليوم ال ..... من أيام الأسبوع يوم الخميس.
- ٣- الفصل الرابع في السنة الإيرانية فصل ال .....
- ٤- الفصل ال ..... في السنة الإيرانية فصل الخريف.
- ٥- يأخذ الفائز الأول جائزة ذهبية و الفائز ال ..... جائزة فضية.

### التمرين الرابع: ضع في الدائرة العدد المناسب. «كلمة واحدة زائدة».

- ١- النشاط ☐ إعطاء حلّ و بيان طريقة لقيام بعمل.
- ٢- الدوام ☐ آلة لنقل الأصوات من مكان إلى آخر.
- ٣- الحصّة ☐ ساعات العمل للموظفين و العمال.
- ٤- الهاتف ☐ أنبوب لفتح تيار الماء و إغلاقه.
- ٥- الإفتراح ☐ القيام بعمل بتحريك و سرعة.
- ٦- الحنفية ☐

### التمرين الخامس: ضع في الفراغ كلمة مناسبة من الكلمات التالية. «كلمتان زائدتان».

رصيف / الهدوء / خمسين / أعمدّة / أخبرونا / مضياف / حجرة / يمتلئ / فرغت

- ١- ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا ..... عاماً﴾  
العنكبوت : ١٤
- ٢- عَلَيْنَا بِالْعُبُورِ مِنْ ..... إِلَى رَصِيفٍ آخَرَ مِنْ مَمَرٍ الْمَشَاةِ.
- ٣- سَافَرْنَا إِلَى قَرْيَةٍ، لَإِنَّا بِحَاجَةٍ إِلَى..... .
- ٤- الْجِيرَانُ ..... بِمَا حَدَثَ فِي الشَّارِعِ.
- ٥- أُنْزِلَ الْعَامِلُ الْبُضَائِعَ فَ ..... السَّيَّارَةُ.
- ٦- هَلْ ..... أَبُوكَ أَرْضاً فِي الْقَرْيَةِ؟
- ٧- لَيْسَتْ فِي الْفُنْدُقِ ..... فَارَعَةً.

## الْتَمْرِينُ السَّادِسُ: صَعِّ فِي الْفَرَاغِ الصَّمِيرِ الْمُنَاسِبِ، ثُمَّ تَرْجِمِ الْجُمْلَ.

أَنَا / أَنْتَ، أَنْتِ / هُوَ، هِيَ      نَحْنُ / أَنْتُمْ، أَنْتُنَّ، أَنْتُمْ / هُمْ، هُنَّ، هُمَا

.....	سَيَمِضِي .....	.....	لا أَنْسَى .....	.....	ما وَضَعُوا .....
.....	سَوْفَ يَقُومُ .....	.....	سَتَنْزِلُونَ .....	.....	لا يَصْرُخُونَ .....
.....	ما وَقَعَتْ .....	.....	وَصَلْتُنَّ .....	.....	كَانَتَا تَتَصَحَّانِ .....
.....	كَانُوا يَقْذِفُونَ .....	.....	لا تَكْتُمُ .....	.....	اِكْشِفُوا .....
.....	طَلَبْتُ .....	.....	عَطَّرَتْ .....	.....	ما عَلِمْنَا .....
.....	لا تَطْرُدُوا .....	.....	لا تَنْدَمَنَّ .....	.....	تَطْبَعِينَ .....

## الْتَمْرِينُ السَّابِعُ: تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ. هَلْ تَعْلَمُ أَنْ ...

- ١- ... أَكْبَرَ عَنُكَبُوتٍ، تَعِيشُ فِي الْبَرَاذِيلِ وَ وَزْنُهَا مِئَةٌ وَ سَبْعُونَ غِرَامًا؟ (غرام: گرم)
- ٢- ... الْكَلْبَ يَقْدِرُ عَلَى سَمَاعِ صَوْتِ السَّاعَةِ عَلَى بُعْدِ أَرْبَعِينَ قَدَمًا؟
- ٣- ... النَّمْلَةُ تَقْدِرُ عَلَى حَمْلِ شَيْءٍ يَفُوقُ وَزْنَهَا خَمْسِينَ مَرَّةً؟
- ٤- ... الْغُرَابُ يَعِيشُ عِشْرِينَ سَنَةً إِلَى ثَلَاثِينَ أَوْ أَكْثَرَ؟
- ٥- ... ثَمَانِينَ فِي الْمِئَةِ مِنْ مَوْجُودَاتِ الْعَالَمِ حَشَرَاتٌ؟
- ٦- ... طُولَ قَامَةِ الزَّرَافَةِ سِتُّ أَمْتَارٍ؟ (أمتار: جمع متر)



### التمرين الثامن: أَيْ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الْمُعْجَمِ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

- ١- مِنَ الْمَرَافِقِ الْعَامَّةِ فِي الْحَدَائِقِ لِحَسْلِ الأيدي.
- ٢- نَقُولُهُ عِنْدَ تَشْجِيعِ الَّذِي أَحْسَنَ عَمَلًا.
- ٣- الْقِيَامُ فِي صُفُوفِ الْمَدْرَسَةِ فِي الصَّبَاحِ.
- ٤- صَارَ الشَّيْءُ مِلْكَهُ يَفْعَلُ بِهِ مَا يَشَاءُ.
- ٥- الَّذِي يَعِيشُ مَعَنَا فِي وَطَنٍ وَاحِدٍ.
- ٦- الْقِيَامُ بِالتَّمْرِينِ وَ النَّشَاطِ.

### التمرين التاسع: عَيِّنِ الْعَدَدَ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاغِ.

- ١- لِلْفَائِزِ ..... جَائِزَةٌ ذَهَبِيَّةٌ وَ لِلْفَائِزِ الثَّانِي جَائِزَةٌ فَضِيَّةٌ. ☐ الْأَوَّلِ ☐ وَاحِدَةً
- ٢- فِي الْإِصْطِفَافِ الصَّبَاحِيِّ وَقَفْنَا فِي ..... صُفُوفٍ. ☐ الْعَاشِرِ ☐ عَشْرَةَ
- ٣- النَّافِذَةُ ..... مِنْ نَوَافِذِ الْمَدْرَسَةِ مَفْتُوحَةٌ. ☐ الْأَوَّلَى ☐ وَاحِدًا
- ٤- تَيَّارُ الْكَهْرَبَاءِ فِي ..... حُجْرَاتٍ مَقْطُوعٌ. ☐ الرَّابِعِ ☐ أَرْبَعَ
- ٥- لِي أَخَوَانِ اثْنَانِ وَ أَخْتَانِ ..... . ☐ اثْنَتَانِ ☐ وَاحِدٍ

### التمرين العاشر: عَيِّنِ الْمَعْدُودَ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاغِ.

- ١- يَلْعَبُ أَحَدَعَشَرَ ..... فِي فَرِيقِ كُرَةِ الْقَدَمِ. ☐ لَاعِبِينَ ☐ لَاعِبًا
- ٢- أَرْبَعَةُ ..... وَاقِفُونَ أَمَامَ بَابِ الْمُنْظَمَةِ. ☐ جُنُودٍ ☐ جُنْدِيٍّ
- ٣- ..... اثْنَانِ حَوْلَ كَوْكَبِ الْمَرِيخِ. ☐ أَقْمَارٍ ☐ قَمَرَانِ
- ٤- ..... وَاحِدَةً فِي الْحَدِيقَةِ مُغْلَقَةً. ☐ أَنْبُوبَةً ☐ أَنْبُوبٍ
- ٥- فِي مَدْرَسَتِنَا عَشْرَةُ ..... . ☐ مُكَيِّفَاتٍ ☐ مُكَيِّفًا

## ﴿ اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ ﴾

اُكْتُبْ آيَةً أَوْ حَدِيثًا أَوْ نَصًّا بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ مَسْئَلَةٍ جَمِيعِ الْمَوَاطِنِ  
بِالنِّسْبَةِ لِثَرَوَاتِ الْوَطَنِ وَ الْمَرَافِقِ الْعَامَّةِ وَ الْأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ وَ اُكْتُبْ تَرْجَمَتَهَا الْفَارِسِيَّةَ وَ  
الْإِنْجِلِيزِيَّةَ مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ.



الْجَانِبِ الشَّرْقِيِّ مِنْ بُسْتَانِ إِثْلِغُولِي فِي مَدِينَةِ تَبْرِيزِ.

تَحَفَّظُوا مِنَ الْأَرْضِ فَإِنَّهَا أُمُّكُمْ.

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

Safeguard the earth, for it is your mother.

مراقب زمین باشید؛ زیرا مادرتان است.



## الدَّرْسُ الثَّالِثُ



﴿وَيُنَزِّلُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقًا﴾

## الدَّرْسُ الثَّالِثُ

به کتاب گویا گوش کنید؛ سپس در یک کار گروهی متن زیر را ترجمه کنید. در پایان اشکالات ترجمه را از دبیرتان بپرسید. می‌توانید نمانگ باران ماهی را تهیه کنید و در کلاس نمایش دهید.

### مَطَرُ السَّمَكِ

﴿اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَاباً فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ...﴾ الأنعام : ٩٩

هَلْ تُصَدِّقُ أَنْ تَرَى فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ أَسْمَاً تَتَسَاقَطُ مِنَ السَّمَاءِ؟! إِنَّ نَزُولَ الْمَطَرِ وَ النَّلْجِ مِنَ السَّمَاءِ شَيْءٌ طَبِيعِيٌّ؛ وَلَكِنْ أَيْمُنُ أَنْ نَرَى مَطَرَ السَّمَكِ؟! هَلْ تَظُنُّ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ الْمَطَرُ حَقِيقَةً وَ لَيْسَ فِلْمًا خَيَالِيًّا؟! حَسَنًا؛ فَانْظُرْ إِلَى هَذِهِ الصُّورِ حَتَّى تُصَدِّقَ.



انْظُرْ بِدِقَّةٍ؛ أَنْتَ تُشَاهِدُ سُقُوطَ الْأَسْمَاكِ مِنَ السَّمَاءِ؛ كَأَنَّ السَّمَاءَ تُمَطِرُ أَسْمَاً. يُسَمِّي النَّاسُ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ الطَّبِيعِيَّةَ «مَطَرَ السَّمَكِ». حَيَّرَتْ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ النَّاسَ سَنَوَاتٍ طَوِيلَةً فَمَا وَجَدُوا لَهَا جَوَاباً. يَحْدُثُ «مَطَرُ السَّمَكِ» سَنَوِيًّا فِي جُمْهُورِيَّةِ الْهِنْدُورَاسِ فِي أَمْرِيكََا الْوُسْطَى.



تَحَدَّثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ أحيانًا. فَيُلاحِظُ النَّاسُ غَيْمَةً سَوْدَاءَ عَظِيمَةً  
وَرَعْدًا وَبَرْقًا وَرِيحًا قَوِيَّةً وَمَطَرًا شَدِيدًا لِمُدَّةٍ سَاعَتَيْنِ أَوْ أَكْثَرَ ثُمَّ تُصْبِحُ الْأَرْضُ  
مَفْرُوشَةً بِالْأَسْمَاكِ، فَيَأْخُذُهَا النَّاسُ لِطَبْخِهَا وَتَنَاوُلِهَا.



حَاوَلَ الْعُلَمَاءُ مَعْرِفَةَ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ؛ فَأَرْسَلُوا فَرِيقًا لِمَازَاةِ الْمَكَانِ وَ  
التَّعَرَّفِي عَلَى الْأَسْمَاكِ الَّتِي تَتَسَاقَطُ عَلَى الْأَرْضِ بَعْدَ هَذِهِ الْأَمْطَارِ الشَّدِيدَةِ، فَوَجَدُوا أَنَّ  
جَمِيعَ الْأَسْمَاكِ الْمُنْتَشِرَةِ عَلَى الْأَرْضِ بِحَجْمٍ وَاحِدٍ وَنَوْعٍ وَاحِدٍ، وَلَكِنَّ الْغَرِيبَ فِي الْأَمْرِ أَنَّ  
الْأَسْمَاكِ لَيْسَتْ مُتَعَلِّقَةً بِالْمِيَاهِ الْمُجَاوِرَةِ بَلْ بِمِيَاهِ الْمُحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ الَّذِي يَبْعُدُ مَسَافَةً  
مِائَتِي كِيلُومِترٍ عَنْ مَحَلِّ سُقُوطِ الْأَسْمَاكِ. مَا هُوَ سَبَبُ تَشْكِيلِ هَذِهِ الظَّاهِرَةِ؟!  
يَحْدُثُ إِعْصَارٌ شَدِيدٌ فَيَسْحَبُ الْأَسْمَاكِ إِلَى السَّمَاءِ بِقُوَّةٍ وَيَأْخُذُهَا إِلَى مَكَانٍ  
بَعِيدٍ وَعِنْدَمَا يَفْقِدُ سُرْعَتَهُ تَتَسَاقَطُ عَلَى الْأَرْضِ.  
يَحْتَفِلُ النَّاسُ فِي الْهِنْدُورَاسِ بِهَذَا الْيَوْمِ سَنَوِيًّا وَيُسَمُّونَهُ «مِهْرَجَانِ مَطَرِ السَّمَكِ».

■ به کتاب گویا گوش کنید و کلمات جدید متن را در کلاس با هم تکرار کنید.

حَتَّى تُصَدِّقَ: تا باور کنی	تَرَى: می بینی «أَنْ تَرَى: که ببینی»	أَثَارَ: برانگیخت
ظَاهِرَةٌ: پدیده «جمع: ظواهر»	تَسَاقَطَ: افتاد	إِحْتَفَلَ: جشن گرفت
عَبَّرَ: از راه	التَّعَرَّفُ عَلَى: شناختن	أَرْسَلَ: فرستاد
فِلْمٌ: فیلم «جمع: أفلام»	تَفْتِيشٌ: بازرسی، جست و جو	أَصْبَحَ: شد
مَرْحَبًا بِكُمْ: خوش آمدید، درود بر شما	ثَلْجٌ: برف، یخ «جمع: ثُلُوج»	إِعْصَارٌ: گردباد «جمع: أعاصير»
لَاخِظٌ: ملاحظه کرد	حَسَنًا: بسیار خوب	أَمْرِيكَا الْوُسْطَى: آمریکای مرکزی
الْمُحِيطُ الْأَطْلَسِيّ: اقیانوس اطلس	حَيَّرَ: حیران کرد	أَمَطَرٌ: باران بارید
مُرَافِقٌ: همراه	سَحَبٌ: کشید	إِنْتَبَهَ: بیدار شد، متوجه شد
مَفْرُوشٌ: پوشیده	سَمَى: نامید	بَسَطَ: گستراند
مِهْرَجَانٌ: جشنواره، فستیوال	سَوْدَاءٌ: سیاه (مؤنثِ أَسْوَد)	بِطَاقَةٍ: کارت
نُزُولٌ: پایین آمدن	سَنَوِيًّا: سالانه	بَعْدَ: دور شد
نِیَامٌ: خفتگان «مفرد: نائم»	صَدَّقَ: باور کرد	بُنِيَ: پسرکم

x

✓

### عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- يَحْتَفِلُ أَهَالِي الْهُندُوراس بِهَذَا الْيَوْمِ شَهْرِيًّا وَ يُسَمُّوْنَهُ «مِهْرَجَانُ الْبَحْرِ».
- ۲- عِنْدَمَا يَفْقِدُ الْإِعْصَارُ سُرْعَتَهُ، تَتَسَاقَطُ الْأَسْمَاكُ عَلَى الْأَرْضِ.
- ۳- يَتَسَّ الْعُلَمَاءُ مِنْ مَعْرِفَةِ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ.
- ۴- إِنَّ نُزُولَ الْمَطَرِ وَ الثَّلْجِ مِنَ السَّمَاءِ أَمْرٌ طَبِيعِيٌّ.
- ۵- تَحَدَّثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ عَشْرَ مَرَّاتٍ فِي السَّنَةِ.

## إِعْلَمُوا

### الْفِعْلُ الثَّلَاثِيُّ الْمَجْرَدُ وَالْمَزِيدُ (۱)

در زبان فارسی به فعل‌هایی مانند «رفت» و «برگشت»، سوم شخص مفرد می‌گوییم. فعل‌ها در زبان عربی براساس شکل «سوم شخص مفرد در فارسی» (مفرد مذکر غایب) به دو گروه تقسیم می‌شوند.

**گروه اول:** ثلاثی مجزء؛ یعنی فعل‌هایی که «ماضی مفرد مذکر غایب» آنها فقط از سه حرف اصلی تشکیل می‌شود. بیشتر فعل‌های عربی متوسطه اول این گونه بودند؛ مانند: حَرَجَ، عَرَفَ، نَظَرَ و شَكَرَ.

**گروه دوم:** ثلاثی مزید؛ فعل‌هایی که «ماضی مفرد مذکر غایب» آنها علاوه بر سه حرف اصلی، حروف زائد دارد؛ مانند: اسْتَحْرَجَ، اعْتَرَفَ، انْفَجَرَ و تَشَكَّرَ؛ این فعل‌ها علاوه بر اینکه تعداد حروفشان بیشتر است، معنایشان نیز فرق دارد. این فعل‌ها هشت دسته‌اند که به هر دسته «باب» گفته می‌شود.

در جدول زیر به ترتیب چهار باب ثلاثی مزید «اسْتِفْعَال، اِفْتِعَال، اِنْفِعَال و تَفْعُل» آمده است.

أَبَاب	الْمَاضِي	الْمُضَارِع	الْأَمْر	الْمَصْدَر
اِسْتِفْعَال	اِسْتَرْجَعَ: پس گرفت	يَسْتَرْجِعُ: پس می‌گیرد	اِسْتَرْجِعْ: پس بگیر	اِسْتِرْجَاع: پس گرفتن
اِفْتِعَال	اِسْتَعَلَ: کار کرد	يَسْتَعِلُ: کار می‌کند	اِسْتَعِلْ: کار کن	اِسْتِعَال: کار کردن
اِنْفِعَال	اِنْفَتَحَ: باز شد	يَنْفَتِحُ: باز می‌شود	اِنْفَتَحْ: باز شو	اِنْفِتَاح: باز شدن
تَفْعُل	تَخَرَّجَ: دانش‌آموخته شد	يَتَخَرَّجُ: دانش‌آموخته می‌شود	تَخَرَّجْ: دانش‌آموخته شو	تَخَرُّج: دانش‌آموخته شدن

## اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الثَّلَاثِيَّةَ الْمَزِيدَةَ، ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَ الْبَابِ.

باب	مصدر	امر	مضارع	ماضى
	إِسْتِغْفَار: آمرزش خواستن	إِسْتَغْفِرْ:	يَسْتَغْفِرُ:	إِسْتَفْعَرَ:
	إِعْتِذَار: عذر خواستن	اعْتَذِرْ:	يَعْتَذِرُ:	اعْتَذَرَ:
	إِنْقِطَاع: قطع شدن	انْقِطِعْ:	يَنْقِطِعُ:	انْقَطَعَ:
	تَكَلُّم: صحبت کردن	تَكَلَّمْ:	يَتَكَلَّمُ:	تَكَلَّمَ:

## تَرْجِمِ جُمَلَ هَذِهِ الْجَدَاوِلِ.

الْجَدْوَلُ الْأَوَّلُ: (باب افتعال) اِمْتَنَعَ، يَمْتَنِعُ «امتناع: خودداری کردن»

هؤلاءِ اِمْتَنَعُوا.	أنا اِمْتَنِعُ.	يا زميلاتي، هلِ اِمْتَنَعْنَ؟	يا حبيبي، اِمْتَنِعْ.	إخوتي لا يَمْتَنِعُونَ.

الْجَدْوَلُ الثَّانِي: (باب استفعال) اِسْتَغْفَرَ، يَسْتَغْفِرُ «اِسْتِغْفَار: آمرزش خواستن»

هلِ اسْتَغْفَرْتَ؟	الْمُؤْمِنُ يَسْتَغْفِرُ.	نَحْنُ اسْتَغْفَرْنَا.	اسْتَغْفِرْ رَبَّكَ.	أَ لَا تَسْتَغْفِرُ أَنْتَ؟

الْجَدْوَلُ الثَّالِثُ: (باب انفعال) اِنْقَطَعَ، يَنْقُطِعُ «انْقِطَاع: قطع شدن»

انْقَطَعَتِ الْكُهْرَبَاءُ.	انْقُطِعْ يَا مَطَرُ.	لَا تَنْقُطِعْ يَا مَطَرُ.	لَا يَنْقُطِعُ رَجَائِي.	الشَّجَرَتَانِ مَا انْقَطَعَتَا.

الْجَدْوَلُ الرَّابِعُ: (باب تفعُّل) تَعَلَّمَ، يَتَعَلَّمُ «تَعَلُّم: یاد گرفتن»

زُمَلَائِي تَعَلَّمُوا.	نَحْنُ تَعَلَّمْنَا.	تَعَلَّمْ يَا صَدِيقِي.	أَ أَنْتُمْ تَتَعَلَّمُونَ؟	تَعَلَّمُوا أَنْتُمْ.

معنای فعل ثلاثی مجرد با ثلاثی مزید فرق دارد.

یکی از معانی مشهور باب استفعال «درخواست» است؛ مثال:

عَفَرَ: آمرزید اِسْتَغْفَرَ: آمرزش خواست رَحِمَ: رحم کرد اِسْتَرْحَمَ: رحمت خواست

### اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ

خَدَمَ: ..... اِسْتَخْدَمَ: ..... شَهِدَ: شاهد بود اِسْتَشْهَدَ: .....

معنای مشهور باب‌های «افتعال»، «انفعال» و «تفعّل»، مُطَاوَعَه (پذیرش اثر فعل) است؛ مثال:

مَنَعَ الطَّبِيبُ الْمَرِيضَ عَنِ الْعَمَلِ، فَاُمْتَنَعَ.

پزشک بیمار را از کار بازداشت، و او پذیرفت و خودداری کرد.

أَدَّبَ الْوَالِدُ الطُّفْلَ، فَتَأَدَّبَ. پدر کودک را ادب کرد و او با ادب شد.

كَسَرَ الطُّفْلُ الزُّجَاجَ. کودک شیشه را شکست. اِنْكَسَرَ الزُّجَاجُ: شیشه شکسته شد.

مفعول

مفعول

### اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ

قَطَعَ: ..... اِنْقَطَعَ: .....

بَعَثَ: فرستاد اِنْبَعَثَ: .....

نَشَرَ: منتشر کرد اِنْتَشَرَ: .....

عَلَّمَ اللَّهُ الْإِنْسَانَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا فَتَعَلَّمَ.

جَمَعْتُ زُمَلَانِي لِلاَصْطِفَافِ الصَّبَاحِيِّ، فَاجْتَمَعُوا.

مَلَأَ: ..... اِمْتَلَأَ: .....

فَتَحَ: ..... تَفَتَّحَ: .....

## الْفِعْلُ اللَّازِمُ وَ الْفِعْلُ الْمُتَعَدِّي

فعلى که معنای آن با فاعل کامل می شود و به مفعول نیاز ندارد، فعل لازم (ناگذر) نام دارد؛ مثال:

رَجَعَ جَوَادٌ: جواد برگشت. تَجَلَّسَ سَاجِدَةٌ: ساجده می نشیند.

به فعلی که معنای آن با فاعل کامل نمی شود و به مفعول نیاز دارد، فعل متعدی (گذرا) گفته می شود؛ مثال:

أَرْسَلَ جَوَادٌ رِسَالَةً: جواد نامه ای را فرستاد.

يَقْطَعُ النَّجَّارُ الْخَشَبَ: نجار چوب را می بُرد.

غالباً برای تشخیص فعل لازم از متعدی می توانیم بپرسیم: «چه کسی را؟» یا «چه چیزی را؟» اگر پرسش معنا داشت، آن فعل متعدی است و اگر معنا نداشت لازم است.

## اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ هَذِهِ الْجُمْلَ وَ عَيِّنِ الْفِعْلَ اللَّازِمَ وَالْفِعْلَ الْمُتَعَدِّي.

۱- قَامَتْ رُقِيَّةٌ فِي حِصَّةِ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ.

۲- ذَهَبَتْ زَمِيلَتِي لِإِطْفَاءِ الْمَكِيفَاتِ.

۳- زَانَ اللَّهُ السَّمَاءَ بِأَنْجُمٍ كَالدُّرَرِ.

۴- تَنْمُو الشَّجَرَةُ مِنْ حَبَّةٍ صَغِيرَةٍ.

۵- ذَكَرْتُ أَمَثَلَةً لِلْمَرِافِقِ الْعَامَّةِ.

۶- اشْتَرَى وَالِدٌ حَامِدٍ حَاسِبًا لَهُ.



در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

### حوارات (في قسم الجَوَازَاتِ في المَطَارِ)

شُرطِي إدارة الجَوَازَاتِ	المُسافر الإيراني
أهلاً وَ سهلاً بِكُمْ. مِنْ أَيِّ بَلَدٍ أَنْتُمْ؟	نَحْنُ مِنْ إِيْرَانِ وَ مِنْ مَدِينَةِ زَابُل.
مَرْحَباً بِكُمْ. شَرَفْتُمُونَا.	أَشْكُرُكَ يَا سَيِّدِي.
ماشاءَ اللهُ! تَتَكَلَّمُ بِالْعَرَبِيَّةِ جَيِّداً!	أَحِبُّ هَذِهِ اللُّغَةَ. الْعَرَبِيَّةُ جَمِيلَةٌ.
كَمْ عَدَدُ الْمُرافِقِينَ؟	سِتَّةٌ: وَالِدَايَ وَ أُخْتَايَ وَ أَخَوَايَ!
أَهلاً بِالضُّيُوفِ. هَلْ عِنْدَكُمْ بِطَاقَاتُ الدُّخُولِ؟	نَعَمْ؛ كُلُّ وَاحِدٍ مِنَّا بِطَاقَتُهُ بِيَدِهِ.
الرِّجَالُ عَلَى الْيَمِينِ وَ النِّسَاءُ عَلَى الْيَسَارِ لِلتَّفْتِيْشِ.	عَلَى عَيْنِي.
رَجَاءً؛ اجْعَلُوا جَوَازَاتِكُمْ فِي أَيْدِيكُمْ.	نَحْنُ جَاهِزُونَ.



۱- وَالِدَايَ وَ أُخْتَايَ وَ أَخَوَايَ: پدر و مادرم، دو خواهرم و دو برادرم

## الْتَمَارِین

الْتَمْرِینُ الْأَوَّلُ: عَیِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِیْحَةَ وَغَیْرِ الصَّحِیْحَةِ حَسَبَ الْحَقِیْقَةِ وَالْوَاقِعِ. ✓ ✕

- ۱- الْمَهْرَجَانُ اخْتِفَالٌ عَامٌّ بِمُنَاسَبَةٍ جَمِیلَةٍ، كَمَهْرَجَانِ الْأَزْهَارِ وَ مَهْرَجَانِ الْأَفْلامِ. ....
- ۲- الثَّلْجُ نَوْعٌ مِنْ أَنْوَاعِ نُزُولِ الْمَاءِ مِنَ السَّمَاءِ یَنْزِلُ عَلَى الْجِبَالِ فَقَط. ....
- ۳- تَعِیْشُ الْأَسْمَاكِ فِي النَّهْرِ وَ الْبَحْرِ وَ لَهَا أَنْوَاعٌ مُخْتَلِفَةٌ. ....
- ۴- یَحْتَفِلُ الْإِیرَانِیُّونَ أَوَّلَ یَوْمٍ مِنْ أَیَّامِ السَّنَةِ الشَّمْسِیَّةِ. ....
- ۵- الْأَعْصَارُ رِیْحٌ شَدِیدَةٌ، لَا تَنْتَقِلُ مِنْ مَكَانٍ إِلَى مَكَانٍ آخَرَ. ....

الْتَمْرِینُ الثَّانِی: ضَعْ فِي الْفَرَاغِ فِعْلًا مُنَاسِبًا.

- ۱- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا..... عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ﴾<sup>۱</sup> لا تَتَّخِذُوا ☐ لا تُخْبِرُوا ☐
- ۲- ﴿وَمَا..... مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ﴾<sup>۲</sup> نَتَّعَاوُنُ ☐ أَرْسَلْنَا ☐
- ۳- يَا أُخْتِي، أَنَا لَا أَكْذِبُ؛ لِمَاذَا لَا..... كَلَامِي؟ تُصَيِّرِينَ ☐ تُصَدِّقِينَ ☐
- ۴- يَا بُنَّتِي، مَاذَا تُرِيدُ مِنْ أُمِّكَ؟ لَقَدْ..... هَا. حَيَّرْتُ ☐ غَيَّرْتُ ☐
- ۵- يَا لَيْتَ السَّمَاءِ..... عَلَيْنَا كَثِيرًا هَذَا الْيَوْمَ! يُغْلِقُ ☐ تُمْطِرُ ☐

الْتَمْرِینُ الثَّالِثُ: عَیِّنِ صَمِیرًا مُنَاسِبًا لِلْفِعْلِ، ثُمَّ تَرَجِّمِ الْجُمْلَةَ.

أَنَا / أَنْتَ ، أَنْتِ / هُوَ ، هِیَ      نَحْنُ / أَنْتُمْ ، أَنْتُنَّ ، أَنْتُمْ / هُمْ ، هُنَّ ، هُمَا

.....	تَكَلَّمَ	.....	لَا یَقْرَأُ	.....	مَا اعْتَذَرَ
.....	مَا قَامُوا	.....	إِقْتَرَحِي	.....	یَنْتَفِعُونَ
.....	مَا وَقَعَتْ	.....	سَاءَ حَتِفُلٌ	.....	إِنْصَحُوا
.....	سَسْتَغِلُّ	.....	أَسْتَغْفِرُ	.....	إِسْتَغْفِرُ
.....	سَوْفَ تَنْتَظِرُونَ	.....	لَاخِظْتُ	.....	تُمارِسُونَ
.....	لَا تَنْتَبِهِي	.....	إِنْبَعَثَ	.....	تَنْخَرِجِينَ

۱- ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دشمن من و دشمن خود را دوست نگیرید. الْمُمْتَحَنَةُ : ۱

۲- و ما هیچ پیامبری را جز به زبان مردمش نفرستادیم. إِبْرَاهِيمَ: ۴

الْتَّمِرِينَ الرَّابِعُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَالْحَدِيثَ، وَعَيِّنِ الْفِعْلَ اللَّازِمَ وَالْمُتَعَدِّيَ فِي الْكَلِمَاتِ الْمُعَيَّنَةِ.

۱- ﴿فَاسْتَغْفِرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ﴾ آل عمران : ۱۳۵

۲- ﴿إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَبِهُوا إِنِّي مَعََكُمْ مِنَ الْمُنْتَضِرِينَ﴾ يونس : ۲۰

۳- ﴿وَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ﴾ الْمُرَّمَّل : ۱۰

۴- النَّاسُ نِيَامٌ؛ فَإِذَا مَاتُوا **انْتَبَهُوا**. أميرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ



سنگ قبر بانو دکتر آنه ماری شیمِل اسلام پڑوه، خاورشناس و مولوی شناس آلمانی

آراسته به حدیث حضرت علی علیه السلام

التمرين الخامس: ضع في الدائرة العدد المناسب. «كلمة واحدة زائدة».

- ١- مَكَيَّفُ الْهَوَاءِ ○ يَدْرُسُ فِيهِ الطُّلَابُ.
- ٢- الْمِشْمِشُ ○ مَا لَيْسَ مَفْتُوحًا؛ بَلْ مَسْدُودًا.
- ٣- الْمَوَاطِنُ ○ فَاكِهَةٌ يَأْكُلُهَا النَّاسُ مُجَفَّفَةً أَيْضًا.
- ٤- الْمُعْلَقُ ○ جِهَازٌ لِلْخَلَاصِ مِنْ حَرَارَةِ الصَّيْفِ.
- ٥- الْخَضِرَةُ ○ مَنْ يَعِيشُ مَعَكَ فِي وَطَنِكَ وَهُوَ مِنْ أَهَالِيهِ.
- ٦- الصَّفُّ ○

التمرين السادس: عَيِّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ وَالْمُتَضَادَّةَ. = ≠

أَنْزَلَ / أَصْبَحَ / حَفَلَتْ / رَفَعَ / صُعُودَ / صَارَ / حُجْرَةٌ / مِهْرَجَانُ / نُزُولُ / عُرْفَةٌ  
/ ..... / ..... / ..... / .....

التمرين السابع: تَرَجِّمِ هَذِهِ الْأَفْعَالَ وَالْمَصَادِرَ.

إِبْتَسَمَ	إِبْتَسَمُوا	يَبْتَسِمُونَ	تَبْتَسِمُونَ	إِبْتَسِمِي	نَبْتَسِمُ	إِبْتَسَامٌ
لبخند زد	.....	.....	.....	.....	.....	.....
إِحْتَرَقَ	إِحْتَرَقُوا	سَيَحْتَرِقَانِ	لَا تَحْتَرِقُونَ	تَحْتَرِقِينَ	كَانُوا يَحْتَرِقُونَ	إِحْتِرَاقٌ
آتش گرفت	.....	.....	.....	.....	.....	.....
إِنْفَتَحَ	إِنْفَتَحَتْ	سَيَنْفَتِحُ	إِنْفَتَحَتْ	إِنْفَتِحْ	لَا يَنْفَتِحُ	إِنْفِتَاحٌ
باز شد	.....	.....	.....	.....	.....	.....
تَعَرَّفَ	تَعَرَّفُوا	تَعَرَّفَ	تَتَعَرَّفُونَ	تَعَرَّفْنَا	نَتَعَرَّفُ	تَعَرُّفٌ
شناخت	.....	.....	.....	.....	.....	.....

## التَّامِرِينَ الثَّامِنُ: صَعُ فِي الْفَرَاغِ فِعْلاً مُنَاسِباً.

☐ اغْفِر ☐ اسْتَغْفِرْ

☐ نَخْرُجُ ☐ نَتَخَرَّجُ

☐ انْقَطَعَ ☐ قَطَعَ

☐ يَنْتَظِرُ ☐ يَنْتَظِرُ

☐ سَلِمْنَا ☐ اسْتَلَمْنَا

١- ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ ..... لِذَنْبِكَ﴾ غافر: ٥٥

٢- إن شاء الله سوف ..... كُلُّنَا مِنَ الْمَدْرَسَةِ بَعْدَ سَنَتَيْنِ.

٣- إلهي قَدْ ..... رَجَائِي عَنِ الْخَلْقِ وَأَنْتَ رَجَائِي.

٤- كَانَ صَدِيقِي ..... وَالِدَهُ لِلرُّجُوعِ إِلَى الْبَيْتِ.

٥- أَنَا وَ زَمِيلِي ..... رَسَائِلَ عَبْرِ الْإِنْتَرْنِتِ.

## التَّامِرِينَ التَّاسِعُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ التَّالِيَةَ.

﴿سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا﴾

﴿يَعْرِفُونَهُمْ﴾

﴿رَجَعُوا إِلَيْهِمْ﴾

﴿يَقُولُونَ سَمِعْنَا﴾

﴿وَلَا تَيَاسُوا﴾

﴿أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾

﴿ارْجِعِي إِلَى رَبِّكَ﴾

﴿اسْتَخْرَجَهَا﴾

﴿أَكْثَرُهُمْ لَا يَشْكُرُونَ﴾

﴿لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ﴾

﴿نَجْعَلُهُمْ أُتَمَّةً﴾

﴿ظَلَمْتُ نَفْسِي﴾

﴿اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا﴾

﴿اغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ﴾

﴿أَدْخُلُوا الْجَنَّةَ﴾

﴿يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ﴾

﴿وَأَتْرَكَ الْبَحَرَ﴾

﴿قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا﴾

## اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِبْحَثْ عَنْ قِصَّةٍ قَصِيرَةٍ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ فِي الْإِنْتَرِنْتِ أَوْ مَجَلَّةٍ أَوْ كِتَابٍ وَ تَرَجِّمْهَا إِلَى الْفَارْسِيَّةِ، مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ – فَارِسِيِّ.



## الدَّرْسُ الرَّابِعُ



﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾



به کتاب گویا گوش کنید؛ سپس در یک کار گروهی متن زیر را ترجمه کنید. در پایان اشکالات ترجمه خود را از دبیرتان بپرسید.

### التَّعَايُشُ السَّلْمِيُّ

لَقَدْ كَانَتْ رِسَالَةُ الْإِسْلَامِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ قَائِمَةً عَلَى أَسَاسِ الْمَنْطِقِ وَاجْتِنَابِ  
الْإِسَاءَةِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ:

﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ  
بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾ فَصَّلَتْ: ٣٤

إِنَّ الْقُرْآنَ يَأْمُرُ الْمُسْلِمِينَ أَلَّا يَسُبُّوا مَعْبُودَاتِ الْمُشْرِكِينَ وَ الْكُفَّارِ فَهُوَ يَقُولُ:

﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ...﴾ الْإِنْعَامُ: ١٠٨

الْإِسْلَامُ يَحْتَرِمُ الْأَدْيَانَ الْإِلَهِيَّةَ؛ ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ  
بَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً﴾ آلِ عِمْرَانَ: ٦٤

يُؤَكِّدُ الْقُرْآنُ عَلَى حُرِّيَةِ الْعَقِيدَةِ: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ...﴾ الْبَقَرَةُ: ٢٥٦

لَا يَجُوزُ الْإِصْرَارُ عَلَى نِقَاطِ الْخِلَافِ وَ عَلَى الْعُدْوَانِ، لِأَنَّهُ لَا يَنْتَفِعُ بِهِ أَحَدٌ؛ وَ عَلَى  
كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَاشِلُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايُشاً سَلْمِيّاً، مَعَ احْتِفَاطٍ كُلِّ مِنْهُمْ بِعَقَائِدِهِ؛  
لِأَنَّهُ ﴿كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ﴾ الرَّؤْمُ: ٣٢

الْبِلَادُ الْإِسْلَامِيَّةُ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الشُّعُوبِ الْكَثِيرَةِ، تَخْتَلِفُ فِي لُغَانِهَا وَ أَلْوَانِهَا.  
قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوباً وَقَبَائِلَ  
لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ الْحُجُرَاتُ: ١٣

فَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ، أَلَا إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَإِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ؛ أَلَا لَا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى

١- يعني: لَا تَسُبُّوا {الْآلِهَةَ} الَّذِينَ يَدْعُونَ {هُم} مِنْ دُونِ اللَّهِ، فَإِذَا تَسَبَّوْا مَعْبُودَاتِهِمْ، يَسُبُّونَ رَبَّكُمْ.



عَجَمِيَّ، وَلَا لِعَجَمِيٍّ عَلَى عَرَبِيٍّ وَلَا لِأَسْوَدَ عَلَى أَحْمَرَ وَلَا لِأَحْمَرَ عَلَى أَسْوَدَ إِلَّا بِالتَّقْوَى.

يَأْمُرُنَا الْقُرْآنُ بِالْوَحْدَةِ. ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا...﴾ آل عمران: ۱۰۳

يَتَجَلَّى اتِّحَادُ الْأُمَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ فِي صُورٍ كَثِيرَةٍ، مِنْهَا اجْتِمَاعُ الْمُسْلِمِينَ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ فِي الْحَجِّ. الْمُسْلِمُونَ خُمْسُ سُكَّانِ الْعَالَمِ، يَعِيشُونَ فِي مِسَاحَةٍ وَاسِعَةٍ مِنَ الْأَرْضِ مِنَ الصَّيْنِ إِلَى الْمُحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ.

قَالَ الْإِمَامُ الْخُمَيْنِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ: ... إِذَا قَالَ أَحَدٌ كَلَاماً يُفَرِّقُ الْمُسْلِمِينَ، فَأَعْلَمُوا أَنَّهُ جَاهِلٌ أَوْ عَالِمٌ يُحَاوِلُ بَبِّ الْخِلَافِ بَيْنَ صُفُوفِ الْمُسْلِمِينَ. وَ قَالَ قَائِدُنَا آيَةُ اللَّهِ الْخَامِنِي:

مَنْ رَأَى مِنْكُمْ أَحَدًا يَدْعُو إِلَى التَّفْرِقَةِ، فَهُوَ عَمِيلُ الْعَدُوِّ.

■ به کتاب گویا گوش کنید و کلمات جدید متن را در کلاس با هم تکرار کنید.

إِحْتَرَمَ: احترام گذاشت

إِحْتِفَازٌ: نگاه داشتن

إِسَاءَةٌ: بدی کردن

إِسْتَوَى: برابر است

أَشْرَكَ: شریک قرار داد

إِعْتَصَمَ: چنگ زد (با دست گرفت)

أَكَّدَ: تأکید کرد

إِنْ: اگر

أُنْثَى: زن، ماده

أَلَّا: که نه ... أَلَّا نَعْبُدَ: که نپرستیم

(أَنْ+لَا+نَعْبُدُ)

أَيُّ إِسَاءَةٍ: هرگونه بدی، هرگونه

بی ادبی

بَبَّ: پراکندن

تَجَلَّى: جلوه گر شد

تَعَارَفَ: شناخت یافت

«لِتَعَارَفُوا: تا همدیگر را بشناسید.»

تَعَايَشَ: همزیستی داشت

«أَنْ يَتَعَايَشُوا تَعَايُشاً سَلَمِيّاً: که

همزیستی مسالمت آمیز کنند.»

تَفَرَّقَ: پراکنده شد

لَا تَفَرَّقُوا: پراکنده نشوید

جَازَ: جایز است

حَبَلٌ: طناب «جمع: حبال»

حُرِّيَّةٌ: آزادی

حَمِيمٌ: گرم و صمیمی

خِلَافٌ: اختلاف

خُمْسٌ: یک پنجم

دَعَا: فرا خواند، دعا کرد

«يَدْعُونَ: فرا می خوانند»

ذَكَرَ: مرد، نر

فَرِحَ: شاد

فَرَّقَ: پراکنده ساخت

قَائِدٌ: رهبر

قَائِمٌ: استوار، ایستاده

سَبَّ: دشنام داد

سَلَمِيٌّ: مُسَالَمَتِ آمیز

«سَلَمٌ: صلح»

سَوَاءٌ: یکسان

عَذَرَ: عذر پذیرفت

عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ: در گذر زمان

عَمِيلٌ: مزدور «جمع: عَمَلَاءُ»

فَضْلٌ: برتری، فزونی

لَدَى: نزد «لَدَيْهِمْ: دارند»

مَعَ بَعْضٍ: با همدیگر

مِنْ دُونِ اللَّهِ: به جای خدا، به غیر

خدا

✓ x

## عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- يَجُوزُ الْإِصْرَارُ عَلَى نِقَاطِ الْخِلَافِ وَ الْعُدْوَانِ، لِلدَّفَاعِ عَنِ الْحَقِيقَةِ. ....
- ۲- رِسَالَةُ الْإِسْلَامِ قَائِمَةٌ عَلَى أَسَاسِ الْمَنْطِقِ وَ اجْتِنَابِ الْإِسَاءَةِ. ....
- ۳- عَلَى كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَايَشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايُشًا سَلْمِيًّا. ....
- ۴- لِبَعْضِ الشُّعُوبِ فَضْلٌ عَلَى الْآخَرِينَ بِسَبَبِ اللُّونِ. ....
- ۵- رُبْعُ سُكَّانِ الْعَالَمِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ. ....

## اعلموا

### الْفِعْلُ الثَّلَاثِيُّ الْمَزِيدُ (۲)

در درس گذشته با چهار باب از فعل‌های «ثلاثی مزید» آشنا شدیم.  
با چهار باب ثلاثی مزید دیگر (تَفَاعُلٌ، تَفْعِيلٌ، مُفَاعَلَةٌ و اِفعال) آشنا شوید.

أَلْبَاب	الْمَاضِي	الْمُضَارِع	الْأَمْر	الْمَصَدَر
تَفَاعُلٌ	تَشَابَهَ: همانند شد	يَتَشَابَهُ: همانند می‌شود	تَشَابَهَ: همانند شو	تَشَابُهُ: همانند شدن
تَفْعِيلٌ	فَرَّحَ: شاد کرد	يُفَرِّحُ: شاد می‌کند	فَرِّحْ: شاد کن	تَفْرِيحٌ: شاد کردن
مُفَاعَلَةٌ	جَالَسَ: همنشینی کرد	يُجَالِسُ: همنشینی می‌کند	جَالَسْ: همنشینی کن	مُجَالَسَةٌ: همنشینی کردن
إِفعال	أَخْرَجَ: بیرون آورد	يُخْرِجُ: بیرون می‌آورد	أَخْرِجْ: بیرون بیاور	إِخْرَاجٌ: بیرون آوردن

## اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الثَّلَاثِيَّةَ الْمَزِيدَةَ، وَ اكْتُبْ بِأَبْهَا.

باب	مصدر	امر	مضارع	ماضى
	تَعَامَلُ: داد و ستد کردن	تَعَامَلْ:	يَتَعَامَلُ:	تَعَامَلَ:
	تَعْلِيمُ: یاد دادن	عَلِّمْ:	يُعَلِّمُ:	عَلَّمَ:
	مُكَاتَبَةٌ: نامه نگاری کردن	كَاتِبْ:	يُكَاتِبُ:	كَاتَبَ:
	إِدْخَالُ: داخل کردن	ادْخُلْ:	يُدْخِلُ:	ادْخَلَ:

## تَرْجِمْ جُمَلَ هَذِهِ الْجَدَاوِلِ.

الْجَدْوَلُ الْأَوَّلُ: (باب تَفَاعُل) تَعَارَفَ ، يَتَعَارَفُ تَعَارُفٌ : همدیگر را شناختن

الزُّمْلَاءُ تَعَارَفُوا.	الطَّالِبَاتُ يَتَعَارَفْنَ.	أَنْتُمْ سَتَتَعَارَفُونَ.	نَحْنُ مَا تَعَارَفْنَا.	أَأَنْتُمْ تَعَارَفْتُمْ؟

الْجَدْوَلُ الثَّانِي: (باب تَفْعِيل) نَزَّلَ ، يُنَزِّلُ تَنْزِيلٌ : پایین آوردن

أَنَا سَأُنْزِلُ الْبُضَائِعَ.	الْعَمَالُ مَا نَزَّلُوا شَيْئًا.	أَنْتُمْ نَزَّلْتُمْ أَمْ هُمْ نَزَّلُوها؟	رَجَاءُ نَزَّلِنِ الْأَطْفَالَ.

الْجَدْوَلُ الثَّالِثُ: (باب مُفَاعَلَة) دَافَعَ ، يُدَافِعُ مُدَافَعَةٌ : دفاع کردن

الْجُنُودُ يُدَافِعُونَ.	إِنَّهُ لَا يُدَافِعُ.	هُمْ دَافَعُوا.	دَافِعٌ عَنِ نَفْسِكَ.	يَا جُنُودُ، دَافِعُوا.

الْجَدْوَلُ الرَّابِعُ: (باب إِفْعَال) أَجْلَسَ ، يُجْلِسُ إِجْلَاسٌ : نشانیدن

هُمْ أَجْلَسُوا الْأَطْفَالَ.	الْأُمَهَاتُ يُجْلِسْنَ الْأَوْلَادَ.	إِنَّهُ قَامَ بِإِجْلَاسِ الْحَاضِرِينَ.	رَجَاءُ، أَجْلِسُوا الضُّيُوفَ.

در درس پیش دانستیم که معنای فعل‌های هم‌ریشه ثلاثی مجرد با ثلاثی مزید فرق دارد. برخی معنای مشهور باب‌های ثلاثی مزید:

یکی از معنای مشهور دو باب افعال و تفعیل تبدیل معنای فعل از لازم به متعدی است؛ مثال:

نَزَلَ: پایین آمد    نَزَلَ: پایین آورد    وَصَلَ: رسید    وَصَلَ: رسانید (باب تفعیل)

خَرَجَ: بیرون آمد    أَخْرَجَ: بیرون آورد    جَلَسَ: نشست    أَجْلَسَ: نشانید (باب افعال)

نَزَلَ حَامِدٌ مِنْ فَوْقِ الْفَرَسِ؛ وَلَكِنْ خَافَ مَاجِدٌ وَ مَا نَزَلَ؛ فَأَنْزَلَهُ وَالِدُهُ.

حامد از روی اسب پیاده شد؛ ولی ماجد ترسید و پیاده نشد؛ و پدرش او را پیاده کرد.

#### اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: (لِلتَّرْجَمَةِ)

قَرَّبَ: ..... قَرَّبَ: ..... قَرَّبَ: ..... قَرَّبَ: ..... قَرَّبَ: ..... قَرَّبَ: ..... قَرَّبَ: ..... قَرَّبَ: .....

فَرَعَ: ..... فَرَعَ: ..... فَرَعَ: ..... فَرَعَ: ..... فَرَعَ: ..... فَرَعَ: ..... فَرَعَ: ..... فَرَعَ: .....

دَخَلَ: ..... دَخَلَ: ..... دَخَلَ: ..... دَخَلَ: ..... دَخَلَ: ..... دَخَلَ: ..... دَخَلَ: ..... دَخَلَ: .....

یکی از معنای دو باب مُفَاعَلَة و تَفَاعُل مشارکت است؛ مثال:

ضاربُ فُؤَادٍ هِشَامًا. فُؤَادُ بَا هِشَامِ زِد و خورد کرد.

تَضَارَبَ فُؤَادُ وَ هِشَامٌ: فُؤَاد و هشام همدیگر را زدند.

جَلَسُوا: نشستند    جَالَسُوا: همنشینی کردند    كَتَبُوا: نوشتند    كَاتَبُوا: نامه نگاری کردند (باب مُفَاعَلَة)

دَفَعُوا: هُل دادند    تَدَاَفَعُوا: همدیگر را هُل دادند    سَقَطُوا: افتادند    تَسَاقَطُوا: پی در پی افتادند (باب تَفَاعُل)

#### اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: (لِلتَّرْجَمَةِ)

ضَرَبُوا: ..... ضَارَبُوا: ..... نَصَرُوا: ..... نَصَرُوا: ..... نَصَرُوا: ..... نَصَرُوا: ..... نَصَرُوا: ..... نَصَرُوا: .....

عَاشُوا: ..... تَعَايَشُوا: ..... ضَرَبُوا: ..... تَضَارَبُوا: ..... تَضَارَبُوا: ..... تَضَارَبُوا: ..... تَضَارَبُوا: ..... تَضَارَبُوا: .....

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

### حوارات (في صالَةِ التَّفْتِيشِ بِالجَمَارِكِ)

الشَّرْطِيُّ الْجَمَارِكِ	الزَّائِرَةُ
إِجْلِبِي هَذِهِ الْحَقِيبَةَ إِلَى هُنَا.	عَلَى عَيْنِي، يَا أَخِي، وَلَكِنْ مَا هِيَ الْمُشْكِلَةُ؟
تَفْتِيشٌ بَسِيطٌ.	لَا بَأْسَ.
عَفْوًا، لِمَنْ هَذِهِ الْحَقِيبَةُ؟	لِأَسْرَتِي.
إِفْتَحِيهَا مِنْ فَضْلِكَ.	تَفَضَّلْ، حَقِيبَتِي مَفْتُوحَةٌ لِلتَّفْتِيشِ.
مَاذَا فِي الْحَقِيبَةِ؟	فُرْشَاةُ الْأَسْنَانِ وَالْمَعْجُونُ وَالْمِنْشَقَّةُ وَالْمَلَابِيسُ ...
مَا هَذَا الْكِتَابُ؟	لَيْسَ كِتَابًا؛ بَلْ دَفْتَرُ الذِّكْرِيَّاتِ.
مَا هَذِهِ الْحُبُوبُ؟	حُبُوبٌ مُهْدَّتَةٌ، عِنْدِي صُدَاعٌ.
هَذِهِ، غَيْرُ مَسْمُوحَةٍ.	وَلَكِنْ أَنَا بِحَاجَةٍ إِلَيْهَا جِدًّا.
لَا بَأْسَ.	شُكْرًا.
إِجْمَعِيهَا وَادْهَبِي.	فِي أَمَانٍ اللَّهُ.



تمرینات درس را به صورت گروهی در کلاس حل کنید و اشکالات خود را در پایان از دبیرتان پرسید.

## التمرین

الْتَمَرِينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الْمُعْجَمِ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

- ۱- رَئِيسُ الْبِلَادِ، الَّذِي يَأْمُرُ الْمَسْؤُولِينَ وَ يَنْصَحُهُمْ لِأَدَاءِ وَاجِبَاتِهِمْ. ....
- ۲- جَمَاعَةٌ مِنَ النَّاسِ يَعْيشُونَ فِي بِلَادٍ وَاحِدَةٍ. ....
- ۳- تَعَرَّفُ الْبَعْضُ بِالْبَعْضِ الْآخَرِ. ....
- ۴- الَّذِي يَعْمَلُ لِمَصْلَحَةِ الْعَدُوِّ. ....
- ۵- جُزْءٌ وَاحِدٌ مِنْ خَمْسَةٍ. ....
- ۶- نَشْرُ الْخَبَرِ. ....

الْتَمَرِينُ الثَّانِي: اجْعَلْ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ».

- ۱- ذَاكَ ☐ اِسْمُ إِشَارَةٍ لِغَيْرِ الْقَرِيبِ.
- ۲- عِنْدَيْكَ ☐ أَكْبَرُ مِنَ الْبَحْرِ كَثِيرًا.
- ۳- الْفَارِغُ ☐ لَيْسَ فِي دَاخِلِهِ شَيْءٌ.
- ۴- الدَّوَامُ ☐ قِطْعَةٌ مِنَ الْأَرْضِ.
- ۵- الْبُقْعَةُ ☐ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ.
- ۶- الْمُحِيطُ ☐

الْتَمَرِينُ الثَّالِثُ: ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

سَوَاءٍ / الشَّعْبُ / يَعْذُرُ / قَائِمَةٌ / فَضْلٌ / لَدَيَّ / مِنْ دُونِ

۱- ..... جَوَّالٌ تَفَرَّغَ بَطَارِيُّتُهُ خِلَالَ نِصْفِ يَوْمٍ.

۲- زُمَلَائِي فِي الدَّرْسِ عَلَى حَدِّ .....

۳- لِمَصْدِيقِي ..... فِي حُسْنِ الْخُلُقِ.

۴- لَا يَقْبَلُ ..... الْإِيرَانِي الصَّغَطَ.

۵- لَا تَعْبُدُوا ..... اللَّهَ أَحَدًا.

## التمرين الرابع: تَرَجِّمُ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ. (هَلْ تَعْلَمُ أَنْ)

١... الزَّرَافَةُ لَا تَنَامُ فِي الْيَوْمِ الْوَاحِدِ إِلَّا أَقَلَّ مِنْ ثَلَاثِينَ دَقِيقَةً وَ عَلَى ثَلَاثِ مَرَاجِلَ؟

٢... مَقْبَرَةُ «وَادِي السَّلَامِ» فِي النَّجَفِ الْأَشْرَفِ مِنْ أَكْبَرِ الْمَقَابِرِ فِي الْعَالَمِ؟

٣... الصِّينَ أَوَّلَ دَوْلَةٍ فِي الْعَالَمِ اسْتَخْدَمَتْ نُقُوداً وَرَقِيَّةً؟

٤... الْفَرَسَ قَادِرٌ عَلَى النَّوْمِ وَاقِفاً عَلَى أَقْدَامِهِ؟

٥... أَكْثَرَ فَيْتَامِينَ C لِلْبُرْتُقَالِ فِي قِشْرِهِ؟

## التمرين الخامس: عَيِّنِ الصَّمِيرَ الْمُنَاسِبَ لِلْفِعْلِ، ثُمَّ تَرَجِّمِ الْجُمْلَةَ.

أَنَا / أَنْتَ ، أَنْتِ / هُوَ ، هِيَ      نَحْنُ / أَنْتُمْ ، أَنْتُنَّ ، أَنْتُمَا / هُمْ ، هُنَّ ، هُمَا

..... سَنَمَتْلُكَ	..... مَا أَرْسَلْتُ	..... أَخْبَرْتُمَا	..... احْتَفِلْ	..... أَوْجَدْنَا
..... تَتَعَارَفُونَ	..... لَا تُخْرِجْ	..... مَا تَسَاقَطَ	..... جَالَسْتُنَّ	..... كَانَ يَنْتَفِعُ
..... يُحَافِظُنَ	..... أَحْتَرِمُ	..... لَا تَسَرِّجُوا	..... كَانَا يُمَارِسَانِ	..... لَا يُفَرِّقُونَ

الْتَمَرِينُ السَّادِسُ: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ وَ اكْتُبِ نَوَعَ الْأَفْعَالِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ.

١- قَلْبٌ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ مِنَ الْحِكْمَةِ كَبِيتَ خَرِبٍ فَتَعَلَّمُوا وَ عِلِّمُوا وَ تَفَقَّهُوا، وَ لَا تَمُوتُوا جُهَالًا؛ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَعْزِرُ عَلَى الْجَهْلِ.

٢- تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ وَ تَعَلَّمُوا لَهُ السَّكِينَةَ وَ الْوَقَارَ وَ تَوَاضَعُوا لِمَنْ تَتَعَلَّمُونَ مِنْهُ وَ لِمَنْ تُعَلِّمُونَهُ.

٣- مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ الْعَطَّارِ إِنْ جَالَسْتَهُ نَفَعَكَ، وَ إِنْ مَاشَيْتَهُ نَفَعَكَ، وَ إِنْ شَارَكَتَهُ نَفَعَكَ.

٤- الصِّيَافَةُ ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ فَمَا زَادَ فَهُوَ صَدَقَةٌ، وَ عَلَى الضَّيْفِ أَنْ يَتَحَوَّلَ بَعْدَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ.

٥- لَا تَجْتَمِعْ خَصَلَتَانِ فِي مُؤْمِنٍ: الْبُخْلُ وَ الْكِذْبُ.



التَّمْرِينُ السَّابِعُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَ اكْتُبِ نَوْعَ الْأَفْعَالِ فِيهَا. ﴿نُورُ السَّمَاءِ﴾

١- ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ إبراهيم: ٥

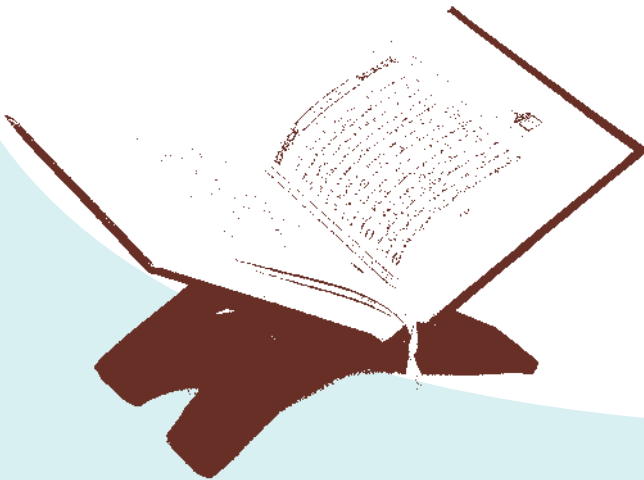
٢- ﴿وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ﴾ الْبَقَرَة: ٢٢

٣- ﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ الْبَقَرَة: ٢٥٧

٤- ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ﴾ غَافِر: ٥٥

٥- ﴿وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ﴾ الْإِسْرَاء: ١٠٥

٦- ﴿قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ الْبَقَرَة: ٣٠



## التمرين الثامن: صَغْ فِي الْفَرَاغِ فِعْلاً مُنَاسِباً.

- ١- ..... فَتَدَخَّلَ الْمُدِيرُ وَ نَصَحَنَا وَ نَدَّمْنَا عَلَى عَمَلِنَا الْقَبِيحِ. ☐ ضَرَبْنَا ☐
- ٢- الزُّمْلَاءُ ..... مَعَ بَعْضٍ فِي بَدَايَةِ السَّنَةِ الدَّرَاسِيَّةِ. ☐ يَعْرِفُونَ ☐
- ٣- نَدِمَ أَخِي الصَّغِيرُ مِنْ عَمَلِهِ السَّيِّئِ وَ أَنَا ..... هُ. ☐ عَذَرْتُ ☐ اِعْتَذَرْتُ
- ٤- تَعَاشَرُوا كَالْإِخْوَانِ وَ ..... كَالْأَجَانِبِ. ☐ تَعَامَلُوا ☐
- ٥- ..... الْجُنْدِيُّ أَسْرَتَهُ عَبْرَ الْإِنْتِرْنِتِ. ☐ كَتَبَ ☐ كَتَبَ

## التمرين التاسع: تَرْجِمْ أَفْعَالَ هَذَا الْجَدْوَلِ وَ مَصَادِرَهَا.

الماضي	المضارع	المصدر	الأمر
أَنْتَجَ	يُنْتَجِ	إِتْتِاج	أَنْتِجْ
شَجَّعَ	يُشَجِّعُ	تَشْجِيع	شَجِّعْ
سَاعَدَ	يُسَاعِدُ	مُسَاعَدَة	سَاعِدْ
تَسَاقَطَ	يَتَسَاقَطُ	تَسَاقُط	تَسَاقُطْ
اِسْتَلَمَ	يَسْتَلِمُ	اِسْتِلَام	اِسْتَلِمْ
اِسْتَحْدَمَ	يَسْتَحْدِمُ	اِسْتِحْدَام	اِسْتَحْدِمْ
اِنْتَفَعَ	يَنْتَفِعُ	اِنْتِفَاع	اِنْتَفِعْ



## الدَّرْسُ الْخَامِسُ



لَمْ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ

الْعَنْكَبُوت: ٢٠

به کتاب گویا گوش کنید؛ سپس در یک کار گروهی متن زیر را ترجمه کنید. در پایان اشکالات خود را از دبیرتان بپرسید. می‌توانید متن درس را به صورت پاورپوینت اجرا کنید.

## ﴿هَذَا خَلْقُ اللَّهِ﴾ لقمان ۱۱

الْغَوَاصُونَ الَّذِينَ ذَهَبُوا إِلَى أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ لِيَلَّا، شَاهَدُوا مِثَاتِ الْمَصَابِيحِ الْكَهْرَبَائِيَّةِ ذَاتِ أَلْوَانٍ مُتَعَدِّدَةٍ الَّتِي يَنْبَعِثُ ضَوْؤُهَا مِنَ الْأَسْمَاكِ الْمُضِيئَةِ، وَ تَحْوُلُ ظِلَامَ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيٍّ يَسْتَطِيعُ فِيهِ الْغَوَاصُونَ التِّقَاطَ صُورٍ فِي أَضْوَاءِ هَذِهِ الْأَسْمَاكِ. اِكْتَشَفَ الْعُلَمَاءُ أَنَّ هَذِهِ الْأَضْوَاءَ تَنْبَعِثُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ الْبَكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ الَّتِي تَعِيشُ تَحْتَ عُيُونِ تِلْكَ الْأَسْمَاكِ. هَلْ يُمَكِّنُ أَنْ يَسْتَفِيدَ الْبَشَرُ يَوْمًا مِنْ تِلْكَ الْمُعْجَزَةِ الْبَحْرِيَّةِ، وَ يَسْتَعِينُ بِالْبَكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ لِإِنَارَةِ الْمُدُنِ؟



رُبَّمَا يَسْتَطِيعُ ذَلِكَ، لِأَنَّهُ «مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَ جَدَّ وَ جَدَّ».

إِنَّ لِسَانَ الْقِطِّ سِلَاحٌ طَبِئِيٌّ دَائِمٌ، لِأَنَّهُ مَمْلُوءٌ بِغَدَدٍ تُفْرِزُ سَائِلًا مُطَهِّرًا، فَيَلْعَقُ الْقِطُّ جُرْحَهُ عِدَّةَ مَرَّاتٍ حَتَّى يَلْتَنِمَ.

إِنَّ بَعْضَ الطُّيُورِ وَ الْحَيَوَانَاتِ تَعْرِفُ بِغَيْرِزَتِهَا الْأَعْشَابَ الطَّبِئِيَّةَ وَ تَعْلَمُ كَيْفَ تَسْتَعْمِلُ الْعُشْبَ الْمُنَاسِبَ

لِلوَقَايَةِ مِنَ الْأَمْرَاضِ الْمُخْتَلِفَةِ؛ وَ قَدْ دَلَّتْ هَذِهِ الْحَيَوَانَاتُ الْإِنْسَانَ عَلَى الْخَوَاصِ الطَّبِئِيَّةِ كَثِيرٍ مِنَ النَّبَاتَاتِ الْبَرِّيَّةِ وَ غَيْرِهَا.

إِنَّ أَغْلَبَ الْحَيَوَانَاتِ إِضَافَةً إِلَى امْتِلَاقِهَا لِلْعَجَةِ خَاصَّةً بِهَا، تَمْلِكُ لُغَةً عَامَّةً تَسْتَطِيعُ مِنْ خِلَالِهَا أَنْ تَتَفَاهَمَ مَعَ بَعْضِهَا، فَلِلْغُرَابِ صَوْتُ يُحَذِّرُ بِهِ بَقِيَّةَ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَعدَ سَرِيعًا عَنْ مَنَاطِقَةِ الْخَطَرِ، فَهوَ بِمَنْزِلَةِ جَاسُوسٍ مِنْ جَوَاسِيسِ الْغَابَةِ.





لِلْبَطِّ خِزَانَاتٌ طَبِيعِيَّةٌ بِالْقُرْبِ مِنْ أَذْنَانِهَا تَحْتَوِي  
زَيْتًا خَاصًّا يَنْتَشِرُ عَلَى أَجْسَادِهَا فَلَا تَتَأَثَّرُ بِالْمَاءِ.



تَسْتَطِيعُ الْحِرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي  
اتِّجَاهَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ رَأْسَهَا وَ هِيَ تَسْتَطِيعُ  
أَنْ تَرَى فِي اتِّجَاهَيْنِ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ.

لَا تَتَحَرَّكُ عَيْنُ الْبُومَةِ، فَإِنَّهَا ثَابِتَةٌ، وَلَكِنَّهَا تَعْوِضُ هَذَا النِّقْصَ بِتَحْرِيكِ رَأْسِهَا  
فِي كُلِّ نَاحِيَةٍ وَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تُدِيرَ رَأْسَهَا دَائِرَةً كَامِلَةً دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ جِسْمَهَا.



به کتاب گویا گوش کنید و کلمات جدید متن را در کلاس با هم تکرار کنید.

زَيْت: روغن «جمع: زُيُوت»	إِنْبَعَثَ: فرستاده شد	إِبْتَعَدَ: دور شد
سَارَ: حرکت کرد	بَرِيّ: خشکی، زمینی	إِتْجَاهَ: جهت
سَيَرُوا: حرکت کنید	بَطٌّ: اردک	إِحْتَوَى: در بر داشت
سَائِل: مایع، پرسشگر	بَكْتِيرِيَا: باکتری	أَدَارَ: چرخاند، اداره کرد
ضَوْء: نور	بُوم: جغد	أَذْنَاب: دُم‌ها «مفرد: ذَنْب»
ظَلَام: تاریکی	تَأَثَّرَ: تحت تأثیر قرار گرفت	إِسْتَطَاعَ: توانست
عَوَضَ: جبران کرد	تَحَرَّكَ: حرکت کرد	إِسْتَعَانَ: یاری جُست
قِطٌّ: گربه	حَرَكَ: حرکت داد	إِسْتَفَادَ: استفاده کرد
مُضِيّ: نورانی	حَوَّلَ: تبدیل کرد	إِضَافَةً إِلَى: افزون بر
مُطَهَّر: پاک کننده	جُرْح: زخم	أَعْشَاب طِبِّيَّة: گیاهان دارویی
وَقَايَة: پیشگیری	جِرْبَاء: آفتاب پرست	أَفْرَزَ: ترشح کرد
لَعِقَ: لیسید	خِزَانَة: انبار	إِلْتَأَمَ: بهبود یافت
مَلَكَ: مالک شد، دارد، فرمانروایی کرد	دَلَّ: راهنمایی کرد	إِلْتِقَاطُ صُورٍ: عکس گرفتن
	دُونَ أَنْ: بی آنکه	إِنَارَة: نورانی کردن

✓ عَيْنِ الْجُمْلَةِ الصَّحِيحَةِ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ. ✕

- ۱- لِلزَّرَافَةِ صَوْتُ يُحَذِّرُ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَغِدَ عَنِ الْخَطَرِ.
- ۲- تُحَوِّلُ الْأَسْمَاكُ الْمُضِيئَةَ ظِلَامَ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيٍّ.
- ۳- تَسْتَطِيعُ الْجِرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي اتِّجَاهٍ وَاحِدٍ فَقَطْ.
- ۴- لِسَانُ الْقِطِّ مَمْلُوءٌ بِغَدَدٍ تُفْرِزُ سَائِلًا مُطَهَّرًا.
- ۵- لَا تَعِيشُ أَحْيَاءُ مَائِيَّةٌ فِي أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ.
- ۶- يَتَحَرَّكُ رَأْسُ الْبُومَةِ فِي اتِّجَاهٍ وَاحِدٍ.

## إَعْلَمُوا

### «الْجُمْلَةُ الْفَعْلِيَّةُ» وَ «الْجُمْلَةُ الاسْمِيَّةُ»

به جمله‌های «يَغْفِرُ اللَّهُ الذُّنُوبَ.» و «إِلْتَأَمَ الْجُرْحُ.» جمله فعلیه گفته می‌شود؛ زیرا با فعل شروع شده‌اند.

الگوی جمله فعلیه این است:

فعل «يَغْفِرُ» و «إِلْتَأَمَ» + فاعل «اللَّهُ» و «الْجُرْحُ» + گاهی مفعول «الذُّنُوبُ»

فعل کلمه‌ای است که بر انجام کاری یا داشتن حالتی در گذشته، حال یا آینده دلالت دارد. فاعل، انجام دهنده کار یا دارنده حالت است.

مفعول، اسمی است که در زبان عربی معمولاً پس از فاعل می‌آید و کار بر آن انجام می‌شود.

گاهی مفعول جلوتر از فاعل می‌آید؛ مانند «لَكَ» در جمله: «شَاهَدَكَ الْأُسْتَاذُ فِي الْمَلْعَبِ الرِّيَاضِيِّ.»

گاهی **فاعل** جمله فعلیه برای تأکید جلوتر از فعل و در ابتدای جمله می‌آید؛ مانند:

«اللَّهُ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ.» در این صورت اسم آن از فاعل به مبتدا تغییر می‌کند و چنین جمله‌ای را جمله اسمیه می‌نامند.

الگوی جمله اسمیه این است: (مبتدا «اللَّهُ» + خبر «يَغْفِرُ»).

به جمله «اللَّهُ عَالِمٌ.» جمله اسمیه گفته می‌شود؛ زیرا با اسم شروع شده است.

مبتدا و خبر تقریباً همان نهاد و گزاره در دستور زبان فارسی‌اند.

مبتدا، اسمی است که در ابتدای جمله می‌آید و درباره آن خبری گفته می‌شود.

خبر، بخش دوم جمله اسمیه است که همان‌گونه که از نامش پیداست، خبری درباره مبتدا می‌دهد.

شناخت اجزای جمله در ترجمه به ما کمک می‌کند.

تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ ثُمَّ عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الْفِعْلِيَّةَ وَ الْجُمْلَةَ الْاِسْمِيَّةَ، ثُمَّ اذْكُرِ الْمَحَلَّ الْاِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ.

۱- ﴿وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ﴾ التَّوْر: ۳۵

۲- اَلْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَ مِفْتَاحُهَا السُّؤَالُ. رَسُوْلُ اللهِ ﷺ

۳- اِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ عُصَّةٌ. اَمِيْرُ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

گاهی مبتدا و خبر (نهاد و گزاره) و نیز فاعل و مفعول، صفت یا مضاف الیه می گیرند و خودشان موصوف و مضاف می شوند؛ مثال:

صُدُورُ الْأَحْرَارِ قُبُورُ الْأَسْرَارِ.

مبتدا مضاف الیه خبر مضاف الیه

يَزْرَعُ الْفَلَّاحُ الْمُجِدُّ أَشْجَارَ التُّفَّاحِ.

فعل فاعل صفت مفعول مضاف الیه

تَرْجِمِ الْآيَةَ وَ الْأَحَادِيثَ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْاِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ.

۱- ﴿وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ﴾ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ ﷻ الْأَحْزَاب: ۲۲

۲- اَلْحَسَدُ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ. رَسُوْلُ اللهِ ﷺ

۳- مَا قَسَمَ اللهُ لِلْعِبَادِ شَيْئاً اَفْضَلَ مِنْ الْعَقْلِ. رَسُوْلُ اللهِ ﷺ

۴- نَوْمٌ عَلَى عِلْمٍ خَيْرٌ مِنْ صَلَاةٍ عَلَى جَهْلِ. رَسُوْلُ اللهِ ﷺ

۵- تَمَرُّهُ الْعِلْمُ اِخْلَاصُ الْعَمَلِ. اَمِيْرُ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ



## فَنُ التَّرْجَمَةِ

أَنْ يَفْعَلَ: که انجام دهد

به فعل مضارع «يَغْفِرُ» در این آیه توجه کنید.

﴿أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ﴾ التور: ۲۲ آیا دوست ندارید که خدا شما را ببامرزد؟

فعل «يَغْفِرُ» با شکل اصلی آن یعنی «يَغْفِرُ» فرق دارد و تغییری در علامت آخرش

صورت گرفته است.

يَغْفِرُ: می آمرزد	أَنْ يَغْفِرَ: که ببامرزد	يَسْتَفِيدُ: بهره می برد	أَنْ يَسْتَفِيدَ: که بهره ببرد
يَفْهَمُ: می فهمد	أَنْ يَفْهَمَ: که بفهمد	يُدِيرُ: می چرخاند	أَنْ يُدِيرَ: که بچرخاند

به جدول بالا دقت کنید و فرق ظاهری و معنایی فعل‌هایی مانند:

«يَغْفِرُ» و «أَنْ يَغْفِرَ» را بیابید. با چند نمونه دیگر آشنا شوید.

يَذْهَبُ: می رود ← أَنْ يَذْهَبَ: که برود // يَسْمَعُ: می شنود ← أَنْ يَسْمَعَ: که بشنود

حرف «أَنْ» معنای فعل را از «مضارع اخباری» به «مضارع التزامی» تغییر می دهد.

اخْتَبَرِ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ. نَوْرُ السَّمَاءِ

۱- ﴿أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ﴾ یس: ۸۱

۲- ﴿قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يُنَزِّلَ آيَةً وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ الأنعام: ۳۷

۳- ﴿رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ﴾ هود: ۴۷

۴- ﴿يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ﴾ الأعراف: ۱۱۰

۵- ﴿أَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الذِّئْبُ وَأَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ﴾ يوسف: ۱۳

۶- ﴿إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا﴾ الشعراء: ۵۱

■ در گروه‌های دو نفره شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

### جَوَارَاتُ (مَعَ سَائِقِ سَيَّارَةِ الْأَجْرَةِ)

السَّائِقُ	سَائِقُ سَيَّارَةِ الْأَجْرَةِ
أَيُّهَا السَّائِقُ، نُرِيدُ أَنْ نَذْهَبَ إِلَى الْمَدَائِنِ.	أَنَا فِي خِدْمَتِكُمْ. تَفَضَّلُوا.
كَمْ الْمَسَافَةُ مِنْ بَغْدَادَ إِلَى هُنَاكَ؟	أَطْنُ الْمَسَافَةَ سَبْعَةً وَ ثَلَاثِينَ كِيلُومِترًا. عَجِيبٌ؛ لِمَ تَذْهَبُونَ إِلَى الْمَدَائِنِ؟
لِزِيَارَةِ مَرْقَدِ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ وَ مُشَاهَدَةِ طَاقِ كِسْرَى؛ لِمَاذَا تَتَعَجَّبُ؟!	لَأنَّهُ لَا يَذْهَبُ إِلَى الْمَدَائِنِ إِلَّا قَلِيلٌ مِنَ الزَّوَارِ.
فِي الْبُدَايَةِ تَشَرَّفْنَا بِزِيَارَةِ الْعَتَبَاتِ الْمُقَدَّسَةِ فِي الْمُدُنِ الْأَرْبَعَةِ كَرْبَلَاءَ وَ النَّجَفِ وَ سَامَرَاءَ وَ الْكَاظِمِيَّةِ.	زِيَارَةُ مَقْبُولَةٍ لِلْجَمِيعِ! أَعْرِفُ مَنْ هُوَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ أَمْ لَا؟
نَعَمْ؛ أَعْرِفُهُ، إِنَّهُ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ ﷺ وَ أَصْلُهُ مِنْ إصفهان.	أَحْسَنْتَ! وَ هَلْ لَكَ مَعْلُومَاتٌ عَنْ طَاقِ كِسْرَى؟
بِالتَّأَكِيدِ؛ إِنَّهُ أَحَدُ قُصُورِ الْمُلُوكِ السَّاسَانِيِّينَ قَبْلَ الْإِسْلَامِ. قَدْ أَنْشَدَ شَاعِرَانِ كَبِيرَانِ قَصِيدَتَيْنِ عِنْدَ مُشَاهَدَتِهِمَا إِيوَانَ كِسْرَى: الْبُحْثَرِيُّ مِنْ أَكْبَرِ شُعَرَاءِ الْعَرَبِ، وَ خَاقَانِي، الشَّاعِرُ الْإِيرَانِيُّ.	مَاشَاءَ اللَّهِ! بَارَكَ اللَّهُ فِيكَ! مَعْلُومَاتُكَ كَثِيرَةٌ!



تمرینات درس را به صورت گروهی در کلاس حل کنید و اشکالات خود را در پایان از دبیرتان بپرسید.

## الْتَّمَارِين

### الْتَّمَرِينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الْمُعْجَمِ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

- ١- طَائِرٌ يَسْكُنُ فِي الْأَمَاكِنِ الْمَتْرُوكَةِ يَنَامُ فِي النَّهَارِ وَ يَخْرُجُ فِي اللَّيْلِ. ....
- ٢- عُضْوٌ فِي جِسْمِ الْحَيَوَانِ يُحَرِّكُهُ غَالِبًا لِطَرْدِ الْحَشَرَاتِ. ....
- ٣- نَبَاتَاتٌ مُفِيدَةٌ لِلْمُعَالَجَةِ نَسْتَفِيدُ مِنْهَا كَدَوَاءٍ. ....
- ٤- طَائِرٌ يَعِيشُ فِي الْبَرِّ وَ الْمَاءِ. ....
- ٥- عَدَمُ وُجُودِ الضَّوءِ. ....
- ٦- نَشْرُ النَّوْرِ. ....

### الْتَّمَرِينُ الثَّانِي: تَرْجِمْ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ.

- ١- فِي كَثِيرٍ مِنَ الْأَوْقَاتِ يَتَأَثَّرُ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ. ....
- ٢- خَبَرُ نَجَاحِ فَرِيقِنَا أَثَارَ انْتِبَاهِ زُمَلَانِنَا. ....
- ٣- كَانَ الطُّلَّابُ يُسَاعِدُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا. ....
- ٤- اِلْتَقَطْنَا صُورًا فِي السَّفَرَةِ الْعِلْمِيَّةِ. ....
- ٥- كَانَ جُرْحُ الْجُنْدِيِّ يَلْتَمِمْ. ....
- ٦- أَسْتَعِينُ بِاللَّهِ فِي حَيَاتِي. ....

الْتَمْرِينُ الثَّالِثُ: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْأُخْرَى فِي الْمَعْنَى مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ.

- |               |                          |            |                          |            |                          |               |                          |
|---------------|--------------------------|------------|--------------------------|------------|--------------------------|---------------|--------------------------|
| 1- غُرَاب     | <input type="checkbox"/> | بَط        | <input type="checkbox"/> | بَوْمَة    | <input type="checkbox"/> | نَضِرَة       | <input type="checkbox"/> |
| 2- كَلْب      | <input type="checkbox"/> | حِرْبَاء   | <input type="checkbox"/> | نُفَايَة   | <input type="checkbox"/> | قِط           | <input type="checkbox"/> |
| 3- خُمْس      | <input type="checkbox"/> | قِشْر      | <input type="checkbox"/> | عُضْن      | <input type="checkbox"/> | ثَمَر         | <input type="checkbox"/> |
| 4- دُر        | <input type="checkbox"/> | جُرْح      | <input type="checkbox"/> | ذَهَب      | <input type="checkbox"/> | فِصَّة        | <input type="checkbox"/> |
| 5- زَيْت      | <input type="checkbox"/> | ماء        | <input type="checkbox"/> | زُجَاجَة   | <input type="checkbox"/> | شاي           | <input type="checkbox"/> |
| 6- سَنَوِيًّا | <input type="checkbox"/> | سَلْمِيًّا | <input type="checkbox"/> | شَهْرِيًّا | <input type="checkbox"/> | أُسْبُوعِيًّا | <input type="checkbox"/> |
| 7- هَائِف     | <input type="checkbox"/> | مُكَيِّف   | <input type="checkbox"/> | مُسْجَل    | <input type="checkbox"/> | صَيَّر        | <input type="checkbox"/> |
| 8- وَقَايَة   | <input type="checkbox"/> | عَرَبَة    | <input type="checkbox"/> | طَائِرَة   | <input type="checkbox"/> | حَافِلَة      | <input type="checkbox"/> |

الْتَمْرِينُ الرَّابِعُ: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الْفَعْلِيَّةَ وَالْإِسْمِيَّةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلوَّنَةِ.

1- ﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ﴾ الْبَقَرَة: ٥٤

2- ﴿وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾ الشُّعْرَاء: ٨٤

3- السُّكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِصَّةٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

4- جَمَالُ الْمَرْءِ فَصَاحَةُ لِسَانِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ



الْتَمْرِينُ الْخَامِسُ: عَيِّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ وَالْمُتَضَادَّةَ. = ≠

إِسْطَاعٌ ..... قَدِرَ	سَلَمٌ ..... حَرَبَ	إِقْتَرَبَ ..... إِبْتَعَدَ	إِحْسَانٌ ..... إِسَاءَةٌ
فَارِغٌ ..... مَمْلُوءٌ	ظَلَامٌ ..... ضِيَاءٌ	أَغْلَقَ ..... فَتَحَ	نُفَايَةٌ ..... زُبَالَةٌ
غَيْمٌ ..... سَحَابٌ	حُجْرَةٌ ..... غُرْفَةٌ	قَذَفَ ..... رَمَى	قَرَبَ ..... بَعَدَ
فَرِحَ ..... حَزِنَ	مِنْ فَضْلِكَ ..... رَجَاءٌ	سَائِلٌ ..... جَامِدٌ	جَاهِزٌ ..... حَاضِرٌ

الْتَمْرِينُ السَّادِسُ: أَكْتُبِي اسْمَ كُلِّ صُورَةٍ فِي الْفَرَاغِ.

الْبَيْطُ / الْكِلَابُ / الْغُرَابُ / الطَّاوُوسُ / الْحِرْبَاءُ / الْبَقَرَةُ



دَنْبٌ ..... جَمِيلٌ.



يُرْسَلُ ..... أَخْبَارَ الْغَابَةِ.



تُعْطِي ..... الْحَلِيبَ.



طَائِرٌ مَائِيٌّ.



يَحْفَظُ الشَّرْطِيُّ، الْأَمْنَ بِـ .....



ذَاتُ عُيُونٍ مُتَحَرِّكَةٍ.

الْتَمَرِينُ السَّابِعُ: عَيْنِ الْفِعْلِ وَ الْفَاعِلِ وَ الْمَفْعُولِ فِي الْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ. ﴿نُورُ السَّمَاءِ﴾

١- ﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ الْفَتْح: ٣٦

٢- ﴿لَا أَمَلُكَ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ﴾ الْأَعْرَاف: ١٨٨

٣- ﴿وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ﴾ يَس: ٧٨

٤- ﴿وَلَا يَظِلُّمُ رَبُّكَ أَحَدًا﴾ الْكَهْف: ٤٩

٥- ﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ﴾ الْبَقَرَة: ١٨٥

٦- ﴿يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ﴾ النُّور: ٤٥

الْتَمَرِينُ الثَّامِنُ: عَيْنِ الْمُبْتَدَأِ وَالْخَبَرِ فِي الْأَحَادِيثِ الثَّالِيَةِ. ﴿كَنَزُ الْكَلَامِ﴾

١- الَّتَدَمُّ عَلَى السُّكُوتِ خَيْرٌ مِنَ التَّدَمِّ عَلَى الْكَلَامِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٢- أَكْبَرُ الْحَقْمِ الْإِغْرَاقُ فِي الْمَدْحِ وَالْمَدَمِّ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٣- ذَنْبٌ وَاحِدٌ كَثِيرٌ وَأَلْفٌ طَاعَةٌ قَلِيلٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٤- سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٥- أَلْعِلْمُ صَيْدٌ وَالْكِتَابَةُ قَيْدٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٦- الصَّلَاةُ مِفْتَاحُ كُلِّ خَيْرٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

التَّامِرِينَ التَّاسِعُ: تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ.

(مبتدأ وخبر ومفعول وفاعل ومضاف إليه)

١- ﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ﴾ البقرة: ٤٤

٢- ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ البقرة: ٢٨٦

٣- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ . رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٤- نَظَرُ الْوَلَدِ إِلَى وَالِدِهِ حُبًّا لَهُمَا عِبَادَةٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٥- حُسْنُ الْأَدَبِ يَسْتَرْقُبُ النَّسَبَ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٦- عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

التَّامِرِينَ الْعَاشِرُ: عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

- ١- الْمَاضِي مِنْ «يَتَّبَعُ»: ☐ بَعَدَ ☐ تَبَعَّدَ ☐ ابْتَعَدَ
- ٢- الْمُضَارِعُ مِنْ «إِنْبَعَثَ»: ☐ يَنْبُعِثُ ☐ يَتَّبَعِثُ ☐ يَبْعَثُ
- ٣- الْمَصْدَرُ مِنْ «يُعَلِّمُ»: ☐ تَعْلِيمَ ☐ إِعْلَامَ ☐ تَعْلُمَ
- ٤- الْأَمْرُ مِنْ «تُشَاهِدُ»: ☐ شَاهِدَ ☐ شَاهَدَ ☐ شَاهِدُ
- ٥- النَّهْيُ مِنْ «تَتَفَرَّقُونَ»: ☐ مَا تَفَرَّقْتُمْ ☐ لَا تَتَفَرَّقُونَ ☐ لَا تَتَفَرَّقُوا
- ٦- عَلَى وَزَنِ «إِسْتِفْعَالٍ»: ☐ إِسْتِمَاعَ ☐ إِسْتِخْدَامَ ☐ إِسْتِرَاقَ

## اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِبْحَثْ عَنْ نَصِّ قَصْرِ عِلْمِي بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ خَلْقِ اللَّهِ، ثُمَّ تَرَجِّمْهُ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ،  
مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيٍّ.



شَلَّالُ سَمِيرُم فِي مُحَافَظَةِ إِصْفَهَانَ



## الدَّرْسُ السَّادِسُ



﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ  
فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ﴾

الرُّوم: ٤٢

## الدَّرْسُ السَّادِسُ

به کتاب گویا گوش کنید؛ سپس در یک کار گروهی متن زیر را ترجمه کنید. در پایان اشکالات خود را از دبیرتان بپرسید.

### الْمَعَالِمُ الْخَلَابَةُ

إِنَّ إِيْرَانَ مِنْ الدُّوَلِ الْجَمِيْلَةِ فِي الْعَالَمِ وَ الْمَشْهُورَةِ بِالْكَثِيْرِ مِنَ الْمَنَاطِقِ الْخَلَابَةِ وَ الْمَعَالِمِ التَّارِيْخِيَّةِ وَ الثَّقَافِيَّةِ؛ وَ فِيْهَا صِنَاعَاتٌ يَدَوِيَّةٌ تَجْدِبُ السَّائِحِيْنَ مِنْ كُلِّ الْعَالَمِ. شَهِدْتُ إِيْرَانَ فِي السَّنَوَاتِ الْآخِيْرَةِ نُمُوًّا مَلْحُوظًا فِي السِّيَاحَةِ، فَهِيَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَحْصُلَ مِنَ السِّيَاحَةِ عَلَى ثَرَوَةٍ عَظِيْمَةٍ بَعْدَ النَّفْطِ. يَرَى بَعْضُ السَّائِحِيْنَ إِيْرَانَ بَلَدًا مُّمْتَازًا لِقَضَاءِ الْعُطَّلَاتِ.

قَامَتْ مُنْظَمَةُ الْيُونِسْكَو بِتَسْجِيلِ مُدُنٍ وَ مَنَاطِقٍ ثَقَافِيَّةٍ وَ تَارِيْخِيَّةٍ إِيْرَانِيَّةٍ فِي قَائِمَةِ التُّرَاثِ الْعَالَمِيِّ؛ لِأَنَّهَا تَجْدِبُ كَثِيْرًا مِنَ السَّائِحِيْنَ إِلَيْهَا. مِنْ الْآثَارِ وَ الْمَعَالِمِ التَّارِيْخِيَّةِ فِي إِيْرَانَ:

آثَارُ بَرْسَبُولِيْسَ وَ مَقْبَرَتَا حَافِظٍ وَ سَعْدِيِّ فِي مَحَافِظَةِ فَارِسَ، وَ «طَاق بُسْتَان» وَ «كَنْبِيَّة بِيَسْتُون» فِي مَحَافِظَةِ كِرْمَانشَاهَ، وَ مَرْقَدُ الْإِمَامِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مَرْقَدُ الْفِرْدَوْسِيِّ فِي مَشْهَدَ، وَ مَرْقَدُ السَّيِّدَةِ مَعْصُومَةِ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِمَدِيْنَةِ قُمْ، وَ قَلْعَةُ «فَلَكَ الْأَفْلَاك» فِي حُرْمِ أَبَادَ، وَ قَلْعَةُ الْوَالِي وَ غَابَاتُ الْبَلُوطِ فِي إِيلَامَ وَ



«حَمَام كَنجَعَلِي خان» في مُحَافَظَةِ كِرمان المَشهُورَةِ بِإِنتاجِ **الْفُسْتُقِ** وَ السَّجَادِ، وَ سَلالاتِ شوشتر وَ مَقْبَرَةُ النَّبِيِّ دَانِيال عليه السلام في خوزستان، وَ مَرَقْدُ ابْنِ سينا العالِمِ المَشهُورِ فِي العالَمِ، وَ **كَهْفُ** عَلِي صَدْر وَ هُوَ مِنْ **أَطَوَّلِ** الكُهوْفِ المائِيَةِ فِي العالَمِ فِي همدان، وَ العِماراتِ **الأَثَرِيَّةُ** فِي إصفهان وَ قَدْ **سَجَّلَتْهَا** مُنَظَّمَةُ اليُونِسكو الدُّوَلِيَّةُ فِي قائِمَةِ التُّراثِ العالَمِيِّ، أَمَّا المُحافَظَاتُ الشَّمالِيَّةُ الثَّلَاثُ عَلَى **شاطِئِ** بَحْرِ قزوین (Caspian) **فَرائِعَةُ** بِمَنَاطِرِها الجَمِيلَةِ، فَهِيَ مُناسِبَةٌ لِلِبَطاقاتِ **البَرِيدِيَّةِ**، وَ كَأَنَّها قِطْعَةٌ مِنَ الجَنَّةِ.

**لأَبَدٍ مِنْ** تَأليفِ كِتَابٍ عَظِيمٍ لِإِحْصاءِ **مَناطِقِ الجَذْبِ السِّياحِيِّ** فِي إيران، نَذْكُرُ قِسْماً آخَرَ مِنْها:

يَزِدُ وَ **حَلَوِيَّاتُها** وَ مَناطِقُها **الصَّحْراوِيَّةُ**، وَ تَبْرِيزَ وَ سَوقُها المَشهُورُ بِأَنَّهُ أَكْبَرُ سَوقٍ مُسَقَّفٍ فِي العالَمِ، فِيهِ مَكانٌ واسِعٌ لِبَيعِ **السَّجاجِيدِ** وَ الذَّهَبِ. وَ مَدِينَةُ قائِنِ بَلَدِ الذَّهَبِ الأَحْمَرِ الزَّعْفَرانِ، وَ غابَةُ حَرَّاءَ فِي جَزِيرَةِ قِشم، وَ الشَّاطِئُ الصَّخْرِيُّ لِمِيناءِ شابَهارة، وَ كَهْفُ سَهولانِ فِي مَهاباد، وَ **بُحَيْرَةُ** زَرَبيار فِي مَريوان، وَ **قُبَّةُ** سُلْطانِيَّةِ فِي زَنجان، وَ مُتَحَفُ التُّراثِ **الرِّيفِيِّ** قُرْبَ رَشْت، وَ بُرْجُ مِلاَدٍ فِي طَهْران، وَ الأَنهارُ وَ السَّلالاتُ وَ الغاباتُ وَ العُيُونُ فِي ياسُوجَ وَ شَهْرِكُردَ وَ الطَّرِيقُ السِّياحِيُّ بَيْنَ مَدِينَتَي أَسامِ وَ خَلخال، وَ حَديقَةُ بِش قارداش فِي مَدِينَةِ بُجنورد، وَ غابَةُ أَبر (السَّحاب) فِي شاهرود، وَ سَوقُ أَراك، وَ قَلْعَةُ أَلَموت، وَ مُتَحَفُ دِلواري فِي بوشَهْر وَ أَلافُ المَناطِقِ الأُخْرى. فَتَنَوُّعُ مَعالِمِ إيرانِ وَ اسْتِقرارُ الوُضْعِ الأَمْنِيِّ فِيها يُشجِّعُ السَّائِحِينَ إِلى السَّفَرِ إِليها لِرُؤْيَةِ جَمالِ آثارِها وَ طَبِيعَتِها الخَلابَةِ.



به کتاب گویا گوش کنید و کلمات جدید متن را در کلاس با هم تکرار کنید.

تعطيلات	خَلَاب : جذاب «مَعَالِمُ ایران»	اَثَرِيّ : تاریخی
كَهْف : غار «جمع: كهوف»	الْخَلَابَةُ : آثار جذاب ایران»	اِحْتِواء : دربرگرفتن
لَا بُدَّ مِنْ : ناگزیر	سَجَاجِيد : فرشها «مفرد: سَجَاد»	اِحْصَاء : شمارش
مَعَالِم : آثار	سِيَاحَة : جهانگردی، گردشگری	أَطْوَل : بلندترین
مَلْحُوظ : قابل ملاحظه	شَاطِئ : ساحل «جمع: شَوَاطِئ»	بُحَيْرَة : دریاچه
مَنَاطِقُ الْجَذَبِ السِّيَاحِيّ : مناطق	صَحْرَاوِيَّة : کویری	بَرِيد : پست «بطاقة بَرِيدِيَّة»
دارای جاذبه جهانگردی	رَافِع : جالب	كارت پستال
نَظَرًا : نظر به	رِيفِيّ : روستایی	تُراث : میراث
نَفْط : نفت	عُطْلَة : تعطیلی	تَسْجِيل : ثبت کردن
وَقَعَ : واقع شد، اِتِّفَاق افتاد، افتاد	فُسْتُق : پسته	ثَقَافِيَّة : فرهنگی
(مضارع: يَفْعُ)	قَائِمَة : لیست	جَذَب : جذب کرد
يَدَوِيَّة : دستی	قُبَّة : گنبد	حَصَلَ عَلَى : به دست آورد
	قَضَاءُ الْعُطْلَات : گذراندن	حَلَوِيَّات : شیرینیجات

### اِبْحَثْ فِي نَصِّ الدَّرْسِ عَنْ جَوَابٍ قَصِيرٍ لِهَذِهِ الْأَسْئَلَةِ.

- ۱- مَا اسْمُ الْكَهْفِ الَّذِي هُوَ مِنْ أَطْوَلِ الْكَهُوفِ الْمَائِيَّةِ فِي الْعَالَمِ؟
- ۲- مِمَّ تَسْتَطِيعُ إِيْرَانُ أَنْ تَحْصُلَ عَلَى ثَرَوَةٍ بَعْدَ النِّفْطِ؟
- ۳- أَذْكَرُ عِمَارَةٍ مِنَ الْعِمَارَاتِ الْأَثَرِيَّةِ فِي مَدِينَةِ إصفهان.
- ۴- أَيُّ صِنَاعَةٍ إِيْرَانِيَّةٍ تَجْذِبُ السَّائِحِينَ مِنْ كُلِّ الْعَالَمِ؟
- ۵- مَا هُوَ لَقَبُ مَدِينَةِ قَائِنِ؟
- ۶- أَيْنَ تَقَعُ قَلْعَةُ الْوَالِي؟

## إِعْلَمُوا

### إِعْرَابُ أَجْزَاءِ الْجُمْلَةِ الْإِسْمِيَّةِ وَ الْفِعْلِيَّةِ

إِعْرَاب به علامت انتهای کلمه گفته می‌شود و از ویژگی‌های بارز زبان عربی است.

کلمات از نظر علامت حرف آخرشان دو نوع اند: **مُعْرَب** و **مَبْنِي**

علامت حرف آخر برخی کلمات با تغییر جایگاهشان در جمله، تغییر می‌کند که به

آنها «**مُعْرَب**» گفته می‌شود؛ بیشتر اسم‌ها معرب اند؛ مانند «اللَّهُ» در جمله‌های زیر:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ ،

﴿وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ﴾ الْأَحْزَاب: ۵۱

﴿وَأَسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ الْبَقَرَة: ۱۹۹

برخی هم با تغییر جایگاهشان در جمله، علامت حرف آخرشان ثابت می‌ماند که

«**مَبْنِي**» نامیده می‌شوند و عبارت‌اند از:

ضمایر (مانند: هُوَ، أَنْتَ، نَحْنُ، كُمْ، نَا و ...)؛

اسم اشاره (مانند: هَذَا، ذَلِكَ، هَؤُلَاءِ و ...)؛

کلمات پرسشی (مانند: كَيْفَ، مَتَى، أَيْنَ، مَنْ، مَا و ...)

فعل ماضی، فعل امر، دو صیغه جمع مؤنث (يَفْعَلْنَ و تَفْعَلْنَ) در فعل مضارع

همه حروف (مانند: مِنْ، عَلَى، إِلَى، بِ، لِ، فِي، عَنْ، كَ، أَل، فَ، ثُمَّ و ...)

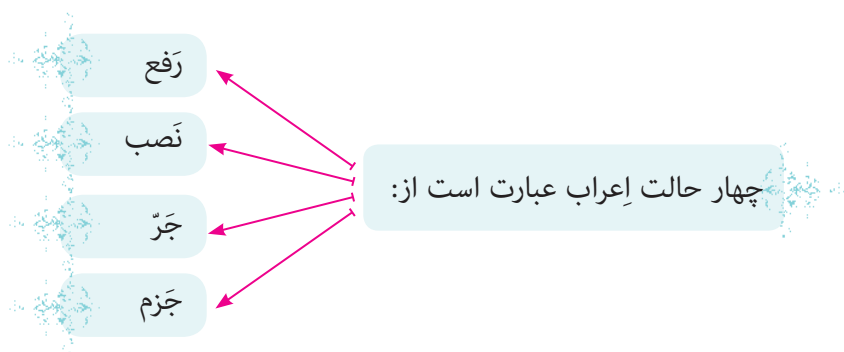
به کلمه «هَذِهِ» دقت کنید که کسرۀ آخر آن در هر نقش و حالتی هیچ تغییری نمی‌کند:

﴿لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ﴾ الْبَقَرَة: ۳۵

﴿إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ﴾ الْأَنْبِيَاء: ۵۲

### اِخْتَبَرِ نَفْسَكَ: عَيْنِ الْكَلِمَاتِ الْمُعْرَبَةِ وَ الْمَبْنِيَّةِ.

هَذِهِ، غُصْنٌ، كَمْ، أَوْلَئِكَ، سَائِحٌ، مَنْ، سَحَابًا، أَخْبَرَ، يُخْبِرُ، يَنْتَظِرُونَ، أَنْتُمْ، مُحَمَّدٌ



اِعراب رفع و علامت آن « ُ ، ٌ ، َ » وَنْ در جمع مذکر، اِنْ در مثنی « است؛

مانند: اَلْكَاتِبُ، كَاتِبٌ، اَلْكَاتِبُونَ، اَلْكَاتِبَانِ

اِعراب نصب و علامت آن « ِ ، ٍ ، ً » يِنْ در جمع مذکر، يِنِ در مثنی « است؛

مانند: اَلْكَاتِبِ، كَاتِبًا، اَلْكَاتِبِينَ، اَلْكَاتِبَيْنِ

اِعراب جرّ و علامت آن « ِ ، ٍ ، ً » يِنْ در جمع مذکر، يِنِ در مثنی « است؛

مانند: اَلْكَاتِبِ، كَاتِبٍ، اَلْكَاتِبِينَ، اَلْكَاتِبَيْنِ

اِعراب جزم و علامت آن « ْ » است؛ مانند لَا تَكْتُبْ، این علامت مخصوص فعل‌های

مضارع و فعل نهی است.

کلمه دارای اِعراب رفع را «مرفوع»؛

دارای اِعراب نصب را «منصوب»؛

دارای اِعراب جر را «مجرور»؛

و دارای اِعراب جزم را «مجزوم» می‌نامند.

اِخْتِزْ نَفْسَكَ: عَيْنِ اِعرابِ اَلْكَلِمَاتِ اَلْمُلَوَّنَةِ اَلْمَرْفُوعَةِ وَ اَلْمَنْصُوبَةِ وَ اَلْمَجْرُورَةِ وَ اَلْمَجْزُومَةِ.

قَرَأَ الطَّالِبُ اَلْمُجِدَّ قَصِيدَةً رَاحَةً. لَا تَكْتُبْ شَيْئًا عَلَى اَلْاَثَارِ اَلتَّارِيخِيَّةِ.



با نقش‌های فاعل، مفعول، مبتدا و خبر آشنا شدید. اکنون با اِعراب این نقش‌ها آشنا شوید.  
 فاعل، مبتدا و خبر، مرفوع اند و مفعول منصوب است (البَّتَّه هنگامی که مُعَرَّب باشند).

﴿وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ﴾ قالوا هذا ما وَعَدَنَا اللَّهُ ﴿الْأَحْزَابُ: ۲۲﴾

فاعل و مرفوع به واو مفعول و منصوب به فتحه فاعل و مرفوع به ضمه

ثَمَرَةُ الْعِلْمِ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ. أمير المؤمنين عليّ عليه السلام

مبتدا و مرفوع به ضمه خبر و مرفوع به ضمه

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: أَعْرِبِ الْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةَ.

- ۱- مُدِيرُ الْمَدْرَسَةِ واقِفٌ أمامَ الاِصْطِفَافِ الصَّبَاحِيِّ.
- ۲- اَللَّوْنُ الْبَنَفْسَجِيُّ لِعُرْفَةِ النَّوْمِ مُهْدِيٌّ الْأَعْصَابِ.
- ۳- لَا يُصَدِّقُ الْعَاقِلُ قَوْلَ الَّذِي يَكْذِبُ كَثِيرًا.
- ۴- الْحَلِيبُ الطَّازِجُ مَمْلُوءٌ بِالْكَالْسِيَوْمِ.
- ۵- أَغْلَقَ الْعُمَالُ بَابَ الْمَصْنَعِ أَمْسٍ.

نکته: در اِعراب اسم‌های مبنی مثل «هَذِهِ» در جمله‌ای مانند «هَذِهِ شَجَرَةٌ رُمَانٍ»  
 بعد از ذکر نقش آن کافی است بگوییم: «هَذِهِ مبتدا و مبنی است.» و وقتی که فعلی  
 (خواه معرب خواه مبنی) دارای نقشی مانند خبر می‌شود، هیچ تغییری نمی‌کند و در  
 ذکر اِعراب آن فقط نقش آنها ذکر می‌شود؛

مثلاً: هُنَّ ذَهَبَنَ. = هُنَّ: مبتدا و مبنی؛ ذَهَبَنَ: خبر و مبنی

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: اذْكُرِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ.

اکنون شما بگویید اِعراب کلمات رنگی چیست؟ ذَلِكَ زَمِيلُكَ. اَعْرِفْهُ جَيِّدًا.

## إِعْرَابُ الصِّفَةِ وَ الْمُضَافِ إِلَيْهِ

با صفت و مضافُ الیه در پایهٔ نهم آشنا شدید. صفت در اِعراب تابع (پیرو) موصوفِ خودش است و اِعراب مضافُ الیه جرّ است (مضافُ الیه مجرور است؛ یعنی دارای علامت -، -، یا ینِ است).

مبتدا، خبر، فاعل و مفعول می‌توانند بعد از خودشان صفت یا مضافُ الیه داشته باشند؛ مثال:

الْـلَّـوْنُ الْأَبْيَضُ ضُ لَ وَنُ الْهُ دُوءٌ.

مبتدا و مرفوع به ضمه صفت و مرفوع به ضمه خبر و مرفوع به ضمه مضافُ الیه و مجرور به کسره

فَحَصَ الطَّبِيبُ أَسْنَنَانِ الْوَلَدِ الصَّغِيرِ.

فعل فاعل و مرفوع مفعول و منصوب مضافُ الیه و مجرور صفت و مجرور

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: عَيْنِ الصِّفَةِ وَ الْمُضَافِ إِلَيْهِ، ثُمَّ اذْكُرْ إِعْرَابَهُمَا.

۱- رَضَا اللَّهُ فِي رِضَا الْوَالِدَيْنِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۲- الْمُؤْمِنُ قَلِيلُ الْكَلَامِ كَثِيرُ الْعَمَلِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۳- سُكُوتُ اللِّسَانِ سَلَامَةٌ الْإِنْسَانِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلِيّاً

۴- يَكْذِبُ الْإِنْسَانُ الضَّعِيفُ وَ يَصْدُقُ الْإِنْسَانُ الْقَوِيُّ.

۵- الطُّلَّابُ الْمُؤَدَّبُونَ مُحْتَرَمُونَ عِنْدَ الْمُعَلِّمِينَ.

۶- الشَّعْبُ الْعَالِمُ شَعْبٌ نَاجِحٌ.



■ در گروه‌های دو نفره شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

### جواراتٌ (في الصيدليّة)

الصّيدليّ	الحاجّ
أعطني الورقة: محرار، لفافة، حبوبٌ مُسكّنةٌ للصّداغ، حبوبٌ مُهدّئة، كبسول أمبيسيلين، قُطُنٌ طَبْيي، مرهمٌ لِحَساسيّة الجِلد... لا بأس، لكن لا أعطيك أمبيسيلين.	عفوًا، ما عندي وصفة وَأريدُ هذه الأدوية المكتوبة على الورقة.
لا؛ عندنا، ولكن بيعها بدون وصفة غير مسموح.	لماذا، أما عندكم؟
لِمَن تشتري هذه الأدوية؟	شكرًا جزيلاً، يا حضرة الصيدليّ.
الشفاء من الله.	أشترىها لِرُملائي في القافلة.



تمرینات درس را به صورت گروهی در کلاس حل کنید و اشکالات خود را در پایان از دبیرتان بپرسید.

## الْتَّمَارِين

الْتَّمَرِينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الدَّرْسِ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

١- آلَةٌ لِلإِطْلَاعِ عَلَى دَرَجَةِ حَرَارَةِ الْجِسْمِ وَ الْجَوِّ.

٢- يَوْمُ الإِسْتِرَاحَةِ لِلْمُوظَّفِينَ وَالْعَمَّالِ وَالطُّلَّابِ.

٣- مَنَطَقَةٌ بَرِّيَّةٌ بِجَوَارِ الْبَحَارِ وَ الْمُحِيطَاتِ.

٤- إِدَارَةٌ لِتَسْلِيمِ الرِّسَالِ وَ اسْتِلَامِهَا.

٥- نَبَاتٌ يُعْطِي ثَمَرًا أَبْيَضَ اللَّوْنِ.

٦- مَكَانٌ لِبَيْعِ الْأَدْوِيَةِ.

الْتَّمَرِينُ الثَّانِي: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ.

ما جَلَسَتْ ..... لَا يَجْلِسُونَ ..... اجْلِسِي ..... لَا تَجْلِسَا .....

اجْلِسُوا ..... أَجْلَسُوا ..... أَجْلِسُوا ..... جَالَسُوا .....

جالسوا ..... لَا تَجْلِسُ ..... كَانُوا يَجْلِسُونَ ..... سَوْفَ يَجْلِسُ .....

سَاجِلِسُ ..... أَجَالِسُ ..... أَجْلِسُ ..... اجْلِسْ .....

الْتَّمَرِينُ الثَّالِثُ: ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

لَقَافَةٌ / قُبَّةٌ / جِلْدِيٌّ / رَائِعَةٌ / السِّيَاحِيُّ / الرِّيفُ / الْحَلَوِيَّاتُ

١- كَانَ لِصَدِيقِي 'مَرَضٌ ..... فَذَهَبَ إِلَى الْمُسْتَشْفَى.

٢- قَرَأْتُ قَصِيدَةً ..... لِأَمِيرِ الشُّعْرَاءِ أَحْمَدَ شَوْقِي.

٣- جَلَسْنَا تَحْتَ ..... شَاهِ شِرَاقٍ  فِي مَدِينَةِ شِيرَاز.

٤- إِنَّ كُرْدِسْتَانَ مِنْ مَنَاطِقِ الْجَذْبِ ..... فِي إِيرَانَ.

٥- أَلْعَيْشُ فِي ..... جَمِيلٌ جِدًّا.

١- كَانَ لـ : داشت

### التمرين الرابع: صَغْ هَذِهِ الْأَفْعَالَ فِي الْجَدُولِ، ثُمَّ اكْتُبْ مَعْنَاهَا.

سَوْفَ يَتَحَرَّكُ / أَنْشُدْ / لَا نَسْتَرْجِعُ / أَصَابَتْ / تَسْتَلِمِينَ / لَا تُخْبِرُ / مَا اقْتَرَبْنَا / لَا تُرِيدُونَ  
كَانَ يَشْهَدُ / ادْفَعُوا / سَيَسْتَطِيعُ / لَا تَأْكُلُوا / اخْتَرَعْتَنَ / مَا اعْتَدَرْتَا / يَبْتَدِئُ / كَانَتْ تُعَوِّضُ

نوع فعل	عربي	ترجمة فارسي	عربي	ترجمة فارسي
ماضي	.....	.....	.....	.....
ماضي منفي	.....	.....	.....	.....
معادل ماضى استمرارى	.....	.....	.....	.....
مضارع	.....	.....	.....	.....
مضارع منفي	.....	.....	.....	.....
امر	.....	.....	.....	.....
نهى	.....	.....	.....	.....
مستقبل	.....	.....	.....	.....

### التمرين الخامس: صَغْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.

- رَأَيْنَا ..... مِنْ أَمْرِيكَا الْوُسْطَى فِي الْمُتَحَفِ. سَائِحَانِ    سَائِحِينَ
- سَاعَدَتِ ..... الْمَرْأَةُ الَّتِي تَصَادَمَتْ بِالسَّيَّارَةِ. الْمُمَرِّضَتَانِ    الْمُمَرِّضَتَيْنِ
- حُزْنٌ ..... فِي قُلُوبِهِمْ لَا فِي وُجُوهِهِمْ. الْمُؤْمِنُونَ    الْمُؤْمِنِينَ
- ..... وَقَفَا فِي بَدَايَةِ السَّاحَةِ الْأُولَى. الشَّرْطِيَّانِ    الشَّرْطِيَّانِ
- ..... حَاضِرُونَ فِي مِهْرَجَانِ الْمَدْرَسَةِ. الْمُعَلِّمُونَ    الْمُعَلِّمِينَ
- نَزَلَ ..... مِنْ طَائِرَاتِهِمُ الْحَرْبِيَّةِ. الطَّيَّارُونَ    الطَّيَّارِينَ

## التمرين السادس: ضع كل اسم في مكانه المناسب.

بطاقتان / مفرحة / شواطئ / غصنان / خائفات / مواطنون / صيدلية / بهائم  
بطّتين / مكرمين / عمودين / بائعات

مفرد مؤنث	مثنى مذكر	مثنى مؤنث	جمع مذكر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مكسر

## التمرين السابع: عيّن الجواب الصحيح؛ ثم ترجمه.

- 1- جمع مذكر مخاطب از يتعارف: تتعارفون ☐ يتعارفون ☐ تتعارفون ☐
- 2- جمع مؤنث مخاطب از يشهد: تشهدن ☐ تشهدن ☐ يشهدن ☐
- 3- مفرد مذكر غائب از ابتعدت: ابتعدت ☐ ابتعدت ☐ ابتعدت ☐
- 4- جمع مذكر غائب از جذب: جذبوا ☐ جذبوا ☐ جذبوا ☐
- 5- مثنى مذكر از أحرس: أحرسا ☐ أحرسا ☐ أحرسا ☐
- 6- متكلم وحده از درس: درست ☐ درست ☐ درست ☐

## التمرين الثامن: عيّن الكلمة المعربة.

- 1- يجذبَن ☐ تحصن ☐ تحول ☐ اشهد ☐
- 2- هربت ☐ نقص ☐ نفعا ☐ تقرب ☐
- 3- هي ☐ أنت ☐ كما ☐ صحيفة ☐
- 4- بريد ☐ أولئك ☐ تلك ☐ هذه ☐
- 5- هل ☐ فستق ☐ أين ☐ متى ☐
- 6- على ☐ جرح ☐ ثم ☐ من ☐

التَّمْرِينُ التَّاسِعُ: تَرَجِّمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ ثُمَّ أَعْرِبِ الْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةَ؟

١- ﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ﴾ الْمَأْمُودَةُ: ٩٧

٢- ﴿هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ﴾ الرَّحْمَنُ: ٦٠

٣- خَيْرُ النَّاسِ مَنْ نَفَعَ النَّاسَ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٤- أَلَدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَيَوْمٌ عَلَيْكَ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٥- جَمَالُ الْعِلْمِ كَشْرُهُ وَثَمَرَتُهُ الْعَمَلُ بِهِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٦- اسْتَخْرَجَ الْفَلَاحُونَ مَاءً مِنْ بئرِ الْقَرْيَةِ.

٧- أَلْعَقْلُ السَّلِيمُ فِي الْجِسْمِ السَّلِيمِ.

أَلْبَحَثُ الْعِلْمِيُّ

تَعَرَّفَ عَلَى مَنَاطِقِ الْجَذِبِ السِّيَاحِيِّ وَ الْأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ فِي مَنَاطِقِكُمْ وَ اكْتُبْ نَصًّا حَوْلَهَا،  
مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمِ فَارِسِيٍّ - عَرَبِيٍّ.



## الدَّرْسُ السَّابِعُ



هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا

هود: ٦١

به كتاب گویا گوش کنید؛ سپس در یک کار گروهی متن زیر را ترجمه کنید. در پایان اشکالات خود را از دبیرتان بپرسید.

## صِنَاعَةُ النَّفْطِ

كَيْفَ نَحْصُلُ عَلَى النَّفْطِ؟

يَسْتَخْرِجُ الْإِنْسَانُ النَّفْطَ مِنْ بَاطِنِ الْأَرْضِ؛ وَ هَذَا الْإِسْتِخْرَاجُ فِي بَعْضِ الْأَوْقَاتِ يَسْتَعْرِقُ وَقْتًا طَوِيلًا، لِأَنَّ الْحَفَرَ يَكُونُ فِي طَبَقَاتِ الصُّخُورِ.

فِي إِيرَانَ ثَرَوَاتٌ كَثِيرَةٌ فِي بَاطِنِ الْأَرْضِ؛ بِلَادُنَا غَنِيَّةٌ بِالنَّفْطِ وَ الْغَازِ وَ هِيَ تُصَدَّرُ قِسْمًا مِنْهُمَا إِلَى الْبُلْدَانِ الصَّنَاعِيَّةِ. عَرَفَ الْإِنْسَانُ النَّفْطَ مِنْ قَدِيمِ الزَّمَانِ وَ كَانَ يَجْمَعُهُ مِنْ سَطْحِ الْأَرْضِ وَ يَسْتَفِيدُ مِنْهُ كَوَقُودٍ وَ لِمُعَالَجَةِ الْأَمْرَاضِ الْجِلْدِيَّةِ. يَحْفَرُ الْعُمَالُ بُئْرًا وَ يَضَعُونَ أَنْبُوبًا فِيهَا. يَصْعَدُ النَّفْطُ بِوَاسِطَةِ الْأَنْبُوبِ. يُفْتَحُ وَ يُغْلَقُ الْأَنْبُوبُ بِمِفْتَاحٍ.

نَقَلَ النَّفْطَ عَبْرَ الْأَنْبَابِ أَقْلَ خَطَرًا وَ نَفَقَةً مِنْ نَقْلِهِ بِنَاقِلَاتِ النَّفْطِ؛ وَ لِتَسْهِيلِ نَقْلِ النَّفْطِ بِوَاسِطَةِ الْأَنْبَابِ عَبْرَ الْمُنْحَدَرَاتِ تُسْتَخْدَمُ آلَاتٌ لِتَقْلِيلِ الضَّغْطِ حَتَّى تَبْقَى الْأَنْبَابُ سَالِمَةً.

لِإِيرَانَ تَجَارِبُ كَثِيرَةٌ فِي صِنَاعَةِ نَقْلِ النَّفْطِ عَبْرَ الْأَنْبَابِ وَ هِيَ مِنْ أَكْبَرِ الدُّوَلِ الْمُصَدِّرَةِ لِلنَّفْطِ وَ أَنْجَحَهَا فِي مَدِّ خُطُوطِ





الأنابيب وَ صيانتِها مِنْ أَمَاكِنِ الْإِنْتَاكِ إِلَى أَمَاكِنِ الْإِسْتِهْلَاكِ.

عَلَى امْتِدَادِ الْأَنْبَابِ تَوْجَدُ أَعْمَدُهُ اتِّصَالَاتُ كَمَحَطَاتِ إِنْذَارٍ، وَ لَوَحَاتُ تَحْذِيرِيَّةٍ  
بِالْوَنِ الْأَصْفَرِ تُحَذِّرُ الْمُوَاطِنِينَ مِنْ حَفْرِ الْأَرْضِ لِبِنَاءِ عِمَارَةٍ أَوْ لِلزَّرَاعَةِ؛ وَ تَجِبُ  
عَلَى كُلِّ مُوَاطِنٍ صِيَانَتُهُ هَذِهِ الْأَنْبَابِ وَ الْإِتِّصَالُ بِالشَّرَكَةِ عِنْدَ مُشَاهَدَةِ الْخَطْرِ.  
نَحْصُلُ مِنَ النَّفْطِ عَلَى مُسْتَقَاتٍ كَثِيرَةٍ كَالْبَنْزِينِ وَ الزُّيُوتِ؛ وَ لِلنَّفْطِ اسْتِعْمَالٌ  
آخَرٌ فِي الصَّنَاعَةِ، فَيُصْنَعُ مِنْهُ الْمَطَاطُ وَ الْعُطُورُ وَ الْأَدْوِيَّةُ  
وَ مُبِيدَاتُ الْحَشَرَاتِ، وَ مَوَادُّ التَّجْمِيلِ وَ مَعْجُونُ

الْأَسْنَانِ وَ السَّمَادُ الْكِيمْيَاوِيُّ وَ غَيْرُهَا.

كَيْفَ يُنْقَلُ النَّفْطُ وَ إِلَى أَيْنَ؟ يُنْقَلُ النَّفْطُ  
مِنَ الْآبَارِ أَوْ الْمَوَائِي إِلَى الْمَصَافِي  
عَبْرَ الْأَنْبَابِ.

ثُمَّ تَنْقَلُ التَّاقِلَاتُ مُسْتَقَاتِ النَّفْطِ مِنَ  
الْمَصَافِي إِلَى مَحَطَاتِ الْوَقُودِ فِي الْبِلَادِ.



به کتاب گویا گوش کنید و کلمات جدید متن را در کلاس با هم تکرار کنید.

مُصَدَّرَةٌ : صادرکننده	تَجِبُ، يَجِبُ : واجب است، باید	آبار : چاه‌ها «مفرد: بئر»
مَطَّاط : پلاستیک، کائوچو	تَحْذِيرِيَّةٌ : هشدارآمیز	اتِّصَالَاتٌ : مخابرات
مُنَحَّرٌ : سرازیری	سَمَاد : کود	اسْتَعْمَرَ : خواستار آباد کردن شد
مَوَادُّ التَّجْمِيلِ : مواد آرایشی	صَدَّرَ : صادر کرد	اسْتَغْرَقَ وَقْتًا طَوِيلًا : وقتی
مَوَانِي : بندرها «مفرد: میناء»	صُخُور : صخره‌ها	طولانی گرفت
نَاقِلَاتُ النَّفْطِ : نفتکش‌ها	صَيَانَةٌ : نگهداری، تعمیر	اسْتِهْلَاكٌ : مصرف
وَقُودٌ : سوخت (مواد سوختی)	غاز : گاز	أَقْلُ خَطَرًا : کم‌خطرتر، کم‌خطرترین
يُفْتَحُ : باز می‌شود	مُبِيدَةُ الْحَشَرَاتِ : حشره‌کش	أَنْجَحَ : موفق‌تر، موفق‌ترین
يُغْلَقُ : بسته می‌شود	مَحْطَّةٌ : ایستگاه	إنذار : هشدار
يُنْقَلُ : منتقل می‌شود	مَدُّ خُطُوطِ الْأَنْابِيْبِ : کشیدن	أَنْشَأَ : آفرید
	خطوط لوله	بُلْدَانٌ : کشورها «مفرد: بَلَدٌ»
	مَصَافِي : پالایشگاه‌ها «مفرد: مَصْفَى»	بِنَاءٌ : ساختن، ساختمان

× ✓

### عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَأَ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- لِبِلَادِنَا تَجَارِبُ كَثِيرَةٌ فِي صِنَاعَةِ نَقْلِ النَّفْطِ عَبْرَ الْأَنْابِيْبِ.
- ۲- يَسْتَفِيدُ الْإِنْسَانُ مِنَ النَّفْطِ فِي صِنَاعَةِ مَوَادِّ التَّجْمِيلِ.
- ۳- عَلَى امْتِدَادِ الْأَنْابِيْبِ لَا تَوْجَدُ أَعْمِدَةُ الْكَهْرَبَاءِ.
- ۴- يُنْقَلُ النَّفْطُ مِنَ الْبَيْرِ إِلَى مِينَاءِ التَّصْدِيرِ.
- ۵- نَقْلُ النَّفْطِ عَبْرَ الْأَنْابِيْبِ أَكْثَرُ خَطَرًا.

## اعلموا

### الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ

در زبان فارسی برای مجهول کردن فعل از فعل کمکی «شد» استفاده می‌شود؛ مثال:

زده شد    می‌زند: زده می‌شود    دید: دیده شد    می‌بیند: دیده می‌شود

در جمله دارای فعل معلوم، فاعل معلوم است؛ ولی در جمله دارای فعل مجهول، فاعل ناشناس می‌باشد؛ یعنی حذف شده است.

در جمله «هاشم در را باز کرد.» می‌دانیم فاعل هاشم است؛

ولی در جمله «در باز شد.» فاعل نامشخص است.

اکنون با فعل مجهول در دستور زبان عربی آشنا شویم.

(عَسَلَ: شست    ⇐    غَسَلَ: شسته شد    /    خَلَقَ: آفرید    ⇐    خُلِقَ: آفریده شد)

(يَغْسِلُ: می‌شوید    ⇐    يُغْسَلُ: شسته می‌شود    /    يَخْلُقُ: می‌آفریند    ⇐    يُخْلَقُ: آفریده می‌شود)

در دستور زبان عربی هنگام مجهول شدن فعل حرکت‌های آن تغییر می‌کند.

كَتَبَ: نوشت	كَتَبَ: نوشته شد	يَكْتُبُ: می‌نویسد	يَكْتُبُ: نوشته می‌شود
ضَرَبَ: زد	ضَرَبَ: زده شد	يَضْرِبُ: می‌زند	يَضْرِبُ: زده می‌شود
عَرَفَ: شناساند	عَرَفَ: شناسانده شد	يُعْرِفُ: می‌شناساند	يُعْرِفُ: شناسانده می‌شود
أَنْزَلَ: نازل کرد	أَنْزَلَ: نازل شد	يُنْزِلُ: نازل می‌کند	يُنْزِلُ: نازل می‌شود
اسْتَحْدَمَ: به کار گرفت	اسْتَحْدَمَ: به کار گرفته شد	يَسْتَحْدِمُ: به کار می‌گیرد	يَسْتَحْدِمُ: به کار گرفته می‌شود

فرق فعل معلوم و فعل مجهول را در مثال‌های بالا ببینید.

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ الشَّرِيفَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْفِعْلَ الْمَجْهُولَ، وَ اذْكُرْ صِيغَتَهُ.

۱- ﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ الْأَعْرَافُ: ٢٠٤

۲- ﴿وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئاً وَهُمْ يُخْلَقُونَ﴾ النَّحْلُ: ٢٠

۳- ﴿فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئاً﴾ مَرْيَمُ: ٦٠

۴- ﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ﴾ الْغَاشِيَةِ: ١٧

۵- ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ﴾ الْبَقَرَةُ: ١٨٣

۶- ﴿خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفاً﴾ النَّسَاءُ: ۲۸

بعد از فعل مجهول «نایب فاعل» می آید. نایب فاعل مانند فاعل مرفوع است؛ مثال:

﴿... سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ﴾ الرَّحْخُفُ: ۱۹

نایب فاعل و مرفوع

﴿يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ﴾ الرَّحْمَنُ: ۵۵

نایب فاعل و مرفوع به واو

﴿يُصْنَعُ الْكُرْسِيُّ فِي الْمَصْنَعِ﴾

نایب فاعل و مرفوع

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ الْكَرِيمَةَ ثُمَّ أَعْرِبِ الْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةَ.

١- ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾ الْبَقَرَةُ: ١٨٥

٢- ﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ﴾ الْأَعْرَاف: ٢٠٤

٣- ﴿وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ﴾ الْحَدِيد: ٥

٤- تُعْرِفُ الْأَشْيَاءَ بِأَضْدَادِهَا.

٥- أَغْلَقَ السَّائِقُ بَابَ حَافِلَةِ الْمَدْرَسَةِ.

٦- طَبَخَتْ وَالِدَةُ سَعِيدٍ طَعَاماً لَذِيذاً.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْجُمْلَ ثُمَّ عَيِّنِ الْفَاعِلَ وَ نَائِبَ الْفَاعِلِ وَ اذْكُرْ إِعْرَابَهُمَا.

١- يُعْرِفُ الصَّدِيقُ عِنْدَ الْمَشَاكِلِ الْكَثِيرَةِ.

٢- وَجَدَ الْفَلَّاحُ أَعْشَاباً طَبِيَّةً عَلَى الْجَبَلِ.

٣- يُحْصَدُ الْقَمْحُ فِي فَصْلِ الصَّيْفِ غَالِباً.

٤- نَجَحَ الطُّلَّابُ فِي امْتِحَانِ الْكِيمِيَاءِ.

٥- رَسَمَ التَّلْمِيذُ صُورَةَ فَصْلِ الرَّبِيعِ.

٦- قُتِلَ الْأَعْدَاءُ فِي سَاحَةِ الْحَرْبِ.

## أنواع الفاعلِ وَ نَائِبِ الفاعِلِ



هرگاه بعد از فعل، فاعل یا نائب فاعل به صورت یک کلمه مستقل آمد، «اسم ظاهر» نامیده می شود؛ مثال:

﴿قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا﴾ الطَّلَاق: ۱۰

﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾ الْبَقَرَة: ۱۸۵

ضمیر بارز معادل شناسه در زبان فارسی است که به فعل های ماضی، مضارع، امر و نهی متصل می باشد؛ مثال:

﴿يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ﴾ النَّصْر: ۲

﴿يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ﴾ التَّوْبَة: ۱۱۱

ضمیر مستتر همان گونه که از نامش پیداست، پنهان است؛ وجود فاعل و نائب فاعل در این نوع نیاز نیست و بدون آنها معنای جمله واضح است؛ مثلاً در حدیث زیر:

الْكَلامُ كَالدَّوَاءِ. قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَ كَثِيرُهُ قَاتِلٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

فاعل فعل «يَنْفَعُ» مستتر است و نیازی به ذکر آن در جمله نیست.

و در آیه ﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ﴾ الْبَقَرَة: ۱۵۴

نائب فاعل فعل مجهول «يُقْتَلُ» مستتر است و نیازی به ذکر آن در جمله نیست.

صيغه های مفرد مذکر مانند «ذَهَبَ، ذَهَبْتُ» و «يَذْهَبُ، تَذْهَبُ» فاعل به هر دو صورت اسم ظاهر یا ضمیر مستتر می تواند بیاید؛ مثال:

نَجَحَ كَاطِـمٌ فِي الْمُسَابَقَةِ؛ إِنَّهُ أَخَذَ جَائِزَةً ذَهَبِيَّةً.

فعل

فاعل

فعل

(فاعل آن ضمیر مستتر است و به وجود آن نیازی نیست.)

(اسم ظاهر)

در فعل‌هایی مانند «اِذْهَبْ، تَذْهَبْ (صيغه مفرد مذکر مخاطب)، اَذْهَبْ و نَذْهَبْ نیازی به فاعل از نوع اسم ظاهر یا ضمیر بارز نیست؛ مثال:

اِذْهَبْ إِلَى صَفِّكَ. / أَ تَذْهَبْ وَحْدَكَ؟ / اَذْهَبْ مَعَ زُمَلَائِي. / نَذْهَبْ بِسُرْعَةٍ.

ضمیر «أنت» در جمله‌ای مانند «اِذْهَبْ أَنْتَ إِلَى صَفِّكَ» فاعل نیست و برای تأکید آمده است.

ضمایر فعل‌های جدول زیر سه گونه‌اند: ضمایر **قرمز رنگ** ضمایر بارز نام دارند و ضمایر فعل‌های **سبز رنگ** همیشه مستترند و فعل‌های **طلایی رنگ** گاهی ضمیر مستتر دارند.

ماضی	مضارع	امر
ذَهَبْتُ	أَذْهَبُ	—
ذَهَبْتَ	تَذْهَبُ	اِذْهَبْ
ذَهَبْتِ	تَذْهَبِينَ	اِذْهَبِي
ذَهَبَ	يَذْهَبُ	—
ذَهَبْتُ	تَذْهَبُ	—
ذَهَبْنَا	نَذْهَبُ	—
ذَهَبْتُمْ	تَذْهَبُونَ	اِذْهَبُوا
ذَهَبْتُنَّ	تَذْهَبْنَ	اِذْهَبْنَ
ذَهَبْتُمَا	تَذْهَبَانِ	اِذْهَبَا
ذَهَبُوا	يَذْهَبُونَ	—
ذَهَبْنَ	يَذْهَبْنَ	—
ذَهَبَا	يَذْهَبَانِ	—
ذَهَبَتَا	تَذْهَبَانِ	—

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْجُمْلَ التَّالِيَةَ ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَ الْفَاعِلِ وَ نَائِبِ الْفَاعِلِ.

۱- تَعَوَّضَ قَلْبُهُ فَيْتَامِينَ سَيِّئًا بِتَنَاوُلِ عَصِيرِ اللَّيْمُونِ.

۲- شَعَرَ بِالتَّعَبِ عِنْدَ النَّظَرِ إِلَى النُّورِ الْأَحْمَرِ.

۳- الصَّدِيقُ الْحَقِيقِيُّ يُعْرِفُ عِنْدَ الصَّعَابِ.

۴- رَأَيْتُ الطَّيَّارَ وَاقِفًا جَنْبَ الطَّائِرَةِ.

۵- شَرَبْنَا حَلِيبًا طَارِجًا فِي الْقَرْيَةِ.

۶- الْأَطْفَالُ لَا يُتْرَكُونَ وَحْدَهُمْ.

## فُنُ التَّرْجَمَةِ

در کتاب پایۀ نهم با ترجمۀ ترکیب‌های مانند «فَرِيقُنَا الْفَائِزُ» و «مَزْرَعَتُنَا الْكَبِيرَةُ» آشنا شدید.

شَجَّعْنَا **فَرِيقَنَا الْفَائِزَ** اَمْسَ: دیروز **تیم برنده‌مان** را تشویق کردیم.

مضاف و مضاف‌الیه

صفتِ فَرِيق

أَشْتَغَلُ فِي **مَزْرَعَتِنَا الْكَبِيرَةِ** كُلِّ يَوْمٍ: هر روز در **کشتزار بزرگمان** کار می‌کنم.

مضاف و مضاف‌الیه

صفتِ مزرعة

اکنون با ترکیب‌های مانند «فَرِيقُ الْمَدْرَسَةِ الْفَائِزُ: تیم برندهٔ مدرسه»

و «مَزْرَعَةُ جَارِنَا الْكَبِيرَةُ: مزرعهٔ بزرگ همسایه‌مان» آشنا شوید.





فَرِيقُ الْمَدْرَسَةِ الْفَائِزُ: تیم برنده مدرسه  
مضاف مضاف‌الیه صفت

مَزْرَعَةُ الْجَارِ الْكَبِيرَةِ: کشتزارِ بزرگِ همسایه  
مضاف مضاف‌الیه صفت

حَقِيبَةُ سَعِيدٍ الْجَمِيلَةِ: کیفِ زیبای سعید  
مضاف مضاف‌الیه صفت

فَرِيقُ الْمَدْرَسَةِ الْفَائِزُ: تیم مدرسه، برنده است.  
مبتدا مضاف‌الیه خبر

مَزْرَعَةُ الْجَارِ الْكَبِيرَةِ: کشتزارِ همسایه، بزرگ است.  
مبتدا مضاف‌الیه خبر

حَقِيبَةُ سَعِيدٍ الْجَمِيلَةِ: کیفِ سعید، زیباست.  
مبتدا مضاف‌الیه خبر

فرق نوشته‌های بالا را بیابید و توضیح دهید.

اخْتَرِ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَوْصُوفَ وَ الصِّفَّةَ وَ الْمُضَافَ وَ الْمُضَافَ إِلَيْهِ.

۱- ﴿وَمَا تَجْزُونَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ أُولَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ  
مَعْلُومٌ﴾ الْأَصْفَاتُ: ۴۱-۳۹

۲- ﴿فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ﴾ الْوَاقِعَةُ: ۹

۳- ﴿إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ﴾ يُونُسُ: ۲۴

۴- السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.

۵- سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ.

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

### جَوَارَاتُ (مَعَ مَسْؤُولِ اسْتِقْبَالِ الْفُنْدُقِ)

السَّائِحُ	مَسْؤُولُ الْإِسْتِقْبَالِ
رَجَاءُ؛ أَعْطِنِي مِفْتَاحَ عُرْفَتِي.	ما هُوَ رَقْمُ عُرْفَتِكَ؟
مِثْنَانِ وَ عِشْرُونَ.	تَفَضَّلْ.
عَفْوًا، لَيْسَ هَذَا مِفْتَاحَ عُرْفَتِي.	أَعْتَذِرُ مِنْكَ؛ أَعْطَيْتُكَ ثَلَاثِمِئَةً وَ ثَلَاثِينَ.
لَا بَأْسَ، يَا حَبِيبِي. مَا هِيَ سَاعَةُ دَوَامِكَ؟	مِنَ السَّادِسَةِ صَبَاحًا إِلَى الثَّانِيَةِ بَعْدَ الظُّهْرِ؛ ثُمَّ يَأْتِي زَمِيلِي بَعْدِي.
مَتَى مَوَاعِدُ الْفُطُورِ وَ الْغَدَاءِ وَ الْعِشَاءِ؟	الْفُطُورُ مِنَ السَّابِعَةِ وَ النِّصْفِ حَتَّى التَّاسِعَةِ إِلَّا رُبْعًا؛ الْغَدَاءُ مِنَ الثَّانِيَةِ عَشْرَةَ حَتَّى الثَّانِيَةِ وَ الرُّبْعِ؛ الْعِشَاءُ مِنَ السَّابِعَةِ حَتَّى التَّاسِعَةِ إِلَّا رُبْعًا.
وَ مَا هُوَ طَعَامُ الْفُطُورِ؟	شَايَ وَ خُبْزٌ وَ جُبْنَةٌ وَ زُبْدَةٌ وَ حَلِيبٌ وَ مَرْبَى الْمِشْمِشِ.
وَ مَا هُوَ طَعَامُ الْغَدَاءِ؟	رُزٌّ مَعَ دَجَاجٍ.
وَ مَا هُوَ طَعَامُ الْعِشَاءِ؟	رُزٌّ مَعَ مَرَقٍ بَاذِنَجَانٍ.
أَشْكُرُكَ.	لَا شُكْرَ عَلَى الْوَاجِبِ.



تمرینات درس را به صورت گروهی در کلاس حل کنید و اشکالات خود را در پایان از دبیرتان پرسید.

## التمرین

الْتَمَرِينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِّنْ كَلِمَاتِ الْمُعْجَمِ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

- ۱- مَكَانٌ عَلَى سَاحِلِ الْبَحْرِ تُشَاهَدُ السُّفُنُ إِلَى جَنْبِهَا. ....
- ۲- حُفْرَةٌ يُسْتَخْرَجُ الْمَاءُ أَوِ النَّفْطُ مِنْهَا. ....
- ۳- مَادَّةٌ كَالْبَنْزِينِ وَ النَّفْطِ وَ الْغَازِ. ....
- ۴- الْإِسْتِعْمَالُ وَ الْإِسْتِفَادَةُ. ....
- ۵- الْحِفَافُ عَلَى الْأَشْيَاءِ. ....

الْتَمَرِينُ الثَّانِي: تَرَجِّمْ هَذِهِ الْأَفْعَالَ.

تَنْصُرُونَ .....	تُنْصَرُونَ .....	فَتَحَ .....	فُتِحَ .....
يُشَاهِدُونَ .....	يُشَاهَدُونَ .....	يُخْرِجُ .....	يُخْرَجُ .....
يُصَدِّرُ .....	يُصَدَّرُ .....	اِسْتَحْدَمَ .....	اُسْتُحْدِمَ .....

الْتَمَرِينُ الثَّالِثُ: ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِّنْ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «ثَلَاثُ كَلِمَاتٍ زَائِدَةٌ»

- ۱- وَقَفَتِ الْحَافِلَةُ فِي ..... حَتَّى يَذْهَبَ الْمُسَافِرُونَ إِلَى دَوَارِ الْمِيَاهِ.  
اِسْتِهْلَاكِ / سَمَادٍ / سَائِلٍ / تَنْقُلُ / تَسْتَغْرِقُ / سُفُنُ / الْمَحَطَّةِ
- ۲- كَمَ سَاعَةً ..... السَّفَرَةُ مِنْ مَكَّةَ إِلَى الْمَدِينَةِ الْمُنَوَّرَةِ؟
- ۳- السَّيَّارَةُ ..... أَخْشَابًا مِنَ الْغَابَةِ إِلَى مَصْنَعِ الْوَرَقِ.
- ۴- صُنِعَ جِهَازٌ لِتَقْلِيلِ ..... الْكَهْرَبَاءِ فِي الْحَاسُوبِ.
- ۵- النَّفْطُ ..... أَسْوَدُ تُصْنَعُ أَشْيَاءٌ كَثِيرَةٌ مِنْهُ.

## الْتَمَرِينُ الرَّابِعُ: صَعِّ هَذِهِ الْأَفْعَالَ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ، ثُمَّ تَرْجِمُهَا.

سَوْفَ يَسْتَغْرِقُ / أَخْرَجَ / لَا يَحْصُلُونَ / عَوَّضَ / تُحَوَّلِينَ / لَا تُغْلِقُ / مَا لَبِثْنَا / لَا نَتَخَرَّجُ  
كَانَا يُنْقَلَانِ / حَرَّكَ / سَيُغْلِقُ / لَا تَتَعَجَّبُوا / صَيَّرَتْ / مَا لَعِقَ / يَتَصَادَمُ / كَانَتْ تُصَدِّقَانِ

.....	.....	عربي	ماضي
.....	.....	ترجمه فارسی	
.....	.....	عربي	ماضي منفى
.....	.....	ترجمه فارسی	
.....	.....	عربي	معادل ماضى استمرارى
.....	.....	ترجمه فارسی	
.....	.....	عربي	مضارع
.....	.....	ترجمه فارسی	
.....	.....	عربي	مضارع منفى
.....	.....	ترجمه فارسی	
.....	.....	عربي	امر
.....	.....	ترجمه فارسی	
.....	.....	عربي	نهی
.....	.....	ترجمه فارسی	
.....	.....	عربي	مستقبل
.....	.....	ترجمه فارسی	

### التمرين الخامس: صُغ في الفراغ فعلاً مناسباً.

- ١- اللُّوحَاتُ التَّحْذِيرِيَّةُ ..... الْمَوَاتِينِ مِنْ حَفْرِ الْأَرْضِ. ☐ يُحَذِّرُ ☐ تُحَذِّرُ
- ٢- ..... صَدِيقِي صُورَةً خَلَابَةً عَلَى جِدَارِ الْمَدْرَسَةِ. ☐ يَرَسُمُ ☐ يُرَسِّمُ
- ٣- ..... صَوْتُ قَوِيٍّ مِنْ بَعِيدٍ، فَخَافَ الْجَمِيعُ. ☐ سَمِعَ ☐ سَمِعَ
- ٤- ..... النَّفْطُ عَبَرَ النَّاقِلَاتِ إِلَى الْمَصَافِي. ☐ يَنْقُلُ ☐ يُنْقَلُ
- ٥- ..... الطَّبَّاخُ طَعَاماً طَيِّباً فِي الْمَطْعَمِ. ☐ يَطْبُخُ ☐ يُطْبَخُ
- ٦- ..... حَلَوِيَّاتٌ لَذِيذَةٌ فِي مَدِينَةِ يَزْدَ. ☐ تُصْنَعُ ☐ يَصْنَعُ

### التمرين السادس: اُكْتُبْ مُفْرَدَ الْأَسْمَاءِ التَّالِيَةِ، مُسْتَعِيناً بِمُعْجَمِ الدَّرْسِ.

- آبار: ..... مَوَانِي: ..... أَدْوِيَّة: ..... دُول: .....
- صُخُور: ..... سُفُن: ..... خُطُوط: ..... أَنْيَاب: .....
- مَصَافِي: ..... مَوَادِّ: ..... مَوَاعِد: ..... بُلْدَان: .....

### التمرين السابع: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْأُخْرَى فِي الْمَعْنَى مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ؟

- |                                       |                                    |                                    |                                    |
|---------------------------------------|------------------------------------|------------------------------------|------------------------------------|
| <input type="checkbox"/> ١- وَقُود    | <input type="checkbox"/> غَاز      | <input type="checkbox"/> نَفْط     | <input type="checkbox"/> حَرْب     |
| <input type="checkbox"/> ٢- نَاقِلَةٌ | <input type="checkbox"/> ثَامِنَةٌ | <input type="checkbox"/> طَائِرَةٌ | <input type="checkbox"/> حَافِلَةٌ |
| <input type="checkbox"/> ٣- سَمَاد    | <input type="checkbox"/> مَحْطَّة  | <input type="checkbox"/> سَاحَةٌ   | <input type="checkbox"/> مَطَار    |
| <input type="checkbox"/> ٤- رُبْدَةٌ  | <input type="checkbox"/> جُبْنَةٌ  | <input type="checkbox"/> تَقَاعُد  | <input type="checkbox"/> حَلِيب    |
| <input type="checkbox"/> ٥- دَجَاجَةٌ | <input type="checkbox"/> حَمَامَةٌ | <input type="checkbox"/> بَوْمَةٌ  | <input type="checkbox"/> نَفَقَةٌ  |
| <input type="checkbox"/> ٦- أَحْمَر   | <input type="checkbox"/> أَحْسَن   | <input type="checkbox"/> أَرْزَق   | <input type="checkbox"/> أَصْفَر   |

### الْتَمْرِينُ الثَّامِنُ: عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

- |  |  |  |
|--|--|--|
| <input type="checkbox"/> عَرِقَ        | <input type="checkbox"/> غَرِقَ          | <input type="checkbox"/> ۱- الْمَاضِي مِنْ «يَسْتَغْرِقُ»: اِسْتَغْرَقَ  |
| <input type="checkbox"/> يُصَدِّرُ     | <input type="checkbox"/> يُصَادِرُ       | <input type="checkbox"/> ۲- الْمَضَارِعُ مِنْ «صَدَرَ»: يُصَدِّرُ        |
| <input type="checkbox"/> اِنْغِلَاقَ   | <input type="checkbox"/> اِغْلَاقَ       | <input type="checkbox"/> ۳- الْمَصْدَرُ مِنْ «أَغْلَقَ»: تَغْلِيْقَ      |
| <input type="checkbox"/> اِعْلَمُوا    | <input type="checkbox"/> اَعْلَمُوا      | <input type="checkbox"/> ۴- الْأَمْرُ مِنْ «تُعَلِّمُونَ»: عَلِّمُوا     |
| <input type="checkbox"/> لَا تُنْزِلِي | <input type="checkbox"/> لَا تُنْزِلِينَ | <input type="checkbox"/> ۵- اَلنَّهْيُ مِنْ «تُنْزِلِينَ»: لَا تُنْزِلِي |
| <input type="checkbox"/> يُلَاحِظُ     | <input type="checkbox"/> يُضْرَبُ        | <input type="checkbox"/> ۶- اَلْفِعْلُ الْمَجْهُولُ: يُشْرَفُ            |

### الْتَمْرِينُ التَّاسِعُ: اُكْتُبِ مَعْنَى الْأَفْعَالِ التَّالِيَةِ.

- |                            |                    |                    |
|----------------------------|--------------------|--------------------|
| ۱- يَبْعَثُ: مِى فَرَسْتَد | أُبْعَثُ: .....    | يُبْعَثُونَ: ..... |
| ۲- يَقْطَعُ: مِى بُرْد     | قُطِعَ: .....      | يُقْطَعُ: .....    |
| ۳- أَجْلَسَ: نَشَانْد      | أُجْلِسَ: .....    | يُجْلَسُ: .....    |
| ۴- قَتَلَ: كُشْت           | قُتِلَتْ: .....    | يُقْتَلُ: .....    |
| ۵- عَلَّمَ: يَاد دَاد      | عَلِّمُوا: .....   | يَعَلَّمُ: .....   |
| ۶- أَنْقَذَ: نَجَات دَاد   | يُنْقَذُونَ: ..... | أُنْقَذُوا: .....  |



## الْتَمَرِينُ الْعَاشِرُ: اِنْتِخِبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

- |                                       |  |                                      |                     |
|---------------------------------------|--|--------------------------------------|---------------------|
| <input type="checkbox"/> حَرَّكْتُمَا | <input type="checkbox"/> حَرَّكْتُنَّ  | <input type="checkbox"/> حَرَّكْتُم  | ١- جمع مؤنث مخاطب:  |
| <input type="checkbox"/> أَحْصَلَا    | <input type="checkbox"/> أَحْصَلْنَ    | <input type="checkbox"/> أَحْصَلُوا  | ٢- جمع مذكر مخاطب:  |
| <input type="checkbox"/> يَحْتَرِمُ   | <input type="checkbox"/> تَحْتَرِمِينَ | <input type="checkbox"/> تَحْتَرِمُ  | ٣- مفرد مذكر مخاطب: |
| <input type="checkbox"/> يَنْقُلَانِ  | <input type="checkbox"/> يَنْقُلُونَ   | <input type="checkbox"/> تَنْقُلَانِ | ٤- مثنى مؤنث غائب:  |
| <input type="checkbox"/> تَحَرَّكْتُ  | <input type="checkbox"/> تَحَرَّكَ     | <input type="checkbox"/> تَحَرَّكْتَ | ٥- مفرد مؤنث غائب:  |
| <input type="checkbox"/> اِبْتَعَدَ   | <input type="checkbox"/> اَمْلِكُ      | <input type="checkbox"/> اَخْرَجَ    | ٦- متكلم وحده:      |



## اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِبْحَثْ عَنْ آيَةٍ أَوْ حَدِيثٍ أَوْ شِعْرِ أَوْ كَلَامٍ جَمِيلٍ مُرْتَبِطٍ بِمَفْهُومِ الدَّرْسِ.  
(الْإِشَارَةُ إِلَى النِّعَمِ الْإِلَهِيَّةِ)



﴿وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ﴾ اَلنَّمْلُ: ٤٠



## الدَّرْسُ الثَّامِنُ



أَنْتَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ عَظَمْتُكَ ،  
وَفِي الْأَرْضِ قُدْرَتُكَ ،  
وَفِي الْبِحَارِ عَجَائِبُكَ .  
أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

به کتاب گویا گوش کنید؛ سپس در یک کار گروهی متن زیر را ترجمه کنید. در پایان اشکالات ترجمه را از دبیرتان بپرسید. می‌توانید یک گروه تشکیل دهید و متن را به صورت نمایشی اجرا کنید.

## يَا مَنْ فِي الْبَحَارِ عَجَائِبُهُ مِنْ دُعَاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ

يُشَاهِدُ أَعْضَاءَ الْأُسْرَةِ فَلَمَّا رَانِعًا عَنِ الدُّلْفَيْنِ الَّذِي أَنْقَذَ إِنْسَانًا مِنَ الْغَرَقِ، وَ أَوْصَلَهُ إِلَى الشَّاطِئِ.

حامد: لَا أَصَدِّقُ؛ هَذَا أَمْرٌ عَجِيبٌ. يُحَيِّرُنِي جِدًّا.

الأب: يَا وَلَدِي، لَيْسَ عَجِيبًا، لِأَنَّ الدُّلْفَيْنِ صَدِيقُ الْإِنْسَانِ فِي الْبَحَارِ.

صادق: تَصَدِّقُهُ صَعْبٌ! يَا أَبِي، عَرَفْنَا عَلَى هَذَا الصَّدِيقِ.

الأب: لَهُ ذِكْرَةٌ قَوِيَّةٌ، وَ سَمْعُهُ يَفُوقُ سَمْعَ الْإِنْسَانِ عَشْرَ مَرَّاتٍ، وَ وَزْنُهُ يَبْلُغُ

ضِعْفِي وَزْنِ الْإِنْسَانِ تَقْرِيبًا، وَ هُوَ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ الْبَوْنَةِ الَّتِي تُرَضَعُ صِغَارَهَا.

نورا: إِنَّهُ حَيَوَانٌ ذَكِيٌّ يُحِبُّ مُسَاعَدَةَ الْإِنْسَانِ! أَلَيْسَ كَذَلِكَ؟

الأب: نَعَمْ؛ بِالتَّأَكُّدِ، تَسْتَطِيعُ الدَّلَافِينُ أَنْ تُرْشِدَنَا إِلَى مَكَانٍ سُقُوطِ طَائِرَةٍ أَوْ مَكَانٍ غَرَقِ سَفِينَةٍ.

الأُمُّ: تُوَدِّي الدَّلَافِينُ دَوْرًا مُهِمًّا فِي الْحَرْبِ وَ السَّلْمِ، وَ تَكْشِفُ مَا تَحْتَ الْمَاءِ

مِنْ عَجَائِبَ وَ أَسْرَارٍ، وَ تُسَاعِدُ الْإِنْسَانَ عَلَى اكْتِشَافِ أَمَاكِنِ تَجَمُّعِ الْأَسْمَاكِ.



صَادِقٌ: رَأَيْتُ الدَّلَافِينَ تُؤَدِّي حَرَكَاتٍ جَمَاعِيَّةً؛ فَهَلْ تَتَكَلَّمُ مَعًا؟

الْأُمُّ: نَعَمْ؛ قَرَأْتُ فِي **مَوْسُوعَةٍ** عِلْمِيَّةٍ أَنَّ الْعُلَمَاءَ يُؤَكِّدُونَ أَنَّهَا تَسْتَطِيعُ أَنْ تَتَكَلَّمَ بِاسْتِخْدَامِ أَصْوَاتٍ مُعَيَّنَةٍ، وَ أَنَّهَا تُغْنِي **كَالطَّيُورِ**، وَ تَبْكِي كَالْأَطْفَالِ، وَ **تَصْفُرُ** وَ تَضْحَكُ كَالْإِنْسَانِ.

نورا: هَلْ لِلدَّلَافِينَ أَعْدَاءٌ؟

الْأَبُّ: بِالتَّأَكِيدِ، تَحَسَّبُ الدَّلَافِينَ سَمَكَ **الْفَرَشِ** عَدُوًّا لَهَا، فَإِذَا وَقَعَ نَظَرُهَا عَلَى سَمَكَةِ **الْفَرَشِ**، **تَتَجَمَّعُ** بِسُرْعَةٍ حَوْلَهَا، وَ تَضْرِبُهَا بِأُنُوفِهَا **الْحَادَّةِ** وَ تَقْتُلُهَا.

نورا: وَ هَلْ يُحِبُّ الدُّلْفِينُ الْإِنْسَانَ حَقًّا؟

الْأَبُّ: نَعَمْ؛ تَعَالَى نَقْرًا هَذَا الْخَبَرَ فِي الْإِنْتَرْنِتِ: ... سَحَبَ **تَيَّارُ** الْمَاءِ رَجُلًا إِلَى الْأَعْمَاقِ بِسِدَّةٍ، وَ بَعْدَ نَجَاتِهِ قَالَ الرَّجُلُ: رَفَعَنِي شَيْءٌ بَغْتَةً إِلَى **الْأَعْلَى** بِقُوَّةٍ، ثُمَّ أَخَذَنِي إِلَى الشَّاطِئِ وَ لَمَّا **عَزَمْتُ** أَنْ أَشْكُرَ **مُنْقِذِي**، مَا وَجَدْتُ أَحَدًا، وَلَكِنِّي رَأَيْتُ دُلْفِينًا كَبِيرًا **يَقْفِزُ** قُرْبِي فِي الْمَاءِ بِفَرَحٍ.

الْأُمُّ: إِنَّ الْبَحَرَ وَ الْأَسْمَاكَ نِعْمَةٌ عَظِيمَةٌ مِنَ اللَّهِ.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

النَّظَرُ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ عِبَادَةٍ:  
النَّظَرُ فِي الْمُصْحَفِ،  
وَالنَّظَرُ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ،  
وَالنَّظَرُ فِي الْبَحْرِ.

به کتاب گویا گوش کنید و کلمات جدید متن را در کلاس با هم تکرار کنید.

عَزَمَ : تصمیم گرفت	جَمَاعِيَّ : گروهی	أَدَّى : ایفا کرد، منجر شد
عَنَى : آواز خواند	حَادَّ : تیز	أَرشَدَ : راهنمایی کرد
قَفَزَ : پرید، جهش کرد	دَوَّرَ : نقش	أَرْضَعَ : شیر داد
لَبَوْنَةَ : پستاندار	ذَاكَرَةَ : حافظه	أَعْلَى : بالا، بالاتر
كَذَلِكَ : همین طور	سَمَكُ الْقِرْشِ : کوسه ماهی	أُنُوفَ : بینی‌ها «مفرد: أَنْف»
مُنَقِّذَ : نجات‌دهنده	صَفَرَ : سوت زد	أَوْصَلَ : رسانید
مَوْسُوعَةَ : دانشنامه	ضَعَفَ : برابر در مقدار «ضَعْفَيْنِ»	بِحَارَ : دریاها
	دو برابر»	بَكَى : گریه کرد
	طُيُورَ : پرندگان «مفرد: طَيْر»	بَلَغَ : رسید
	عَرَفَ : معرفی کرد	تَجَمَّعَ : جمع شد

× ✓



### عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- الدُّلَفِينُ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ اللَّبُونَةِ الَّتِي تُرَضِعُ صِغَارَهَا.
- ۲- يُؤَدِّي سَمَكُ الْقِرْشِ دَوْرًا مُهِمًّا فِي الْحَرْبِ وَ السَّلْمِ.
- ۳- سَمِعَ الْإِنْسَانُ يَفُوقُ سَمْعَ الدُّلَفِينِ عَشْرَ مَرَّاتٍ.
- ۴- سَمَكُ الْقِرْشِ صَدِيقُ الْإِنْسَانِ فِي الْبِحَارِ.
- ۵- سَمَكُ الْقِرْشِ عَدُوُّ الدَّلَافِينِ.
- ۶- لِلدَّلَافِينِ أُنُوفٌ حَادَّةٌ.

## إِعْلَمُوا الْجَارُ وَالْمَجْرُورُ

در فارسی به حروفی مانند «به ، برای ، بر ، در ، از...» حروف اضافه و در عربی به آنها حروف جر می‌گویند.

در جمله «مسافران به هتل رفتند»، «به» حرف اضافه و «هتل» متمم و «به هتل» گروه متممی نامیده می‌شود. گروه متممی را در عربی «جار و مجرور» می‌نامند.  
به حروف « مِنْ ، فِي ، إِلَى ، عَلَى ، بِ ، لِ ، عَنْ ، كَ ... » در دستور زبان عربی «حروف جر» می‌گویند. این حروف معنای جمله را کامل‌تر می‌کنند.

مثال: مِنْ قَرْيَةٍ، فِي الْغَابَةِ، إِلَى الْمُسْلِمِينَ، عَلَى الْوَالِدَيْنِ، بِالْحَافِلَةِ، لِلَّهِ، عَنْ نَفْسِهِ، كَجَبَلٍ  
به حرف جر، جار و به اسم بعد از آن مجرور و به این دو «جار و مجرور» می‌گویند.

سَلَامَةُ الْعَيْشِ، فِي الْمُدَارَةِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

گاهی جار و مجرور، خبر واقع می‌شود؛ مثل: «مِنْ الشَّيْطَانِ» در جمله زیر:

«الْعَجَلَةُ، مِنَ الشَّيْطَانِ». أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

و این نوع خبر گاهی مقدم می‌شود؛ مانند: «فِي التَّأْخِيرِ» آفات.

مبتدای مؤخر      خبر مقدم

يَكْتُبُ	التَّالِمُ	الْوَاجِبُ	فِي الْمَدْرَسَةِ
فعل	فاعل	مفعول	جار و مجرور
النَّجَارُ	يَصْنَعُ	الْكِرَاسِيَّ	فِي الْمَصْنَعِ
مبتدا	خبر	مفعول	جار و مجرور
الْشُّرْطِيُّ	وَاقِفٌ	-	فِي السَّاحَةِ
مبتدا	خبر	-	جار و مجرور

## أَهْمُ مَعَانِي حُرُوفِ الْجَرِّ:

مِنْ    از

﴿... حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾ آل عمران: ۹۲

تا انفاق کنید از آنچه دوست می‌دارید. (مِمَّا = مِنْ + ما)

﴿... أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ﴾ الإنسان: ۲۱

دستبندهایی از جنس نقره

مِنْ هُنَا إِلَى هُنَاكَ: از اینجا تا آنجا

فِي    در

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً﴾ الْبَقَرَة: ۲۹

او کسی است که همه آنچه را در زمین است برایتان آفرید.

النَّجَاةُ فِي الصِّدْقِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ رهایی در راستگویی است.

إِلَى    به ، به سوی ، تا

﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى﴾ الْإِسْرَاء: ۱

پاک است کسی که بنده‌اش را در شبی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی حرکت داد.

﴿قَالَ كَمْ لَيْثَتَ قَالَ لَيْثَتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَيْثَتَ مِائَةً عَامٍ فَأَنْظِرْ إِلَى طَعَامِكَ﴾

وَشَرَابِكَ﴾ الْبَقَرَة: ۲۵۹

گفت: «چقدر درنگ کردی؟» گفت: «یک روز یا بخشی از یک روز.» گفت: «بلکه صد

سال درنگ کردی؛ به خوراکت و نوشیدنی‌ات بنگر.»

كَانَ الْفَلَّاحُ يَعْمَلُ فِي الْمَزْرَعَةِ مِنَ الصَّبَاحِ إِلَى اللَّيْلِ.

کشاورز از صبح تا شب در مزرعه کار می‌کرد.

## عَلَى | بر ، روی ، ضدّ (زیان)

النَّاسُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مردم بر دین پادشاهانشان هستند.

الْحَقِيقَةُ عَلَى الْمِنْصَدَةِ. کیف روی میز است.

عَلَيْكُمْ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّ رَبِّي بَعَثَنِي بِهَا. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

به صفات برتر اخلاقی پایبند باشید، (بر شماست پایبندی به صفات برتر اخلاقی) زیرا پروردگارم مرا به خاطر آن فرستاده است.

الدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَيَوْمٌ عَلَيْكَ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ ع

روزگار دو روز است؛ روزی به سودت و روزی به زیانت.

## بِـ | به وسیله (با) ، در

﴿إِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾ (الْعَلَقُ : ۳ و ۴)

بخوان و پروردگارت گرامی‌ترین است؛ همان که به وسیله قلم آموخت.

﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرِ﴾ آلِ عِمْران : ۱۲۳ و خدا شما را در [جنگ] بدر یاری کرد.

## لِـ | برای ، از آن (مال) ، داشتن

﴿لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾ (النِّسَاءُ : ۱۷۱)

آنچه در آسمان‌ها و زمین است، از آن اوست.

لِكُلِّ ذَنْبٍ تَوْبَةٌ إِلَّا سَوْءَ الْخُلُقِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

هر گناهی جز بداخلاقی توبه دارد.

برای هر گناهی به جز بداخلاقی توبه هست.

﴿لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ﴾ (الْكَافِرُونَ : ۶)

دین شما از آن خودتان و دین من از آن خودم.

لِمَاذَا رَجَعْتَ؟ لِأَنِّي نَسِيتُ مِفْتَاحِي. برای چه برگشتی؟ برای اینکه کلیدم را فراموش کردم.

۱- «عَلَيْكُمْ» اصطلاحی است که از معنای «جار و مجرور» خارج شده و معنای فعل یافته است.

۲- دین: دینی (دین من)

عَنْ ، از ، درباره

﴿ وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ﴾ الشُّورَى : ٢٥  
او کسی است که توبه را از بندگان می‌پذیرد، و از بدی‌ها در می‌گذرد و آنچه را انجام می‌دهید می‌داند.

﴿ وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ ... ﴾ البقرة: ١٨٦

و اگر بندگانم از تو درباره من بپرسند، قطعاً من به آنان نزدیکم.

گ مانند

فَضْلُ الْعَالَمِ عَلَى غَيْرِهِ كَفَضْلِ النَّبِيِّ عَلَى أُمَّتِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ  
برتری دانشمند بر غیر خود مانند برتری پیامبر بر امتش است.

اخْتَبَرْتُ نَفْسَكَ: أَعَرِبِ الْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةَ.

١- الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ. الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَأَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٢- شَرَفُ الْمَرْءِ بِالْعِلْمِ وَالْأَدَبِ لَا بِالأَصْلِ وَالنَّسَبِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

اسم بعد از حروف جرّ، مجرور است. علامت جر (ـِ، ـَ، ـُ) در مفرد، یَنَ در جمع مذکر و یَنَ در مثنی است؛ مانند: الْكَاتِبِ، كَاتِبٍ، الْكَاتِبِينَ، الْكَاتِبِينَ

ضَعُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.

١- الْعَرَبِيَّةُ مِنَ اللُّغَاتِ الرَّسْمِيَّةِ فِي ..... الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ. مُنَظَّمَةٌ مُنَظَّمَةٌ

٢- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى ..... أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ. اللَّهُ اللَّهُ

٣- إِنِّي رَأَيْتُ دَهْرًا مِنْ ..... كِ الْقِيَامَةِ. هَجْرٌ هَجْرٌ

٤- الْعَالَمُ بِلا عَمَلٍ كَ ..... بِلا ثَمَرٍ. الشَّجَرُ الشَّجَرُ

٥- سَعِيدٌ قَسَمَ الْمَزْرَعَةَ إِلَى ..... . نِصْفَيْنِ نِصْفَانِ

٦- رُبُعُ سُكَّانِ الْعَالَمِ مِنْ ..... . الْمُسْلِمِينَ الْمُسْلِمُونَ



## نُونُ الْوَقَايَةِ

وقتي ضمير متكلم وحده «ي» به فعل وصل شود، نون وقايه ميانشان می آید؛ مثال:  
يَعْرِفُنِي: مرا می شناسد. اِرْفَعْنِي: مرا بالا ببر. اَحْذَنْنِي: مرا بُرد.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ هَذِهِ الْجَمَلَ.

۱- ﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ﴾ إبراهيم : ٤٠

۲- اَللّٰهُمَّ اِنْعَمْنِيْ بِمَا عَلَّمْتَنِيْ وَ عَلَّمْنِيْ مَا يَنْفَعُنِيْ. رَسُوْلُ اللّٰهِ ﷺ

۳- اِنَّ اللّٰهَ اَمَرَنِيْ بِمُدَارَةِ النَّاسِ كَمَا اَمَرَنِيْ بِاِقَامَةِ الْفَرَائِضِ. رَسُوْلُ اللّٰهِ ﷺ

۴- اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِيْ شَكُوْرًا وَاجْعَلْنِيْ صَبُوْرًا وَاجْعَلْنِيْ فِيْ عَيْنِيْ صَغِيْرًا وَفِيْ اَعْيُنِ النَّاسِ كَبِيْرًا. رَسُوْلُ اللّٰهِ ﷺ

انصَحوني: ..... هُمْ يَحْتَرِمُوْنِي: .....

هيَ حَذَّرْتَنِي: ..... هُنَّ اَنْقَذَتْنِي: .....

اَنْتَ تَحَفِّظُنِي: ..... اَعْطَانِي خُبْرًا: .....



در گروه‌های چهار نفره شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

### حوارات (مَعَ مُشْرِفٍ خَدَمَاتِ الْفُنْدُقِ)

مَسْؤُولُ الْإِسْتِقْبَالِ	السَّائِحُ
السَّيِّدُ دِمَشْقِيّ مُشْرِفُ خَدَمَاتِ غُرْفِ الْفُنْدُقِ. مَا هِيَ الْمُسْكِلَةُ؟	عَفْوًا؛ مَنْ هُوَ مَسْؤُولُ تَنْظِيفِ الْغُرْفِ وَالْحِفَاطِ عَلَيْهَا؟
أَعْتَذِرُ مِنْكَ؛ رَجَاءً؛ إِسْتَرْخْ؛ سَأَتَّصِلُ بِالْمُشْرِفِ.	لَيْسَتْ الْغُرْفُ نَظِيفَةً، وَ فِيهَا نَوَاقِصٌ.
مَسْؤُولُ الْإِسْتِقْبَالِ يَتَّصِلُ بِالْمُشْرِفِ وَ يَأْتِي الْمُشْرِفُ مَعَ مُهَنْدِسِ الصِّيَانَةِ.	
السَّائِحُ	مُشْرِفُ خَدَمَاتِ الْفُنْدُقِ
لَيْسَتْ غُرْفَتِي وَ غُرْفُ زَمَلَائِي نَظِيفَةً، وَ فِيهَا نَوَاقِصٌ.	مَا هِيَ الْمُسْكِلَةُ، يَا حَبِيبِي؟!
فِي الْغُرْفَةِ الْأُولَى سَرِيرٌ مَكْسُورٌ، وَ فِي الْغُرْفَةِ الثَّانِيَةِ شَرَفٌ نَاقِصٌ، وَ فِي الْغُرْفَةِ الثَّلَاثَةِ الْمُكَيَّفُ لَا يَعْمَلُ.	سَيَأْتِي عُمَالُ التَّنْظِيفِ، وَ مَا الْمُسْكِلَاتُ الْأُخْرَى؟
تَسَلَّمْ عَيْنُكَ!	نَعْتَذِرُ مِنْكُمْ. سَنُصَلِّحُ كُلَّ شَيْءٍ بِسُرْعَةٍ؛ عَلَى عَيْنِي.



تمرینات درس را به صورت گروهی در کلاس حل کنید و اشکالات خود را در پایان از دبیرتان بپرسید.

## التمرین

التمرین الأول: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَغَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبِ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ. ✓ ✕

- ١- عِنْدَمَا يَنْقَطِعُ تَبَارُ الْكَهْرَبَاءِ فِي اللَّيْلِ، يَغْرُقُ كُلُّ مَكَانٍ فِي الظَّلَامِ. ....
- ٢- أَلطَّاءُوسُ مِنَ الطُّيُورِ الْمَائِيَّةِ تَعِيشُ فَوْقَ جِبَالٍ ثَلْجِيَّةٍ. ....
- ٣- أَلْمُوسُوعَةُ مُعْجَمٌ صَغِيرٌ جِدًّا يَجْمَعُ قَلِيلاً مِنَ الْعُلُومِ. ....
- ٤- أَلْأَنْفُ غُضُو التَّنَفُّسِ وَالشَّمِّ. ....
- ٥- أَلْخَفَاشُ طَائِرٌ مِنَ اللَّبُونَاتِ. ....

التمرين الثاني: صَعِّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

أُنُوفَ / دَوْرَ / فَفَزَ / بَلَعْنَا / أَسْرَى / أَسَاوَرَ / الذَّاكِرَةَ / تَبَارُ

- ١- اِشْتَرَى أَبِي لِأُخْتِي الصَّغِيرَةِ ..... مِنْ ذَهَبٍ.
- ٢- قَالَ التَّلَامِيذُ: ..... السَّنَةَ السَّابِعَةَ مِنَ الْعُمْرِ.
- ٣- كَانَ كُلُّ طَالِبٍ يَلْعَبُ ..... هُ بِمَهَارَةٍ بِالْغَةِ.
- ٤- عَصَفَتْ رِيَّاحٌ شَدِيدَةٌ وَ حَدَثَ ..... فِي مَاءِ الْمُحِيطِ.
- ٥- أَنْصَحَكَ بِقِرَاءَةِ كِتَابٍ حَوْلَ طُرُقِ تَقْوِيَةٍ ..... لِأَنَّكَ كَثِيرُ النِّسْيَانِ.
- ٦- لَدَيْنَا زَمِيلٌ ذَكِيٌّ جِدًّا ..... مِنَ الصَّفِّ الْأَوَّلِ إِلَى الصَّفِّ الثَّالِثِ.

التمرين الثالث: عَيِّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ وَ الْمُتَضَادَّةَ.

بَعَثَ	صِغَارَ	شَاطِئَ	أَرْسَلَ	بَكَى	كَبَارَ	أَقْلَ	ضَوْءَ	بَعُدَ	سَاحِلَ
صَحِكَ	ظَلَامَ	أَكْثَرَ	بَغْتَهُ	قَرُبَ	دَفَعَ	فَجَاءَهُ	كَتَمَ	اِسْتَلَمَ	سَتَرَ

..... = ..... = ..... = ..... = ..... ≠ .....

..... = ..... = ..... = ..... = ..... ≠ .....

## التمرين الرابع: تَرْجِمْ أفعالَ الجدولِ التالي.

ما تَعَرَّفْتُ	يُرْشِدُونَ	تُرْضِعِينَ	كانوا يُجَهِّزُونَ
.....	.....	.....	.....
قاتلوا	سَيَّلُغانِ	لا تَعَزِّمُونَ	إِعْتَصِمُوا
.....	.....	.....	.....
سَوْفَ نَحْتَفِلُ	لا يُطْبَحُ	ما قَفَزْتُ	لا تُفَرِّقُ
.....	.....	.....	.....

## التمرين الخامس: تَرْجِمِ الآياتِ وَ الْحَدِيثَيْنِ، ثُمَّ صَعْ خَطًّا تَحْتَ الْجَارِّ وَالْمَجْرُورِ، وَ اذْكُرْ عَلامَةَ الْجَرِّ.

١- ﴿وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ (الأنبياء : ٨٦)

.....

٢- ﴿وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ﴾ (النمل : ١٩)

.....

٣- ﴿وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ (آل عمران: ١٤٧)

.....

٤- أَدَبُ الْمَرْءِ خَيْرٌ مِنْ ذَهَبِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

.....

٥- عَلَيْكَ بِذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ نُورُ الْقَلْبِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

.....

## التمرين السادس: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ.

إِسْأَلُونِي: ..... يَعْرِفُونَنِي: ..... أَعْطَانِي: ..... يَنْصُرْنِي: .....

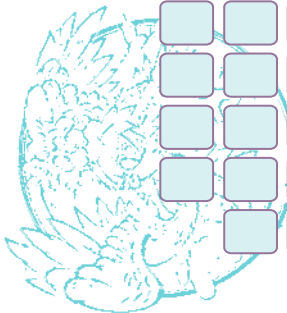
إِرْحَمُونِي: ..... لَا تُحَيِّرْنِي: ..... عَرَّفَنِي: ..... أَنْزِلْنِي: .....

## الْتَمَرِينُ السَّابِعُ: تَرْجِمْ كَلِمَاتِ الْجَدُولِ الْمُتَقَاطِعِ، ثُمَّ اكْتُبْ رَمَزَهُ. (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ)

يَبْلُغَنَّ / صِغَار / ذَاكِرَةٌ / عَفَا / بَكَى / مُنْقِذَ / مَرَقَ / أَوْصَلَ / صَفَرُوا / غَنَيْتُمْ / سَمِعَ / طُيُورَ / حَادَّةٌ / دَوَّرَ /  
لَبُونَةٌ / كَذَلِكَ / جَمَارِكُ / زُبُوتَ / سَمَيْنَا / ظَاهِرَةٌ / أَمَطَرَ / حَمِيمَ / ثُلُوجَ / سَوَارَ / رَائِحَ

رَمَزُ ↓

<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(١) كوچکها
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(٢) این طور
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(٣) تیز
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(٤) پدیده
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(٥) سوت زدند
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(٦) روغن ها
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(٧) نقش
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(٨) شنوایی
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(٩) جالب
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(١٠) نجات دهنده
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(١١) نامیدیم
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(١٢) دستبند
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(١٣) گرم و صمیمی
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(١٤) برف ها
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(١٥) حافظه
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(١٦) پستادار
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(١٧) پرندگان
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(١٨) رسانید
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(١٩) باران بارید
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(٢٠) بخشید
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(٢١) می رسند
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(٢٢) آواز خواندید
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(٢٣) گریه کرد



قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

## التَّحْرِيكُ الثَّامِنُ: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ ثُمَّ أَعْرِبِ الْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةَ.

- ١- ذِكْرُ اللَّهِ شِفَاءُ الْقُلُوبِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
- ٢- آفَةُ الْعِلْمِ التَّيْسَانُ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
- ٣- لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَاطِعٌ رَحِمٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
- ٤- الْجَلِيسُ الصَّالِحُ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
- ٥- الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السَّوِّءِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
- ٦- لِسَانُ الْمُقْصِرِ قَصِيرٌ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ

## التَّحْرِيكُ التَّاسِعُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِينَ وَ الْأَحَادِيثَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمُبْتَدَأَ وَ الْخَبَرَ وَ الْفَاعِلَ وَ الْمَفْعُولَ وَ اذْكُرْ إِعْرَابَهَا.

- ١- ﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ﴾ الْمَائِدَةُ : ٩٧
- ٢- ﴿وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾ النَّبَأُ : ٤٠
- ٣- مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ عِبَادَةٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
- ٤- حُسْنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
- ٥- الْعَالِمُ بِلا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلا ثَمَرٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
- ٦- إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ:  
صَدَقَةٌ جَارِيَةٍ ، أَوْ عِلْمٌ يُنْتَفَعُ بِهِ ، أَوْ وَلَدٌ صَالِحٌ يَدْعُو لَهُ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

## الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

ابْحَثْ عَنْ قِصَّةِ حَقِيقَةِ قَصِيرَةِ حَوْلَ حَيَوَانَ،  
وَ اكْتُبْهَا فِي صَحِيفَةِ جِدَارِيَّةٍ،  
ثُمَّ تَرْجِمْهَا إِلَى الْفَارْسِيَّةِ، مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ-فَارِسِيِّ.







# الْمُعْجَمُ

## كَلِمَاتُ الصَّفِّ السَّابِعِ وَ الثَّامِنِ وَ التَّاسِعِ وَ الْعَاشِرِ

توجه: کلمات بی‌شماره مربوط به کتاب‌های عربی

پایه‌های هفتم، هشتم و نهم و کلمات قرمز فعل هستند.



اِتِّجَاه: جهت ۵

اِتَّخَذَ: گرفت

(مضارع: يَتَّخِذُ / مصدر: اِتَّخَذَ) ۲

اِتِّصَالَات: مخابرات ۷

اِتَّصَلَ بِ: با... تماس گرفت

(مضارع: يَتَّصِلُ / مصدر: اِتَّصَلَ) ۸

اَتَى: آمد (مضارع: يَأْتِي)

اَتَّار: برانگیخت

(مضارع: يُثِيرُ / مصدر: اِثَّارَة) ۲

اَثَرِي: تاریخی ۶

اِثْنَعَشَرَ: دوازده

اِثْنَان، اِثْنَيْن: دو

اِثْنَيْن، يَوْمُ الْاِثْنَيْن: دوشنبه

اَجَابَ عَنْ: پاسخ داد به

(مضارع: يُجِيبُ / مصدر: اِجَابَة)

اَحَبُّ: دوست داشت (مضارع: يُحِبُّ)

اَحَبُّ اِلَى: محبوب ترین نزد

اِحْتَرَقَ: آتش گرفت

(مضارع: يَحْتَرِقُ / مصدر: اِحْتِرَاق)

اِحْتَرَمَ: احترام گذاشت

(مضارع: يَحْتَرِمُ / مصدر: اِحْتِرَام) ۴

اِحْتِفَاف: نگاه داشتن ۴

اِحْتَفَلَ: جشن گرفت

(مضارع: يَحْتَفِلُ / مصدر: اِحْتِفَال) ۳

اِحْتَوَى: در بر داشت

(مضارع: يَحْتَوِي / مصدر: اِحْتِواء) ۵

اَحَد: یکی از، کسی، یکتا، تنها

اَحَد، يَوْمُ الْاَحَد: یکشنبه

اَحَدَ عَشَرَ: یازده

اِخْدَى: یکی از

اَحْسَن: بهتر، بهترین

اَحْسَنَ: خوبی کرد

(مضارع: يُحْسِنُ / مصدر: اِحْسَان) ۲

اَحْسَنْتَ: آفرین بر تو ۲

اَحْصَى: شمرد

(مضارع: يُحْصِي / مصدر: اِحْصَاء) ۶

اَحْمَر: سرخ

اَخ (أخو، أَخا، أَخِي): برادر، دوست

«جمع: إِخْوَة و إِخْوَان»

اَخْبَرَ: خبر داد

(مضارع: يُخْبِرُ / مصدر: اِخْبَار) ۲

اُخْتُ: خواهر «جمع: أَخَوَات»

اِخْتَبَرَ: آزمایش کرد

(مضارع: يَخْتَبِرُ / مصدر: اِخْتِبَار)

اِخْتَرَعَ: اختراع کرد

(مضارع: يَخْتَرِعُ / مصدر: اِخْتِرَاع)

آخَر: دیگر

آخِر: پایان

آلَة: دستگاه «جمع: آلات»

آلَة الطَّبَّاعَة: دستگاه چاپ

آمَنَ: ایمان آورد

(مضارع: يُؤْمِنُ / مصدر: إِيمَان)

أ: آيا

أَب (أبو، أَبا، أَبِي): پدر «جمع: آباء»

اِبْتَدَأَ: شروع شد

(مضارع: يَبْتَدِئُ / مصدر: اِبْتِدَاء)

اِبْتِسَام: لبخند

اِبْتَعَدَ: دور شد

(مضارع: يَبْتَعِدُ / مصدر: اِبْتِعَاد) ۵

إِبِل: شتران ۷

إِبْن: پسر، فرزند «جمع: أَبْنَاء، بَنُونَ»

إِبْنُ آدَم: آدمیزاد

أَبْيَض: سفید

**أَحَذَ: گرفت، برداشت، بُرد**

(مضارع: يَأْخُذُ)

**أَخْرَجَ: درآورد**

(مضارع: يُخْرِجُ / مصدر: إِخْرَاج) ۱

أَخْرَى: دیگر ۱

أَخْضَرَ: سبز

أَدَاء: به جا آوردن

أَدَاة: ابزار «جمع: أَدَوَات»

**أَدَارَ: چرخاند، اداره کرد**

(مضارع: يُدِيرُ / مصدر: إِدَارَة) ۵

إِدَارَةُ الْمُرُورِ: ادارهٔ راهنمایی و

رانندگی

إِدْخَال: داخل کردن

**أَدَّى: ایفا کرد، منجر شد**

(مضارع: يُؤَدِّي) ۸

إِذْ: آنگاه

إِذَا: هرگاه، اگر

أَرَاذِل: فرومایگان

أَرْيَاء، يَوْمُ الْأَرْيَاءِ: چهارشنبه

أَرْبَعَة، أَرْبَع: چهار

أَرْبَعُونَ، أَرْبَعِينَ: چهل

**أَرْسَلَ: فرستاد**

(مضارع: يُرْسِلُ / مصدر: إِرسَال) ۳

**أَرشَدَ: راهنمایی کرد**

(مضارع: يُرْشِدُ / مصدر: إرشاد) ۸

أَرْض: زمین «جمع: أَرَاظِي»

**أَرْضَعَ: شیر داد**

(مضارع: يُرْضِعُ / مصدر: إرضاع) ۸

أَرْزَقَ: آبی

إِسَاءَة: بدی کردن ۴

أُسْبُوع: هفته

«جمع: أَسَابِيع»

**إِسْتَرْجَعَ: پس گرفت**

(مضارع: يَسْتَرْجِعُ / مصدر: إِسْتِرْجَاع)

إِسْتَطَاعَ: توانست (مضارع: يَسْتَطِيعُ /

مصدر: إِسْطَاعَة) ۵

**إِسْتَعَانَ: یاری جُست**

(مضارع: يَسْتَعِينُ / مصدر: إِسْتِعَانَة) ۵

**إِسْتَعْمَرَ: خواستار آبادکردن شد**

(مضارع: يَسْتَعْمِرُ / مصدر: إِسْتِعْمَار) ۷

**إِسْتَغْرَقَ وَقْتًا طَوِيلًا: وقتی طولانی گرفت**

(مضارع: يَسْتَغْرِقُ / مصدر: إِسْتِغْرَاق) ۷

**إِسْتَفَادَ: استفاده کرد**

(مضارع: يَسْتَفِيدُ / مصدر: إِسْتِفَادَة) ۵

**إِسْتَلَمَ: دریافت کرد**

(مضارع: يَسْتَلِمُ / مصدر: إِسْتِلَام)

**إِسْتَوَى: برابر است**

(مضارع: يَسْتَوِي / مصدر: إِسْتَوَاء) ۴

إِسْتِهْلَاك: مصرف ۷

أَسَد: شیر

أُسْرَة: خانواده

**أَسْرَى: شبانه حرکت داد**

(مضارع: يُسْرِي / مصدر: إِسْرَاء) ۸

أَسْنَان: دندان‌ها «مفرد: سِنٌّ»

أُسُودَة: الگو

أُسُود: سیاه

إِشَارَاتُ الْمُرُورِ: علامت‌های رانندگی

**إِشْتَرَى: خرید**

(مضارع: يَشْتَرِي / مصدر: إِشْتِرَاء)

**إِشْتَغَلَ: کار کرد**

(مضارع: يَشْتَغِلُ / مصدر: إِشْتَغَال)

**أَشْرَكَ: شریک قرار داد**

(مضارع: يُشْرِكُ / مصدر: إِشْرَاك) ۴

**أَصَابَ: اصابت کرد**

(مضارع: يُصِيبُ / مصدر: إِصَابَة)

**أَصْبَحَ: شد**

(مضارع: يُصْبِحُ / مصدر: إِصْبَاح) ۳

أَصْحَابُ الْمَهْنِ: صاحبان شغل‌ها

إِصْطِفَافُ صَبَاحِي: صف صبحگاه ۲

أَصْفَر: زرد

أَضَاعَ: تباه کرد

(مضارع: يُضِيعُ / مصدر: إِضَاعَة)

إِضَاعَة: تباه کردن

إِضَافَةٌ إِلَى: افزون بر ۵

إِضْرَار: آسیب زدن ۱۰

إِطْفَاء: خاموش کردن ۲

أَطْوَلَ: بلندتر، بلندترین ۶

إِعْتَذَرَ: معذرت خواست

(مضارع: يَعْتَذِرُ / مصدر: إِعْتِذَار)

إِعْتَصَمَ: چنگ زد (با دست گرفت)

(مضارع: يَعْتَصِمُ / مصدر: إِعْتِصَام) ۴

إِعْتَقَدَ: اعتقاد داشت

(مضارع: يَعْتَقِدُ / مصدر: إِعْتِقَاد)

إِعْتَمَدَ: اعتماد کرد

(مضارع: يَعْتَمِدُ / مصدر: إِعْتِمَاد)

أَعْجَزَ: ناتوان تر، ناتوان ترین

إِعْصَار: گردباد «جمع: أعاصير» ۳

أَعْطَى: داد (مضارع: يُعْطِي / مصدر:)

إِعْطَاء / أَعْطَيْ: به من بده

أَعْلَمَ: داناتر، داناترین

أَعْلَى: بالا، بالاتر ۸

إِغْبَار: تیره رنگی، غبار آلودگی ۱

أَغْلَقَ: بست

(مضارع: يُغْلِقُ / مصدر: إِغْلَاق) ۲

أَفْضَلُ: شایستگان

أَفْرَزَ: ترشح کرد

(مضارع: يُفْرِزُ / مصدر: إِفْرَاز) ۵

أَفْضَلُ: برتر، برترین

إِقْتِرَاح: پیشنهاد ۲

إِفْتَرَبَ: نزدیک شد

(مضارع: يَفْتَرِبُ / مصدر: إِقْتِرَاب)

أَقْلُ خَطَرًا: کم خطرتر ۷

أَكْبَرُ: بزرگ تر، بزرگ ترین

إِكْتِسَاب: به دست آوردن

أَكَّدَ: تأکید کرد

(مضارع: يُؤَكِّدُ / مصدر: تَأْكِيد) ۴

إِكْرَاه: اجبار ۴

أَكَلَّ: خورد (مضارع: يَأْكُلُ)

إِلَّا: به جز، مانده «در ساعت خوانی»

أَلَا: هان، آگاه باش

أَلَا: که ن ... أَلَا نَعْبُدُ: که نپرستیم

(أَنْ+لَا+نَعْبُدُ) ۴

إِلْتَأَمَ: بهبود یافت

(مضارع: يَلْتَمِمْ / مصدر: إِلْتِمَام) ۵

إِلْتِقَاطُ صُورٍ: عکس گرفتن ۵

الَّذِي: کسی که، که

الَّذِينَ: کسانی که، که

أَلْف: هزار «جمع: آلاف»

أَلْفَ: نگاشت

(مضارع: يُؤَلِّفُ / مصدر: تَأْلِيف) ۱۲

أَلَمَ: درد «جمع: آلام» ۱۰

إِلَى: به، به سوی، تا

إِلَى اللِّقَاءِ: به امید دیدار

أَلْيَوْمَ: امروز، روز

أُمَ: مادر «جمع: أمهات»

أُمَ: یا

أَمَامَ: روبه رو «متضاد: خَلْف»

أَمَان: امنیت

إِمْتَلَكَ: مالک شد

(مضارع: يَمْتَلِكُ / مصدر: إِمْتِلَاك) ۲

إِمْرَأُ، إِمْرُؤُ، إِمْرِي (الْمَرْءُ): انسان، مرد

إِمْرَأَة (الْمَرْأَة): زن «نساء: زنان»

أَمْرِيكَا الْوُسْطَى: آمریکای مرکزی ۳

أَمْسٍ: دیروز

أَمْطَرَ: باران بارید

(مضارع: يُمِطِرُ / مصدر: إِمْطَار) ۳

أَمَكْنُ: امکان دارد

(مضارع: يُمَكِّنُ / مصدر: إِمْكَان)

أَمِير: فرمانده «جمع: أُمراء»

أَمِين: امانتدار «جمع: أَمَناء»

أَنْ ... : که ...

«أَنْ أَسَافِرَ: که سفر کنم» ۱

إِنْ: حقیقتاً، قطعاً

أَنْ: که

إِنْ: اگر ۴

أَنَا: من

إِنَارَة: نورانی کردن ۵

إِنْبَعَثَ: فرستاده شد

(مضارع: يَنْبَعِثُ / مصدر: إِنْبِعث) ۵

أَنْبُوبَة: لوله (جمع: أَنْبِيب) ۲

أَنْتَ: تو «مذکر»

أَنْتِ: تو «مؤنث»

إِنْتَاج: تولید

إِنْتَبَهَ: بیدار شد، متوجه شد، آگاه شد

(مضارع: يَنْتَبِهْ / مصدر: إِنْتَبَاه) ۳

إِنْتَظَر: منتظر شد

(مضارع: يَنْتَظِرُ / مصدر: إِنْتِظَار) ۱

إِنْتَفَعَ بِ: از ... سود بُرد

(مضارع: يَنْتَفِعُ / مصدر: إِنْتِفَاع) ۲

أَنْتُمْ: شما «مذکر»

أَنْتُمْ: شما «مثنی»

أَنْتَنْ: شما «مؤنث»

أَنْتَى: زن، ماده ۴

أَنْجَح: موفق تر، موفق ترین ۷

إِنْجِلِيزِيَّة: انگلیسی ۲

إِنْخِفاض: پایین آمدن ۱۰

إِنْذار: هشدار ۷

أَنْزَلَ: نازل کرد

(مضارع: يُنْزِلُ / مصدر: إِنْزال) ۱

أَنْشَأَ: پدید آورد

(مضارع: يُنشِئُ / مصدر: إِنْشاء) ۶

أَنْشَدَ: سرود

(مضارع: يُنشِدُ / مصدر: إِنْشاد) ۵

أَنْصَتَ: با سکوت گوش فرا داد

(مضارع: يُنْصِتُ / مصدر: إِنْصات) ۷

أَنْصَح: اندرزگوترین

أَنْف: بینی «جمع: أَنْوف» ۸

أَنْفُسُهُم: خودشان

أَنْفَع: سودمندتر، سودمندترین

أَنْفَقَ: انفاق کرد

(مضارع: يُنْفِقُ / مصدر: إِنْفاق) ۸

أَنْقَذَ: نجات داد

(مضارع: يُنْقِذُ / مصدر: إِنْقاذ)

إِنْكَسَرَ: شکسته شد

(مضارع: يَنْكَسِرُ / مصدر: إِنْكسار)

إِنْمَا: فقط

أَوْ: یا

أَوْجَدَ: پدید آورد

(مضارع: يَوْجِدُ / مصدر: إِيجاد) ۱

أَوْسَط: میانه تر، میانه ترین

أَوْصَلَ: رسانید

(مضارع: يَوْصِلُ / مصدر: إِيصال) ۸

أَوَّلَى: یکم، نخستین «مؤنثِ أَوَّل»

أَوَّلِكَ: آنان

أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ: خوش آمدید

أَي: کدام، چه

أَيُّهَا: ای «برای مؤنث»

أَيضاً: همچنین

أَيْنَ: کجا

أَيُّهَا: ای «برای مذکر»

## ب

بِ: به وسیله

باب: در «جمع: أَبواب»

بارِد: سرد «متضاد: حار»

بَارَكَ اللَّهُ فَيْكَ: آفرین بر تو ۵

بِالتَّأْكِيد: البتَّه

بالغ: کامل ۱

بائع: فروشنده

بَثَّ: پراکندن ۴

بِحَاجَةٍ: نیازمند

بَحَثَ: پژوهش «جمع: أبحاث»

بَحَثَ عَنْ: دنبال...گشت

(مضارع: يَبْحَثُ)

بَحْر: دریا «جمع: بحار»

بُحَيْرَة: دریاچه «مفرد: بُحَيْرَات» ۶

بَدَأَ: شروع کرد، شروع شد

(مضارع: يَبْدَأُ)

بِدَايَة: شروع «متضاد: نِهَايَة»

بَرِّي: خشکی، زمینی ۵

بَرِيد: پست

«بطاقة بَرِيدِيَّة»: کارت پستال ۶

بُسْتَان: باغ «جمع: بساتین»

بَسَطَ: گستراند (مضارع: يَبْسِطُ) ۲

بِسْهُولَة: به آسانی

بَسِيط: ساده

بَصَر: دیده «جمع: أبصار»

بِضَاعَة: کالا «جمع بضائع»

بَطَّ: اردک ۵

بَطَّارِيَّة: باتری

بِطَاقَة: کارت ۳

بَعَثَ: فرستاد (مضارع: يَبْعَثُ) ۸

بَعْدَ: دور شد (مضارع: يَبْعُدُ) ۳

بَعْض ... بَعْض: همدیگر ۵

بَعِيد: دور «متضاد: قَرِيب»

بَعَثَتْ: ناگهان

بَقَر، بَقَرَة: گاو

بُقْعَة: قطعه زمین «جمع: بُقَاع» ۲

بُكَاء: گریه کردن

بَكْتِيرِيَا: باکتری ۵

بِكَلَّ سُرُور: با کمال میل

بَكِي: گریه کرد

(مضارع: يَبْكِي / مصدر: بُكَاء) ۸

بَلَّ: بلکه

بِلَا: بدون

بِلَاد: کشور، شهرها «مفرد: بَلَد»

بَلَد: شهر

بُلْدَان: کشورها ۷

بَلَغَ: رسید (مضارع: يَبْلُغُ) ۸

بِمَ: با چه چیزی «بِ + ما»

بِنَاء: ساختن، ساختمان ۷

بِنْتُ (ابْنَة): دختر «جمع: بنات»

بَنَفَسَجِي: بنفش

بُنِّي: پسرکم ۳

بوم: جغد ۵

بَهِيمَة: چارپا (به جز درندگان)

«جمع: بهائم» ۲

بَيْت: خانه «جمع: بُيُوت»

بُئِر: چاه «جمع: آبار»

بَيْع: فروش «متضاد: شِراء»

## ت

تَأَثَّرَ: تحت تأثیر قرار گرفت

(مضارع: يَتَأَثَّرُ / مصدر: تَأَثَّرَ) ۵

تاسع: نهم

تالي: بعدی

تَجَلَّى: جلوه گر شد

(مضارع: يَتَجَلَّى / مصدر: تَجَلَّى) ۴

تَجَمَّعَ: جمع شد

(مضارع: يَتَجَمَّعُ / مصدر: تَجَمَّعَ) ۸

تَحْتَ: زیر «متضاد: فَوْق»

تَحْذِيرِي: هشدارآمیز ۷

تَحَرَّكَ: حرکت کرد

(مضارع: يَتَحَرَّكُ / مصدر: تَحَرَّكَ) ۵

### تَحَوَّلَ: دگرگون شد

(مضارع: يَتَحَوَّلُ / مصدر: تَحَوَّلَ) ٤

### تَخْرَجَ: دانش آموخته شد

(مضارع: يَخْرُجُ / مصدر: تَخَرَّجَ)

تُرَاب: خاک، ریزگرد ٨

تُرَاث: میراث ٦

### تَرْجَمَ: ترجمه کرد

(مضارع: يُترجمُ / مصدر: تَرْجَمَ) ١

### تَرَكَ: ترک کرد

(مضارع: يَتْرُكُ / مصدر: تَرَكَ)

### تَسَاقَطَ: افتاد (مضارع: يَتَسَاقَطُ /

مصدر: تَسَاقَطَ) ٣

تَسْجِيل: ثبت کردن

(ماضی: سَجَلَ / مضارع: يُسَجِّلُ) ٦

تِسْعَةَ: تسع: نه

تَسْلَمَ عَيْنَاكَ: چشمانت سالم بماند

(چشمت بی بلا) ٨

### تَصَادَفَ: تصادف کرد

(مضارع: يَتَصَادَفُ / مصدر: تَصَادَفَ)

### تَعَارَفُوا: همدیگر را شناختند

(مضارع: يَتَعَارَفُونَ / مصدر: تَعَارَفَ) ١

تَعَالَ: بیا

### تَعَاوَنَ: همکاری کرد

(مضارع: يَتَعَاوَنُ / مصدر: تَعَاوَنَ) ٢

### تَعَايَشَ: همزیستی داشت

(مضارع: يَتَعَايَشُ / مصدر: تَعَايَشَ) ٤

تَعَبَ: خستگی

### تَعَجَّبَ: تعجب کرد

(مضارع: يَتَعَجَّبُ / مصدر: تَعَجَّبَ)

تَعَرَّفَ عَلَى: شناختن ٣

### تَعَلَّمَ: یادگرفت

(مضارع: يَتَعَلَّمُ / مصدر: تَعَلَّمَ)

تَعْوِضَ: جبران کردن

تُقَاح: سب

تَقْتِيشَ: بازرسی، جست و جو ٣

### تَفَرَّقَ: پراکنده شد

(مضارع: يَتَفَرَّقُ / مصدر: تَفَرَّقَ) ٤

تَفَضَّلَ: بفرما

### تَفَقَّهَ: آموخت

(مضارع: يَتَفَقَّهُ / مصدر: تَفَقَّهَ) ٤

تَقَاعَدَ: بازنشستگی

تَقَدَّمَ: پیشرفت

تَكَرَّرَ: پالایش ٧

### تَكَلَّمَ: صحبت کرد

(مضارع: يَتَكَلَّمُ / مصدر: تَكَلَّمَ)

تِلْكَ: آن «مؤنث»

تَلْمِيزَ: دانش آموز «جمع: تَلَامِيزَ»

تَلَوُّثَ: آلودگی ١٠

تَلْوِينَ: رنگ آمیزی

تَمَثَّلَ: تندیس «جمع: تَمَاتِیلَ»

تَمَرُ: خرما

### تَنَاوَلَ: خورد

(مضارع: يَتَنَاوَلُ / مصدر: تَنَاوَلَ)

تَنْظِيفَ: تمیز کردن ٨

تَهْيِئَةَ: تهیه کردن

تَيَّارَ: جریان ٢

## ث

ثَالِثَ، ثَالِثَةُ: سوم

ثَامِنَ، ثَامِنَةُ: هشتم

ثَانِي عَشَرَ، ثَانِيَةُ عَشْرَةَ: دوازدهم

ثَانِي، ثَانِيَةُ: دوم

ثَعْلَبَ: روباه

ثَقَافِيَّةَ: فرهنگی «ثَقَافَةُ: فرهنگ» ٦

ثَقِيلَ: سنگین

ثَقِيلُ السَّمْعِ: کم شنوا

ثَلَاثَاءَ، يَوْمُ الثَّلَاثَاءِ: سه شنبه

ثَلَاثَةَ، ثَلَاثَ: سه

ثَلَاثُونَ، ثَلَاثِينَ: سی

ثُلُج: برف، یخ «جمع: ثُلُوج» ۳

ثُمَّ: سپس

ثَمَانِيَّة، ثَمَانِي: ثمانی: هشت

ثَمَر، ثَمَرَة: میوه

## ج

جاء: آمد «مترادف: أَتَى»

جار: همسایه «جمع: جيران»

جَاز: جایز است (مضارع: يَجُوزُ) ۴

جالس: نشسته

جالَس: همنشینی کرد

(مضارع: يُجَالِس / مصدر: مُجَالَسَة) ۴

جامعة: دانشگاه «جمع: جامِعات»

جاهز: آماده ۳

جاهل: نادان

«جمع: جُهَال / متضاد: عَالِم»

جَبَل: کوه «جمع: جِبَال»

جُبْن، جُبْنَة: پنیر ۷

جَد: پدر بزرگ «جمع: أَجداد»

جَدُّ: کوشید (مضارع: يَجِدُّ)

جَدًّا: بسیار

جدار: دیوار

جَدَل: ستیز

جَدَّة: مادر بزرگ

جَذَب: جذب کرد

(مضارع: يَجْذِبُ) ۶

جَذْوَة: پاره آتش ۱

جُرْح: زخم ۵

جَرَّح: زخمی کرد

(مضارع: يُجَرِّحُ / مصدر: تَجْرِيح)

جَزاء: پاداش، کیفر

جَزَر: هویج

جَزَى: کیفر کرد (مضارع: يَجْزِي) ۷

جَسْر: پُل «جمع: جُسُور»

جَعَلَ: قرار داد

(مضارع: يَجْعَلُ) «مترادف: وَضَعَ»

جَلَب: آورد (مضارع: يَجْلِبُ)

جِلْد: پوست ۶

جَلَس: نشست (مضارع: يَجْلِسُ)

جُلُوس: نشستن

جَلِيسُ السَّوء: همنشین بد

جَمَارِك: گمرکات «مفرد: جُمْرُك» ۴

جَمَاعِي: گروهی ۸

جَمال: زیبایی «متضاد: قُبْح»

جَمَعَ: جمع کرد (مضارع: يَجْمَعُ)

جَمِيل: زیبا «متضاد: قَبِيح»

جَنْب: کنار

جَنَّة: بهشت

جُنْدِي: سرباز «جمع: جُنُود»

جَوّ: هوا

جَواز، جَوَازُ السَّفَر: گذرنامه

«جمع: جَوَازات» ۳

جَوَال، الْهَاتِفُ الْجَوَال: تلفن همراه

جَهَّز: مجهز کرد

(مضارع: يُجَهِّزُ / مصدر: تَجْهِيْز) ۱

جَهْل: نادانی «متضاد: عِلْم»

جَيِّدًا: خوب، به خوبی

## ح

حاجة: نیاز «جمع: حَوَائِج»

حاد: تیز ۸

حَادِي عَشْرَ، حَادِيَة عَشْرَة: یازدهم

حَار: گرم «متضاد: بارِد»

حاسوب: رایانه «جمع: حَوَاسِب»

حَافِظَ عَلَي: نگهداری کرد از

(مضارع: يُحَافِظُ / مصدر: مُحَافَظَة) ۲



حَافِلَةٌ: اتوبوس «جمع: حافلات»

حَاوَلٌ: تلاش کرد

(مضارع: يُحَاوِلُ / مصدر: مُحَاوَلَةٌ)

حَبٌّ: دانه

«جمع: حُبُوب / حَبَّةٌ: یک دانه»

حُبٌّ: دوست داشتن

حَبَلٌ: طناب «جمع: حِبَال» ۴

حُبُوبٌ مُسَكَّنَةٌ: قرص‌های مسکن

حَبِيبٌ: دوست، یار

«مترادف: صَدِيق / متضاد: عَدُوٌّ»

حَتَّى: تا، تا اینکه

«حَتَّى تَبْتَئِدَ: تا دور شود» ۵

حَجَرٌ: سنگ «جمع: أَحْجار»

حُجْرَةٌ: اتاق (جمع: حُجُرَات) ۲

حَذَاذٌ: آهنگر

حَدَثٌ: اِتِّفَاق افتاد (مضارع: يَحْدُثُ)

حُدُودٌ: مرز، مرزها

حَدِيقَةٌ: باغ «جمع: حَدَائِقُ»

حَدِيقَةُ الْحَيَوَانَاتِ: باغ وحش

حَذَرٌ: هشدار داد

(مضارع: يُحَذِّرُ / مصدر: تَحْذِيرٌ)

حُرٌّ: آزاد، آزاده ۲

حَرْبٌ: جنگ

حَرْبَاءٌ: آفتاب‌پرست ۵

حَرَسٌ: نگهداری کرد، نگهبانی داد

(مضارع: يَحْرُسُ)

حَرَكٌ: تحریک کرد

(مضارع: يُحَرِّكُ / مصدر: تَحْرِيكٌ)

حَرَكٌ: حرکت داد

(مضارع: يُحَرِّكُ / مصدر: تَحْرِيكٌ) ۵

حُرِّيَّةٌ: آزادی ۴

حَزَنٌ: غمگین شد (مضارع: يَحْزَنُ)

«متضاد: فَرَحٌ»

حَزِينٌ: غمگین

«متضاد: مَسْرُور و فَرَحٌ»

حُسامٌ: شمشیر

حَسَبٌ: پنداشت (مضارع: يَحْسَبُ)

حُسْنٌ: خوبی «متضاد: قُبْحٌ، سوء»

حُسْنُ الْخُلُقِ: خوش اخلاقی

حُسْنُ الْعَهْدِ: خوش پیمانی

حَسَنٌ، حَسَنَةٌ: خوب

حَسَنًا: بسیار خوب ۳

حِصَّةٌ: زنگ درسی، قسمت ۲

حَصَدٌ: درو کرد (مضارع: يَحْصُدُ)

حَصَلَ عَلَيَّ: به‌دست آورد

(مضارع: يَحْصُلُ) ۶

حَطَبٌ: هیزم

حِفَاطٌ عَلَيَّ: نگهداری از ۲

حَقَرٌ: گند (مضارع: يَحْفِرُ)

حَفِظٌ: حفظ کرد (مضارع: يَحْفَظُ)

حَقْلَةُ الزَّوْاجِ: جشن عروسی

حَقْلَةُ الْمِيلَادِ: جشن تولد

حَقِيبَةٌ: کیف، چمدان

«جمع: حَقَائِبُ»

حَلٌّ بِ: در ... فرود آمد

(مضارع: يَحِلُّ) ۹

حَلْوَانِيٌّ: شیرینی‌فروش

حَلَوِيَّاتٌ: شیرینیجات ۶

حَلِيبٌ: شیر

حَمَامَةٌ: کبوتر

حَمْلٌ: بُرْدَن، حمل کردن

حَمِيمٌ: گرم و صمیمی ۴

حَتْفِيَّةُ الْمَاءِ: شیر آب ۲

حِوَارٌ: گفت‌وگو

حَوَائِجٌ: نیازها

حَوْلٌ: اطراف

حَوَّلٌ: تبدیل کرد

(مضارع: يُحوِّلُ / مصدر: تَحْوِيلٌ) ۵

حَيَاءٌ: شرم

حَيّ: زنده «جمع: أحياء»

حَيَاة: زندگی «متضاد: مَوْت»

حَيَّرَ: حیران کرد (مضارع: يُحَيِّرُ) ۳

## خ

خَاتَم: انگشتر «جمع: خَوَاتِم»

خَافَ: ترسید (مضارع: يَخَافُ)

خَامِسَ عَشَرَ، خَامِسَةَ عَشْرَةَ: پانزدهم

خَامِس، خَامِسَةَ: پنجم

خَائِف: ترسیده، ترسان

خَبَاز: نانوا

خُبْز: نان

خَدَمَ: خدمت کرد (مضارع: يَخْدُمُ)

خَرَجَ: بیرون رفت (مضارع: يَخْرُجُ)

خَرِيف: پاییز

خِزَانَةٌ: انبار «جمع: خِزَانَات» ۵

خِزَانَةٌ: گنجینه «جمع: خِزَائِن»

خُسْرَان: زیان

خَشَب: چوب «جمع: أَخْشَاب»

خَضِر، خَضِرَةٌ: سرسبز ۱

خَطَأً: خطا «جمع: أَخْطَاء»

خَطَايَا: گناهان، خطاها

«مفرد: خَطِيئَةٌ»

خَلَاب: جذّاب ۶

خِلَاف: اختلاف ۴

خَلَقَ: بسیار آفریننده ۵

خَلَف: پشت

«مترادف: وَرَاء / متضاد: أَمَام»

خَلَقَ: آفرید (مضارع: يَخْلُقُ)

خُمْس: یک پنجم ۴

خَمْسَةَ، خُمْس: پنج

خَمِيس، يَوْمَ الْخَمِيسِ: پنجشنبه

خَوْف: ترس، ترسیدن

خَيْرَ: بهتر، بهترین، خوبی

## د

دَارَ: چرخید (مضارع: يَدُورُ) ۱

دَجَاج: مرغ ۷

دُخَان: دود

دَخَلَ: داخل شد (مضارع: يَدْخُلُ)

دُرّ: مروارید (جمع: دُرَر) ۱

دِرَاسَة: درس خواندن

دِرَاسِيّ: تحصیلی

دَرَسَ: درس خواند (مضارع: يَدْرُسُ)

دَرَسَ: درس داد

(مضارع: يُدْرُسُ / مصدر: تَدْرِيس)

دَعَا: فرا خواند، دعا کرد

(مضارع: يَدْعُو) ۴

دَفَعَ: دورکرد، پرداخت

(مضارع: يَدْفَعُ)

دَلَّ: راهنمایی کرد (مضارع: يَدُلُّ) ۵

دَلِيل: راهنما «جمع: أدِلَّة»

دُمُع: اشک «جمع: دُمُوع»

دَوَاء: دارو «جمع: أدوية» ۷

دَوَام: ساعت کار

(دَوَام مَدْرَسِيّ: ساعت کار مدرسه) ۲

دَوْر: نقش ۸

دَوْرَةُ الْمِيَاهِ: سرویس بهداشتی ۲

دَوْرَان: چرخیدن

دَوْلَة: کشور، حکومت «جمع: دُول» ۶

دَوْن أَنْ: بی آنکه «دَوْن أَنْ يَحْرُكَ:

بی آنکه حرکت دهد» ۵

دَهْر: روزگار

## ذ

ذَا: این «مَنْ ذَا: این کیست؟» ۱

ذَات: دارای ۱

ذَاكِرَة: حافظه ۸

ذَاكَ: آن ۱

ذَاهِب: رفته

ذَكَر: مرد، نر ۴

ذَكَر: یاد کرد

(مضارع: يَذْكُرُ) «متضاد: نَسِيَ»

ذِكْرَى: خاطره «جمع: ذِكْرِيَات» ۴

ذَلِكَ: آن «مذکر»

ذَنْب: دُم «جمع: أَذْنَاب» ۵

ذَنْب: گناه «جمع: ذُنُوب»

ذَهَب: رفت

(مضارع: يَذْهَبُ / مصدر: ذَهَاب)

ذَهَب: طلا

ذئب: گرگ «جمع: ذِئَاب»

ر

رَابِع، رَابِعَة: چهارم

رَاحِم: رحم کننده

رَأْس: سر

رَاسِب: مردود

رَاقِد: بستری

رَأَى: دید «مضارع: يَرَى»

رَأَى: نظر، فکر

رَائِحَة: بو

رَائِع: جالب ۶

رُبَّ: چه بسا

رَبِيع: بهار

رَجَاء: امید

رَجَاء: لطفاً

رَجَع: برگشت (مضارع: يَرْجِعُ)

رَجُل: مرد «جمع: رِجَال»

رُجُوع: برگشتن

رَحِم: رحم کرد (مضارع: يَرْحِمُ)

رَخِيس، رَخِيسَة: ارزان

رُز: برنج

رِسَالَة: نامه «جمع: رَسَائِل»

رَسَم: نقاشی کرد

(مضارع: يَرْسُمُ / مصدر: رَسَمَ)

رضا: رضایت

رَفَعَ: بالا برد، برداشت

(مضارع: يَرْفَعُ)

رَفَدَ: بستری شد، خوابید

(مضارع: يَرْفُدُ)

رَكَب: سوار شد (مضارع: يَرْكَبُ)

رُمان: انار

رَمَى: پرت کرد (مضارع: يَرْمِي) ۲

رِيَاضَة: ورزش

رِيَاضِيّ: ورزشکار

رِيح: باد «جمع: رِيَاح»

رِفْيِيّ: روستایی ۶

رَئِيسِيّ: اصلی

ز

زائد: به اضافه ۲

زَادَ: زیاد کرد، زیاد شد

(مضارع: يَزِيدُ)

زَان: زینت داد (مضارع: يَزِينُ) ۱

زُبْدَة: کره ۷

زُجَاجَة عِطْر: شیشه عطر

زِرَاعِيّ: کشاورزی

زَرَعَ: کاشت (مضارع: يَزْرَعُ)

زَمِيل: هم شاگردی، همکار، همسفر و

یار «جمع: زُمَلَاء»

زَوْجَة: همسر «زوج: شوهر»

زَهْر: شکوفه، گل «زَهْرَة: یک

شکوفه، یک گل / جمع: أَزْهَار»

زَيْت: روغن «جمع: زُيُوت» ۵

## س

سَبَّ سَوْفَ: نشانه آینده

سَابِع، سَابِعَة: هفتم

سَاجِد: سجده کننده

سَاحَة: حیاط، میدان

سَادِس، سَادِسَة: ششم

سَارَ: حرکت کرد (مضارع: يَسِيرُ) ۵

سَاعَدَ: کمک کرد

(مضارع: يُسَاعِدُ / مصدر: مُسَاعَدَة)

سَافَرَ: سفر کرد

(مضارع: يُسَافِرُ / مصدر: مُسَافَرَة)

سَأَلَ: پرسید، درخواست کرد

(مضارع: يَسْأَلُ)

سَائِح: گردشگر «جمع: سَائِحُونَ» ۲

سَائِق: راننده

سَائِل: مایع، پرسشگر ۵

سَاوَى: برابر شد

(مضارع: يُسَاوِي / مصدر: مُسَاوَاة) ۲

سَبَّ: دشنام داد (مضارع: يَسُبُّ) ۴

سَبْت، يَوْمُ السَّبْت: شنبه

سَبَّحَ: به پاکی یاد کرد ۷

(مضارع: يُسَبِّحُ / مصدر، تَسْبِيح)

سَبْعَة، سَبْع: هفت

سَبْعِيْنَ، سَبْعُونَ: هفتاد

سَبْتَة، سَبْت: شش

سَتَرَ: پوشاند، پنهان کرد

(مضارع: يَسْتُرُ)

سَجَاجِيد: فرش‌ها «مفرد: سَجَاد» ۶

سَجَدَ: سجده کرد (مضارع: يَسْجُدُ)

سَحَاب: ابر

سَحَبَ: کشید (مضارع: يَسْحَبُ) ۳

سَخَاء، سَخَاوَة: بخشندگی

سِرْوَال: شلوار «جمع: سِرَاوِيل»

سَرِير: تخت «جمع: أَسِرَّة» ۸

سَفَرَة: سفر

سَفَرَة عِلْمِيَّة: گردش علمی

سَفِينَة: کشتی

«جمع: سَفُن و سَفَائِن»

سَكَّتَ: ساکت شد (مضارع: يَسْكُتُ)

سَلِمَ: سالم ماند (مضارع: يَسَلِّمُ)

سَلَّمَ: سلام کرد، تحویل داد

(مضارع: يُسَلِّمُ / مصدر: تَسْلِيم)

سَلَمِيَّاء: مُسَالَمَت آمیز

«سَلَّمَ: صلح» ۴

سَمَاء: آسمان «جمع: سَمَاوَات»

سَمَاد: کود ۷

سَمَاوِي: آسمانی

سَمَحَ: اجازه داد (مضارع: يَسْمَحُ)

سَمْع: شنوایی ۸

سَمِعَ: شنید (مضارع: يَسْمَعُ)

سَمَكَة: یک ماهی «جمع: سَمَكَات»

سَمَك: ماهی «جمع: أَسْمَاك»

سَمَك الْقُرْش: کوسه ماهی ۸

سَمَى: نامید

(مضارع: يُسَمِّي / مصدر: تَسْمِيَة) ۳

سِنَن: دندان «جمع: أَسْنَان»

سَنَة: سال «جمع: سَنَوَات و سِنُونَ

و سِنِينَ»

سَنَوِيَّاء: سالانه ۳

سَوء: بدی، بد

سَوَاء: یکسان ۴

سِوَار: دستبند «جمع: أَسَاوِر» ۸

سَوْدَاء: سیاه (مؤنث أَسْوَد) ۳

سَوَق: بازار «جمع: أَسْوَاق»

سَهْل: آسان

سِيَاخَة: جهانگردی، گردشگری ۶

سَيَّارَة: خودرو

سَيَّارَةُ الْأَجْرَةِ: تاکسی

سَيِّد: آقا

سَيِّدَة: خانم

سَيِّئ، سَيِّئَة: بد ۴

«جمع: أَشْرَبَة»

شَرِبَ: نوشید (مضارع: يَشْرَبُ)

شَرَحَ: شرح داد (مضارع: يَشْرَحُ)

شَرَرَة: زبانه آتش ۱

شَرَّفَ: ملافه «جمع: شَرَاف» ۸

شُرْطَة: اداره پلیس

شُرْطِي: پلیس

شَرَّفَ: مشرف فرمود، افتخار داد

(مضارع: يُشَرِّفُ / مصدر: تَشْرِيف) ۳

شَرِكَة: شرکت «جمع: شَرِكَات»

شُعْب: ملّت «جمع: شُعُوب» ۲

شَعَرَ بِ: احساس...کرد

(مضارع: يَشْعُرُ / مصدر: شُعُور)

شَقَى: شکافت (مضارع: يَشْقِي) ۱

شَقَاوَة: بدبختی

شَكَرَ: تشکر کرد

(مضارع: يَشْكُرُ / مصدر: شُكْر)

شُكْرًا جَزِيلًا: بسیار سپاسگزارم

شَلال: آبشار «جمع: شَلالات»

شَمَّ: بویید (مضارع: يَشْمُ) ۸

شَمْس: خورشید

شَهِدَ: شاهد بود (مضارع: يَشْهَدُ) ۳

شَهْر: ماه «جمع: شُهُور»

## ص

صَادِق: راستگو

صَارَ: شد (مضارع: يَصِيرُ)

صَالِح: درستکار

صَبَاحُ الْخَيْرِ، صَبَاحُ النَّورِ: صبح به‌خیر

صِحَّة: تندرستی

صَحْرَاوِيَّة: کویری ۶

صَحِيفَة: روزنامه «جمع: صُحُف»

صَحِيفَة جِدَارِيَّة: روزنامه دیواری

صَخْر: صخره «جمع: صُخُور» ۷

صُدَاع: سردرد

صَدَاقَة: دوستی

صَدُر: سینه «جمع: صُدُور» ۵

صَدَّرَ: صادر کرد

(مضارع: يُصَدِّرُ / مصدر: تَصْدِير) ۷

صَدَّقَ: باور کرد

(مضارع: يُصَدِّقُ / مصدر: تَصْدِيق) ۳

صَدَّقَ: راست گفت

(مضارع: يَصْدُقُ / مصدر: صِدْق)

صَدِيق: دوست

«جمع: أَصْدِقَاء / متضاد: عَدُو»

## ش

شَابَ: جوان «جمع: شَبَاب»

شَارِع: خیابان «جمع: شَوَارِع»

شَاطِئ: ساحل «جمع: شَوَاطِئ» ۶

شَاهِدَ: دید

(مضارع: يُشَاهِدُ / مصدر: مُشَاهَدَة)

شاي: چای

شَبَاب: دوره جوانی، جوانان

«مفرد: شَاب»

شَبَكَة: تور

شِئَاء: زمستان

شَجَر: درخت «جمع: أَشْجَار»

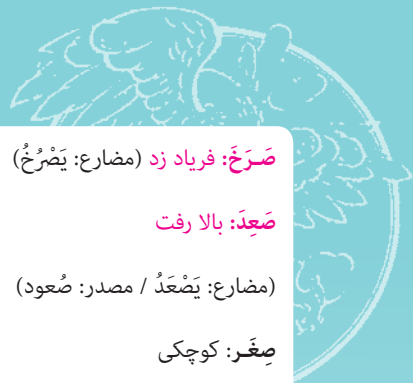
شَجَرَة: یک درخت «جمع: شَجَرَات»

شَجَّعَ: تشویق کرد

(مضارع: يُشَجِّعُ / مصدر: تَشْجِيع)

شِرَاء: خریدن «متضاد: بَيْع»

شَرَاب: نوشیدنی، شربت



**صَرَخَ:** فریاد زد (مضارع: يَصْرُخُ)

**صَعِدَ:** بالا رفت

(مضارع: يَصْعَدُ / مصدر: صُعود)

**صَغَرَ:** کوچکی

**صَغِير:** کوچک

«جمع: صِغار، متضاد: کبیر»

**صَفَّ:** کلاس «جمع: صُفوف»

**صَفَّرَ:** سوت زد (مضارع: يَصْفِرُ) ۸

**صَلَاة:** نماز

**صَلَحَ:** تعمیر کرد

(مضارع: يُصْلِحُ / مصدر: تَصْلِيح) ۸

**صِنَاعَة:** صنعت

**صِنَاعِيَّة:** صنعتی

**صَنَعَ:** ساخت (مضارع: يَصْنَعُ)

**صُور مُتَحَرِّكَة:** عکس‌های متحرک

**صُورَة:** عکس «جمع: صُور»

**صَوْم:** روزه

**صِيَام:** روزه ۷

**صِيَانَة:** نگهداری، تعمیر ۷

**صَيْدَلِي:** داروفروش ۶

**صَيْدَلِيَّة:** داروخانه ۶

**صَيَّرَ:** گردانید (مضارع: يُصَيِّرُ) ۱

**صَيْف:** تابستان

**الصَّيْن:** چین

## ض

**صَحِيحَة:** خندید (مضارع: يَضْحَكُ)

**ضَرَبَ:** زد (مضارع: يَضْرِبُ)

**ضَعُ:** بگذار ۱

**ضِعْف:** برابر در مقدار

«ضِعْفَيْنِ: دو برابر» ۷

**ضَغَطُ الدَّم:** فشار خون

**ضَوْء:** نور «جمع: أضواء» ۵

**ضياء:** روشنائی ۱

**ضياقة:** مهمانی

**ضَيْف:** مهمان «جمع: ضُيُوف»

## ط

**طازج:** تازه

**طاقة كهربائية:** نیروی برق

**طالِب:** دانش‌آموز، دانشجو

«جمع: طُلَّاب»

**طائر:** پرنده «جمع: طُيُور»

**طائرة:** هواپیما «جمع: طَائِرَات»

**طَبُّ الْعَيْن:** چشم‌پزشکی

**طَبَاخ:** آشپز

**طَبَخَ:** پخت (مضارع: يَطْبُخُ)

**طَبَعَ:** چاپ کرد (مضارع: يَطْبَعُ)

**طَرَدَ:** با تندی راند (مضارع: يَطْرُدُ)

**طَرَقَ:** کوبید (مضارع: يَطْرُقُ)

**طَعَام:** خوراک «جمع: أَطْعَمَة»

**طُفُولَة:** کودکی

**طَلَبَ:** درخواست کرد

(مضارع: يَطْلُبُ)

**طَمَعَ:** طمع ورزید (مضارع: يَطْمَعُ) ۵

**طَيَّار:** خلبان

**طَيْر:** پرنده «جمع: طُيُور» ۸

## ظ

**ظَاهِرَة:** پدیده «جمع: ظَوَاهِر» ۳

**ظلام:** تاریکی ۵

**ظَلَمَ:** ستم کرد (مضارع: يَظْلِمُ)

**ظَنَّ:** گمان کرد (مضارع: يَظُنُّ)

**ظَهَرَ:** آشکار شد (مضارع: يَظْهَرُ)

## ع

**عاد:** پناه برد (مضارع: يَعُوذُ) ٥

**عاش:** زندگی کرد (مضارع: يَعِيشُ)

عاشی، عاشره: دهم

عالم: جهان

عالمی: جهانی، بین المللی

عالمین: جهانیان

عام: سال «جمع: أَعوام»

عام درسی: سال تحصیلی

عامل: کارگر «جمع: عُمال»

عباءة: چادر

عبد: بنده «جمع: عباد»

عبر: از راه ۳

**عبر:** عبور کرد (مضارع: يَعْبُرُ)

عبره: پند «جمع: عِبَر»

عتیق: کهنه

**عَجَز:** ناتوان شد (مضارع: يَعْجِزُ)

عداوة: دشمنی «متضاد: صداقة»

عدو: دشمن «جمع: اَعداء»

عدوان: دشمنی «متضاد: صداقة»

**عذر:** عذر پذیرفت (مضارع: يَعْذِرُ) ٤

عربة: واگن، گاری

**عرف:** شناخت، دانست

(مضارع: يَعْرِفُ)

**عرف:** معرفی کرد

(مضارع: يُعْرِفُ / مصدر: تَعْرِيف) ٨

عز، عزه: ارجمندی

عزل: برکنار کردن

**عزم:** تصمیم گرفت (مضارع: يَعْزِمُ) ٨

عش: لانه

عشاء: شام

عُشْب طَبِی: گیاه دارویی

«جمع: أَعْشَاب طَبِیَّة» ٥

عشر، عشرة: ده

**عصف:** وزید (مضارع: يَعْصِفُ)

عُصفور: گنجشک «جمع: عَصافِر»

عَصِرُ الْفَاكِهَة: آبمیوه

عطر: عطر زد

(مضارع: يُعْطِرُ / مصدر: تَعْطِير)

عطلة: تعطیلی ٦

**عفا:** بخشید (مضارع: يَعْفُو) ٨

عَفْواً: ببخشید

علم: پرچم «جمع: أعلام»

**علم:** دانست (مضارع: يَعْلَمُ)

علی: بر، روی

علی الیسار: سمت چپ

علی الیمین: سمت راست

علی مر العصور: در گذر زمان

«عُصور جمع عصر» ٤

عَلَيْكَ بِ...: بر تو لازم است...، تو

باید ...

عمارة: ساختمان ٦

**عمل:** انجام داد، کار کرد

(مضارع: يَعْمَلُ)

عمود: ستون «جمع: أعمدة»

عمیل: مزدور «جمع: عَمَلَاء» ٤

عن: درباره، از

عنب: انگور

عند: هنگام، نزد، کنار، داشتن

عندما: وقتی که

عندئذ: در این هنگام ٢

**عوض:** جبران کرد

(مضارع: يُعْوِضُ / مصدر: تَعْوِض) ٥

عیش: زندگی

عین: چشم، چشمه «جمع: عُیون»

**عین:** مشخص کرد

(مضارع: يُعَيِّنُ / مصدر: تَعْيِين) ١



## غ

غَابَة: جنگل

غَارَة: حمله

«غارات لَيْلِيَّة»: حملات شبانه

غاز: گاز ۷

غالي (غال): گران

«متضاد: رَخِيص»

غَايَة: پایان، هدف

عَدَاءُ: فردا

عَدَاء: ناهار

عُرَاب: کلاغ

عُرْفَة: اتاق «جمع: عُرف»

عَرَق: غرق شد (مضارع: يَغْرُقُ)

عَرَال: آهو «جمع: غِرَالان»

عَسَل: شُست (مضارع: يَغْسِلُ)

عَضِب: خشمگین شد

(مضارع: يَعْصِبُ)

عَفَر: آمرزید (مضارع: يَغْفِرُ)

عَنَى: آواز خواند (مضارع: يُعْنِي) ۸

عَيَّر: تغییر داد

(مضارع: يُعَيِّرُ / مصدر: تَغْيِير)

غِيم: ابر «مترادف: سَحَاب» ۱

## ف

فَد: پس، و

فارِغ: خالی ۲

فاعِل: انجام دهنده

فاق: برتری یافت (مضارع: يَفُوقُ) ۲

فاكِهَة: میوه «جمع: فَوَاكِه»

فائِز: برنده

فَتَح: باز کرد (مضارع: يَفْتَحُ)

فَجَاءَة: ناگهان

فَحَص: معاینه کرد (مضارع: يَفْحَصُ)

فَحَص: معاینه کردن

فَرَاغ: جای خالی ۱

فَرَح: خوشحال شد

(مضارع: يَفْرَحُ / مصدر: فَرَح)

فَرَح: شاد ۴

فَرَح: جوجه «جمع: فِرَاح»

فَرَس: اسب

فُرْشَة: مسواک

فَرَع: خالی شد (مضارع: يَفْرَعُ) ۲

فَرَق: جدایی انداخت

(مضارع: يُفَرِّقُ / مصدر: تَفْرِيق) ۴

فَرِيضَة: واجب دینی «جمع: فَرَائِض»

فَرِيق: تیم، گروه «جمع: أَفْرِقَة»

فُسْتَان: پیراهن زنانه

«جمع: فَسَاتِين»

فُسْتُق: پسته ۶

فِضَّة: نقره

فَضْل: برتری، فزونی ۴

فَطُور: صبحانه

فِعْل: کار، انجام دادن «جمع: أَفْعَال»

فَعَلَ: انجام داد

(مضارع: يَفْعَلُ / مصدر: فَعَلَ)

فَقَدَ: از دست داد

(مضارع: يَفْقِدُ / مصدر: فَقَدان)

فَلَّاح: کشاورز

فِلْم: فیلم «جمع: أَفلام» ۳

فُنْدُق: هتل «جمع: فَنَادِق»

فَوُق: بالا، روی «متضاد: تَحْت»

فَهِم: فهمید (مضارع: يَفْهَمُ)

في: در، داخل

في أَمَانِ اللَّهِ: خداحافظ

## ق

قاتِل: جنگید

(مضارع: يُقَاتِلُ / مصدر: مُقَاتَلَة) ۷



قَادِم: آینده

قَاطِع: بُرنده

قَاطِعُ الرَّحِم: بُرندهٔ پیوند خویشان

قَاعَة: سالن ۱

قَافِلَة: کاروان «جمع: قَوَافِل»

قَالَ: گفت (مضارع: يَقُولُ)

قَالَ فِي نَفْسِهِ: با خودش گفت

قَامَ: برخاست

(مضارع: يَقُومُ / مصدر: قِيَام) ۲

قَامَ بِ: اقدام کرد ۲

قَائِد: رهبر «جمع: قَادَة» ۴

قَائِم: استوار، ایستاده ۴

قَائِمَة: لیست ۶

قُبْح: زشتی «متضاد: جَمَال»

قَبْلَ: بوسید

(مضارع: يُقَبِّلُ / مصدر: تَقْبِيل)

قَبْلَ: پذیرفت

(مضارع: يَقْبَلُ / مصدر: قَبُول)

قَبْلُ أُسْبُوعٍ: هفته قبل

قُبَّة: گنبد ۶

قَبِيح: زشت

قَتَلَ: کُشت

(مضارع: يَقْتُلُ / مصدر: قَتْل) ۱

قَدَرَ: توانست

(مضارع: يَقْدِرُ / مصدر: قُدْرَة)

قَدَم: پا «جمع: أَقْدَام»

قَدَفَ: انداخت (مضارع: يَقْدِفُ)

قَرَأَ: خواند

(مضارع: يَقْرَأُ / مصدر: قِرَاءَة)

قَرِيبٌ مِنْ: نزدیک شد به

(مضارع: يَقْرُبُ)

قَرِيبٌ مِنْ: نزدیک به

«متضاد: بَعِيدٌ عَنْ»

قَرِيَّة: روستا «جمع: قُرَى»

قَسَمَ: قسمت کرد (مضارع: يَقْسِمُ) ۵

قَسَمَ: تقسیم کرد

(مضارع: يُقْسِمُ / مصدر: تَقْسِيم)

قَشَر: پوست

قَصِير: کوتاه

قَضَاءُ الْعُطْلَاتِ: گذراندن تعطیلات ۶

قَطَأَ: گریه ۵

قَطَعَ: بُرید

(مضارع: يَقْطَعُ / مصدر: قَطْع)

قُطْن: پنبه ۶

قَفَزَ: پرید، جهش کرد

(مضارع: يَقْفِزُ) ۸

قُل: بگو ۱

قَلَّ: کم شد

(مضارع: يَقِلُّ / مصدر: قِلَّة)

قَلِيل: کم «متضاد: کَثِير»

قَمَح: گندم

قَمَر: ماه «جمع: أَقْمَار»

قَمِيص: پیراهن

قَوْل: گفتار

قِيَام: برخاستن

قَيَّدَ: بند ۵

قِيَمَة: ارزش، قیمت

## ک

كَ: مانند

كَ: ت، -ِ تو «مذکر»

كَ: ت، -ِ تو «مؤنث»

كَاتِب: نویسنده

كَانَ: بود (مضارع: يَكُونُ)

كَأَنَّ: گویی، انگار

كَبِرَ: بزرگسالی «متضاد: صَغَرَ»

كَبِير: بزرگ «متضاد: صَغِير»

كَتَبَ: نوشت (مضارع: يَكْتُبُ)

کتابه: نوشتن

گَتَم: پنهان کرد (مضارع: يَكْتُم)

گُتَر: زیاد شد (مضارع: يَكْتُر)

گَثیر: بسیار «متضاد: قلیل»

گَدَب: دروغ گفت

(مضارع: يَكْذِب) «متضاد: صَدَق»

گَذَلَك: همین‌طور ۸

گُرة: توپ

گُرةُ الْقَدَم: فوتبال

گُرةُ الْمِنَصْدَةِ: تنیس روی میز

گُرسِي: صندلی «جمع: گراسِي»

كَشَف: آشکار کرد

(مضارع: يَكْشِف / مصدر: كَشَف)

کلام: سخن

کَلَب: سگ «جمع: کِلاب»

کُحْم: یتان، - شما «جمع مذکر»

کَم: چند، چقدر

کُما: یتان، - شما «مثنی»

کَمَل: کامل کرد

(مضارع: يُكْمِل / مصدر: تَكْمِيل) ۱

کَمَا: همان‌گونه که

کُنَّ: یتان، - شما «جمع مؤنث»

کُنز: گنج «جمع: کُنُوز»

کَهْرَباء: برق

کَهَف: غار «جمع: کُهُوف» ۶

کیمیاء: شیمی

کَيْفَ: چطور؟

کیمیائی: شیمیایی

## ل

ل: دارد، برای «گاهی ل به ل تبدیل

می‌شود؛ مانند: لَهُ، لَكَ»

لا: نه، نیست، حرف نفی مضارع

لا بَأْس: اشکالی ندارد

لَا بُدَّ مِنْ: ناگزیر ۶

لا شُكْرَ عَلَى الْوَاجِب: وظیفه‌ام

است؛ تشکر لازم نیست

لَاخَظَ: ملاحظه کرد

(مضارع: يُلَاخِظُ / مصدر: مُلَاخَظَة) ۳

لَاعِب: بازیکن

لَامَ: ملامت کرد (مضارع: يَلُوم)

لِأَنَّ: زیرا

لَبِثَ: اقامت کرد و ماند

(مضارع: يَلْبِثُ) ۲

لَبَسَ: پوشید (مضارع: يَلْبَسُ)

لَبَوْنَة: پستاندار «جمع: لَبُونَات» ۸

لَدَى: نزد «لَدَيْهِمْ: دارند» ۴

لِسَان: زبان

لَعِبَ: بازی کرد (مضارع: يَلْعَبُ)

لَعِبَ بِ: به بازی گرفت

لَعِقَ: لیسید (مضارع: يَلْعَقُ) ۵

لُغَة: زبان

لُغَاةُ: باند زخم ۶

لَقَدْ: قطعاً

لَيْكُنَّ، لَيْكُنْ: ولی

لِمَ: برای چه؟ (ل + ما)

لَمَّا: هنگامی‌که

لِمَاذَا: چرا؟

لِمَنْ: مالِ چه کسی، مالِ چه

کسانی؟

لَوْحَة: تابلو

لَوْن: رنگ «جمع: ألوان»

لَيْسَ: نیست

لَيْل: شب «جمع: لَيَالِي»

لَيْمُون: لیمو

ما: آنچه

ما: حرف نفی ماضی

ما أَجْمَل: چه زیباست! ۲

ما بِك: تو را چه می‌شود؟

ما؟: چه، چه چیز، چیست؟

ماء: آب «جمع: میاه»

ماذا: چه، چه چیز؟

مارَسَ: انجام داد، تمرین کرد

(مضارع: يُمارِسُ/ مصدر: مُمارَسة) ۲

ماشي: پیاده «جمع: مُشاة»

ماشى: باهم راه رفتند

(مضارع: يُماشى/ مصدر: مُماشاة) ۴

مائدة: سفره غذا

مَبْرُوك: مبارک

مُبِيدَةُ الْحَشَرَات: حشره‌کش

«مُبِيدَة: از بین برنده» ۷

مُبِين: آشکار

مُتَحَف: موزه

مَتَى: چه وقت؟

مِثَالِي: نمونه

مُجَالَسَة: همنشینی

مُجْتَهِد: کوشا

مُجِدّ: کوشا

مُجَبَّف: خشک شده

مَجْنُون: دیوانه

مَجْهُول: ناشناخته، گمنام

مُحَافَظَة: استان، نگهداری

مُحَاوَلَة: تلاش

مِحْرَار: دماسنج ۶

مَحْطَة: ایستگاه ۷

مُحِيطٌ أَطْلَسِي: اقیانوس اطلس ۳

مُخْتَبَر: آزمایشگاه

مَخْزَن: انبار «جمع: مَخازِن»

مَدُّ خُطوطِ الْأَنْبِيبِ:

کشیدن خطوط لوله ۷

مُدَارَة: مدارا کردن

مُدَرِّس: معلّم

مَدِينَة: شهر «جمع: مُدُن»

مَرَأَة (الْمَرَأَة): زن

مُرَاجَعَة: دوره

مُرَافِق: همراه ۳

مُرَافِق عَامَّة: تأسیسات عمومی ۲

مَرَّة: بار، دفعه

مَرْحَباً بِكُمْ: خوش آمدید، درود بر شما ۳

مَرَحْمَة: مهربانی

مَرَضُ السُّكَّر: بیماری قند

مَرَق: خورش ۷

مُرور: گذر کردن

مَرِيض: بیمار «جمع: مَرَضَى»

مُرْدَحِم: شلوغ

مَسَاء: شب، بعدازظهر

مُسَاعَدَة: کمک

مُسْتَشْفَى: بیمارستان

مُسْتَعِر، مُسْتَعْرَة: فروزان ۱

مُسْتَعِين: یاری جوینده ۱

مُسْتَوْصَف: درمانگاه

مُسَجِّل: دستگاه ضبط

مَسْرُور: خوشحال «متضاد: حَزِين»

مُسْلِم: مسلمان

مَسْمُوح: مجاز

مَسْؤُولُ الْإِسْتِقبال: مسئول پذیرش ۷

مُشْرِف: مدیر داخلی ۸

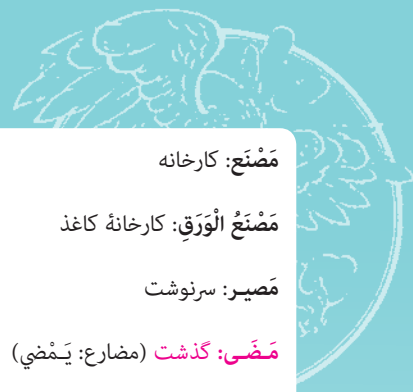
مِشْمِش: زردآلو

مِصْبَاح: چراغ «جمع: مِصَابِیح»

مُصْحَف: قرآن

مُصَدِّرَة: صادرکننده ۷

مَصْفَى: پالایشگاه «جمع: مَصَافِي» ۷



مَصْنَع: کارخانه

مَصْنَعُ الْوَرَقِ: کارخانه کاغذ

مَصِير: سرنوشت

مَضَى: گذشت (مضارع: يَمْضِي)

مُضِيء: نورانی ۵

مِضْيَاف: مهمان نواز ۲

مَطَار: فرودگاه ۱

مَطَاط: پلاستیک، کائوچو ۷

مَطْبَعَة: چاپخانه «جمع: مَطَابِع»

مَطَر: باران «جمع: أَمْطَار»

مَطْعَم: غذاخوری، رستوران

«جمع: مَطَاعِم»

مُطَهِّر: پاک کننده ۵

مَعَ: همراه، با

مَعَ الْأَسَفِ: متأسفانه ۱

مَعَ السَّلَامَةِ: به سلامت

مَعَالِم: آثار ۶

مَعًا: با هم

مَعَ بَعْضٍ: با همدیگر ۴

مَعْجُونُ أَسْنَانٍ: خمیر دندان

مُعَلَّق: بسته شده ۲

مِفْتَاح: کلید «جمع: مَفَاتِيح»

مُفْتِكِر، مُفْتَكِرَة: اندیشمند ۱

مَفْرُوش: پوشیده ۳

مَكْتَبَة: کتابخانه

مُكْرَم: گرامی

مُكَيِّفُ الْهَوَاءِ: کولر ۲

مَلَأَ: پر کرد (مضارع: يَمْلَأُ)

مَلَابِس: لباس ها

مَلْحُوظ: قابل ملاحظه ۶

مَلْعَب: زمین بازی، ورزشگاه

«جمع: مَلَاعِب»

مِلَف: پرورنده

مَلِك: پادشاه «جمع: مُلُوك» ۸

مَلَك: مالک شد، دارد، فرمانروایی کرد

(مضارع: يَمْلِكُ) ۵

مَمَر: راهرو، گذرگاه

مَمَرُ الْمَشَاةِ: گذرگاه پیاده

مُمْرَض: پرستار

مَمْلُوء بِ: پر از

مِنْ: از

مَنْ: چه کسی؟ چه کسانی؟ هرکس

مَنَاطِقُ الْجَذِبِ السِّيَاحِيِّ: مناطق

دارای جاذبه جهانگردی ۶

مِنْ أَيْنَ: از کجا، اهل کجا؟

مُنَحَدَر: سرازیری ۷

مِنْ دُونِ اللَّهِ: به جای خدا، به غیر خدا ۴

مِنْ فَضْلِكَ: خواهشمندم ۴

مُنْشَقَة: حوله

مُنْصَدَة: میز

مُنْظَمَةُ الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَة:

سازمان ملل متحد

مُنْقَذ: نجات دهنده ۸

مُنْهَمِر، مُنْهَمِرَة: ریزان ۱

مَوَادُّ التَّجْمِيلِ: مواد آرایشی ۷

مُواطِن: شهروند، هم میهن ۲

مَوْت: مرگ

مَوْسُوعَة: دانشنامه ۸

مُوظَّف: کارمند

مَوْعِد: وقت «جمع: مَوَاعِد» ۷

مُهْدِي: آرام بخش

مِهْرَجَان: جشنواره، فستیوال ۳

مُهْمَة إداريَة: مأموریت اداری

مِهْنَة: شغل «جمع: مِهَن»

مِيناء: بندرها «جمع: مَوَانِي» ۷

ن

نَا: -مان، - ما

نَاجِح: موفق، پیروز

## نادی: صدا زد

(مضارع: يُنادي / مصدر: مُناداة)

نار: آتش

ناس: مردم

## ناسَب: مناسب شد

(مضارع: يُناسِب / مصدر: مُناسَبَة) ۱

نافِذَة: پنجره «جمع: نوافِذ»

ناقِص: منهای ۲

ناقِلَة: نفتکش ۷

نائِم: خوابیده «جمع: نيام» ۳

نَبات: گیاه «جمع: نَباتات»

نَجاح: موفقیت، موفق شدن

نَجَحَ: موفق شد (مضارع: يَنْجُح)

نَجَم: ستاره (جمع: نُجوم و أَنْجَم) ۱

نَحْنُ: ما

نَدِمَ: پشیمان شد (مضارع: يَنْدَم)

نَدَم: پشیمانی ۵

نَزَلَ: پایین آمد (مضارع: يَنْزِل)

نُزول: پایین آمدن ۳

نِساء: زنان

نَسِيَ: فراموش کرد (مضارع: يَنْسى)

نَشَاط: فعالیت ۲

نَشِيط: بانشاط، فعّال

## نَص: متن «جمع: نُصوص»

نَصَحَ: پند داد (مضارع: يَنْصَح) ۲

نَصَرَ: یاری کرد (مضارع: يَنْصُر)

نَضِر: نَضِرَة: تر و تازه ۱

نَظَر: نگاه

نَظَرَ: نگاه کرد

(مضارع: يَنْظُر / مصدر: نَظَر)

نَظَرًا لـ: نظر به ۶

نَظِيف: پاکیزه

نَعَجَة: میش (جمع: نِعا ج) ۲

نَعَم: بله

نِعْمَة: نعمت (جمع: أَنْعَم و نِعَم) ۱

نُفَايَة: زباله ۲

نَفْس: خود، همان

نِفط: نفت ۶

نَفَعَ: سود رساند (مضارع: يَنْفَعُ)

نَفَقَة: هزینه

نَقَصَ: کم شد

(مضارع: يَنْقُص / مصدر: نَقَص)

نُقود: پول، پول‌ها

نَمَا: رشد کرد (مضارع: يَنْمو) ۱

نَمَلَة: مورچه ۲

نَوْم: خواب

## نَهَار: روز

نَهَايَة: پایان «متضاد: بِدَايَة»

نَهَر: رودخانه «جمع: أَنْهَار»

## و

وَآو: اگرچه

وَاجِب: تکلیف

وَاحِد، وَاحِدَة: یک

وَاسِع: وسیع

وَاقِف: ایستاده

وَالد: پدر «مترادف: أَب»

وَالدَة: مادر «مترادف: أُم»

وَالدِین، وَالدان: پدر و مادر

وَاجِبَ: واجب شد (مضارع: يَجِبُ) ۷

وَجَدَ: پیدا کرد «مضارع: يَجِدُ»

وَجَع: درد «مترادف: أَلَم»

وَجْه: چهره «جمع: وُجوه»

وَخْذَة: تنهایی، همبستگی

وَخَذَكَ: تو به تنهایی

وَحِيد: تنها

وَرَاء: پشت «متضاد: أَمَام»

وَرْد: گل «وَرْدَة: یک گل»

## ی

ی: م، - من  
یا: ای  
یا لَیْتَنی: ای کاش من!  
یَجِبُ: باید ۷  
یَد: دست «جمع: آیدی»  
یَدَوِیَّة: دستی ۶  
یَسار: چپ  
یَمین: راست  
یوجَدُ: وجود دارد  
یَوْم: روز «جمع: آیام»  
یَسَن: ناامید شد (مضارع: یَیَّاسُ)

## هَجَرَ: جدایی گزید، جدا شد

(مضارع: یَهْجُرُ) ۳  
هَجَمَ: حمله کرد (مضارع: یَهْجِمُ)  
هَدوء: آرامش ۲  
هَذَا: این «مذکر»  
هَذَانِ: این دو، اینها، این «مذکر»  
هَذِهِ: این «مؤنث»  
هَرَبَ: فرار کرد (مضارع: یَهْرُبُ)  
هَلْ: آیا؟  
هَلَكَ: مُرد، هلاک شد (مضارع: یَهْلِكُ)  
هُم: ایشان، - آنها «مذکر»  
هُم: آنها، ایشان «مذکر»  
هُما: ایشان، آن دو، - آنها «مثنی»  
هُما: آن دو، آنها  
هُنَّ: ایشان، - آنها «مؤنث»  
هُنَّ: آنها، ایشان «مؤنث»

هُنا: اینجا

هُناكَ: آنجا  
هُوَ: او «مذکر»  
هُؤلاء: اینان  
هِيَ: او «مؤنث»

## وَرَعَ: پارسایی

وَرَق: برگ «جمع: أوراق»  
وَصَفَه: نسخه  
وَصَلَ: رسید (مضارع: یَصِلُ)  
وَضَعَ: گذاشت  
«مضارع: یَضَعُ / مصدر: وَضَعَ / متضاد: رَفَعَ»  
وَقایة: پیشگیری ۵  
وَقَعَ: واقع شد، اتفاق افتاد، افتاد  
«مضارع: یَقَعُ»

وَقَفَ: ایستاد (مضارع: یَقِفُ)  
وَقود: سوخت (مواد سوختی) ۷  
وَلَد: پسر، فرزند «جمع: أولاد»  
وَلِی: یار «جمع: أولیاء»

## ه

ه: ش، - او، - آن «مذکر»  
ها: ش، - او، - آن «مؤنث»  
هاتان: این دو، اینها، این «مؤنث»  
هاتف: تلفن (جمع: هَوَاتِف) ۲  
هادی: آرام

هَجَرَ: دوری، جدا شدن

أَيُّهَا الزُّمَلَاءُ ؛  
إِلَى اللِّقَاءِ ،  
نَنْتَظِرُكُمْ فِي الصَّفِّ الْحَادِي عَشَرَ ؛  
حَفِظَكُمُ اللَّهُ ؛  
فِي أَمَانِ اللَّهِ ؛  
مَعَ السَّلَامَةِ .



